



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

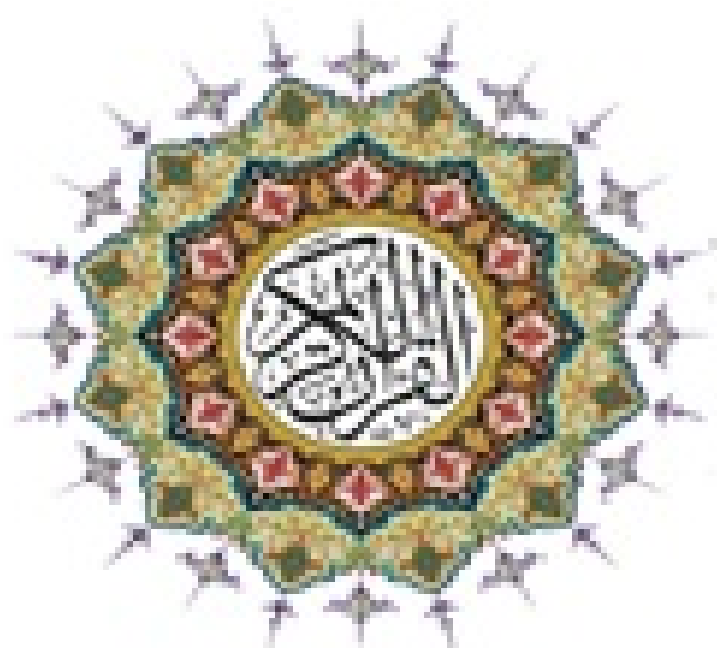
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۷۹

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 79

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۶	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۷۹
۲۶	مشخصات کتاب
۲۶	۱- قضا و قدر
۲۶	۱- قضا و قدر
۳۶	۲- قضاوت
۳۶	۱- آثار قبول قضاوت دینی
۳۶	۲- آثار قبول قضاوت رهبران دینی
۳۶	۳- آثار قبول قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله)
۳۷	۴- آثار قضاوت
۳۷	۵- آثار قضاوت اخروی خدا
۳۷	۶- آثار قضاوت خدا
۳۹	۷- آثار قضاوت طاغوت
۳۹	۸- آثار قضاوت ظالمانه
۳۹	۹- آثار قضاوت عادلانه
۴۱	۱۰- آداب قضاوت
۴۱	۱۱- آسیب شناسی قضاوت
۴۱	۱۲- اهمیت قضاوت
۴۳	۱۳- ایتقان قضاوت خدا
۴۳	۱۴- ایتقان قضاوت خدا
۴۳	۱۵- ایتقان قضاوت سلیمان(ع)
۴۵	۱۶- اجتناب از قضاوت پنداری
۴۵	۱۷- احکام قضاوت
۴۵	۱۸- ارجاع قضاوت به غیر خدا

- ۴۷ ۱۹- استقلال قضاوت خدا
- ۴۷ ۲۰- اعراض از قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۹ ۲۱- امارات قضایی در اثبات دعوا
- ۴۹ ۲۲- امتحان با قضاوت
- ۴۹ ۲۳- اهمیت عدالت در قضاوت
- ۵۱ ۲۴- اهمیت قضاوت
- ۵۳ ۲۵- اهمیت قضاوت خدا
- ۵۳ ۲۶- اهمیت قضاوت داود(ع)
- ۵۵ ۲۷- ایمان به قضاوت خدا
- ۵۵ ۲۸- بصیرت در قضاوت
- ۵۵ ۲۹- بی ارزشی قضاوت کافران
- ۵۶ ۳۰- بی نظیری قضاوت خدا
- ۵۷ ۳۱- تأخیر در قضاوت
- ۵۷ ۳۲- ترس در قضاوت
- ۵۷ ۳۳- ترک عجله در قضاوت
- ۵۷ ۳۴- ترک قضاوت
- ۵۹ ۳۵- ترک قضاوت مشروع
- ۵۹ ۳۶- تسلیم به قضاوت مشروع
- ۶۰ ۳۷- تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)
- ۶۱ ۳۸- تعقل در قضاوت
- ۶۱ ۳۹- توبه از قضاوت خطا
- ۶۱ ۴۰- حتمیت قضاوت خدا
- ۶۳ ۴۱- حق در قضاوت خدا
- ۶۳ ۴۲- حق شنوی در قضاوت
- ۶۳ ۴۳- حقانیت قضاوت خدا
- ۶۷ ۴۴- حقانیت قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله)

- ۴۵- حکمت در قضاوت خدا ۶۷
- ۴۶- دخالت در قضاوت خدا ۶۹
- ۴۷- درخواست قضاوت خدا ۶۹
- ۴۸- درخواست قضاوت عادلانه ۷۱
- ۴۹- دعوت به قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۱
- ۵۰- دلایل حقانیت قضاوت خدا ۷۱
- ۵۱- ذکر قضاوت اخروی خدا ۷۱
- ۵۲- رد قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۳
- ۵۳- روش قضاوت مشرکان صدر اسلام ۷۴
- ۵۴- زمینه قضاوت خدا ۷۵
- ۵۵- زمینه قضاوت صحیح ۷۵
- ۵۶- سرزنش قضاوت ناپسند ۷۵
- ۵۷- سرعت در قضاوت ۷۵
- ۵۸- شرایط قبول قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۷
- ۵۹- شرایط قضاوت ۷۷
- ۶۰- شرایط قضاوت به حق ۸۱
- ۶۱- شرایط قضاوت خدا ۸۱
- ۶۲- شک در قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۳
- ۶۳- شگفتی قضاوت مشرکان ۸۳
- ۶۴- ظلم در قضاوت ۸۳
- ۶۵- ظن در قضاوت ۸۵
- ۶۶- عادلانه ترین قضاوت ۸۵
- ۶۷- عبرت از قضاوت داود(ع) ۸۵
- ۶۸- عدالت در قضاوت ۸۵
- ۶۹- عدالت در قضاوت اخروی ۹۰
- ۷۰- عرصه قضاوت خدا ۹۱

- ۷۱- عقل در قضاوت ۹۱
- ۷۲- عقیده به قضاوت خدا ۹۱
- ۷۳- علم در قضاوت ۹۱
- ۷۴- فلسفه قضاوت ۹۴
- ۷۵- قانونمندی قضاوت خدا ۹۵
- ۷۶- قبول قضاوت رهبران دینی ۹۵
- ۷۷- قبول قضاوت رهبری ۹۵
- ۷۸- قبول قضاوت طاغوت ۹۷
- ۷۹- قبول قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۷
- ۸۰- قدرت در قضاوت ۱۰۱
- ۸۱- قضاوت آل ابراهیم ۱۰۱
- ۸۲- قضاوت ابراهیم(ع) ۱۰۱
- ۸۳- قضاوت اخروی بر مشرکان ۱۰۳
- ۸۴- قضاوت اخروی بر مؤمنان ۱۰۳
- ۸۵- قضاوت اخروی خدا ۱۰۳
- ۸۶- قضاوت اسحاق(ع) ۱۱۳
- ۸۷- قضاوت اسماعیل(ع) ۱۱۴
- ۸۸- قضاوت الیاس(ع) ۱۱۵
- ۸۹- قضاوت الیسع(ع) ۱۱۵
- ۹۰- قضاوت امام علی(ع) ۱۱۵
- ۹۱- قضاوت انبیا ۱۱۷
- ۹۲- قضاوت با رشوه ۱۱۷
- ۹۳- قضاوت باطل ۱۱۸
- ۹۴- قضاوت برادران انبیا ۱۱۹
- ۹۵- قضاوت به حق ۱۱۹
- ۹۶- قضاوت بی اعتبار ۱۲۱

- ۹۷- قضاوت بین حق و باطل ۱۲۱
- ۹۸- قضاوت بین کافران و مؤمنان ۱۲۳
- ۹۹- قضاوت بین محمد(صلی الله علیه و آله) و حق ناپذیران ۱۲۳
- ۱۰۰- قضاوت بین محمد(صلی الله علیه و آله) و کافران ۱۲۳
- ۱۰۱- قضاوت بین محمد(صلی الله علیه و آله) و مشرکان ۱۲۳
- ۱۰۲- قضاوت بین مؤمنان و کافران ۱۲۵
- ۱۰۳- قضاوت بین یهود ۱۲۷
- ۱۰۴- قضاوت پدران انبیا ۱۲۸
- ۱۰۵- قضاوت حق ۱۲۹
- ۱۰۶- قضاوت خدا ۱۲۹
- ۱۰۷- قضاوت خلیفه خدا ۱۴۱
- ۱۰۸- قضاوت خویشاوندان انبیا ۱۴۱
- ۱۰۹- قضاوت خویشاوندان زلیخا ۱۴۱
- ۱۱۰- قضاوت داود(ع) ۱۴۳
- ۱۱۱- قضاوت در انجیل ۱۴۷
- ۱۱۲- قضاوت در تورات ۱۴۸
- ۱۱۳- قضاوت در قصه یوسف(ع) ۱۴۹
- ۱۱۴- قضاوت در قیامت ۱۴۹
- ۱۱۵- قضاوت در کودکی ۱۵۹
- ۱۱۶- قضاوت درباره خدا ۱۵۹
- ۱۱۷- قضاوت درباره دین ۱۵۹
- ۱۱۸- قضاوت درباره ظالمان ۱۶۱
- ۱۱۹- قضاوت رهبری ۱۶۱
- ۱۲۰- قضاوت زکریا(ع) ۱۶۱
- ۱۲۱- قضاوت سلیمان(ع) ۱۶۱
- ۱۲۲- قضاوت طاغوت ۱۶۵

- ۱۲۳- قضاوت ظالمانه ----- ۱۶۷
- ۱۲۴- قضاوت عادلان بنی اسرائیل ----- ۱۶۷
- ۱۲۵- قضاوت عادلانه ----- ۱۶۸
- ۱۲۶- قضاوت عجولانه درباره اولیاء الله ----- ۱۶۹
- ۱۲۷- قضاوت عدالت پیشگان ----- ۱۶۹
- ۱۲۸- قضاوت عزیز مصر ----- ۱۶۹
- ۱۲۹- قضاوت علمای یهود ----- ۱۶۹
- ۱۳۰- قضاوت علیه عهدشکنان ----- ۱۷۱
- ۱۳۱- قضاوت عمر (ابن خطاب) ----- ۱۷۱
- ۱۳۲- قضاوت عیسی(ع) ----- ۱۷۳
- ۱۳۳- قضاوت فرزندان انبیا ----- ۱۷۳
- ۱۳۴- قضاوت قاضی ----- ۱۷۳
- ۱۳۵- قضاوت گناه ----- ۱۷۳
- ۱۳۶- قضاوت لوط(ع) ----- ۱۷۵
- ۱۳۷- قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۱۷۵
- ۱۳۸- قضاوت مسیحیان ----- ۱۸۲
- ۱۳۹- قضاوت مشرکان ----- ۱۸۳
- ۱۴۰- قضاوت مشروع ----- ۱۸۳
- ۱۴۱- قضاوت منافقان ----- ۱۸۵
- ۱۴۲- قضاوت موسی(ع) ----- ۱۸۵
- ۱۴۳- قضاوت ناپسند ----- ۱۸۵
- ۱۴۴- قضاوت ناپسند مشرکان جاهلیت ----- ۱۸۷
- ۱۴۵- قضاوت ناحق ----- ۱۸۸
- ۱۴۶- قضاوت نوح(ع) ----- ۱۸۹
- ۱۴۷- قضاوت وجدان ----- ۱۸۹
- ۱۴۸- قضاوت هارون(ع) ----- ۱۹۱

- ۱۴۹- قضاوت یحیی(ع) ۱۹۱
- ۱۵۰- قضاوت یعقوب(ع) ۱۹۳
- ۱۵۱- قضاوت یوسف(ع) ۱۹۳
- ۱۵۲- قضاوت یونس(ع) ۱۹۴
- ۱۵۳- قضاوت یهود ۱۹۵
- ۱۵۴- گواهی در قضاوت ۱۹۵
- ۱۵۵- مبانی قضاوت ۱۹۵
- ۱۵۶- مبانی قضاوت داود(ع) ۲۰۳
- ۱۵۷- مبانی قضاوت سلیمان(ع) ۲۰۵
- ۱۵۸- مبانی قضاوت کافران ۲۰۵
- ۱۵۹- محرومیت از قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۰۵
- ۱۶۰- مشورت در قضاوت ۲۰۷
- ۱۶۱- معبودان باطل و قضاوت ۲۰۷
- ۱۶۲- مقام قضاوت ۲۰۷
- ۱۶۳- مقام قضاوت داود(ع) ۲۰۷
- ۱۶۴- مقام قضاوت سلیمان(ع) ۲۰۷
- ۱۶۵- ملاک قضاوت ۲۰۹
- ۱۶۶- ملاک قضاوت اخروی ۲۱۱
- ۱۶۷- ملاک قضاوت اخروی خدا ۲۱۱
- ۱۶۸- ملاک قضاوت خدا ۲۱۳
- ۱۶۹- ملاک قضاوت در قیامت ۲۱۹
- ۱۷۰- ملاک قضاوت کافران ۲۲۱
- ۱۷۱- ملاک قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۲۱
- ۱۷۲- ملاک قضاوت مشرکان در صدر اسلام ۲۲۱
- ۱۷۳- ملاک قضاوت مشروع ۲۲۳
- ۱۷۴- ملاکهای قضاوت منافقان ۲۲۳

- ۱۷۵- منابع قضاوت ۲۲۳
- ۱۷۶- منشأ قضاوت باطل ۲۲۳
- ۱۷۷- منشأ قضاوت سلیمان(ع) ۲۲۵
- ۱۷۸- منشأ قضاوت لوط(ع) ۲۲۵
- ۱۷۹- منشأ قضاوت نوح(ع) ۲۲۵
- ۱۸۰- موانع قضاوت عادلانه ۲۲۷
- ۱۸۱- ناظر قضاوت داود(ع) ۲۲۷
- ۱۸۲- ناظر قضاوت سلیمان(ع) ۲۲۷
- ۱۸۳- نظام قضایی ۲۲۷
- ۱۸۴- نقش امارات قضایی ۲۲۹
- ۱۸۵- نقش علم در قضاوت ۲۲۹
- ۱۸۶- نقش مقام قضاوت ۲۲۹
- ۱۸۷- وجدان در قضاوت ۲۳۱
- ۱۸۸- وضوح حقانیت قضاوت خدا ۲۳۱
- ۱۸۹- ویژگیهای قضاوت خدا ۲۳۱
- ۱۹۰- ویژگیهای قضاوت در قیامت ۲۳۳
- ۱۹۱- ویژگیهای قضاوت سلیمان(ع) ۲۳۴
- ۱۹۲- هواپرستی در قضاوت ۲۳۵
- ۳- قلب ۲۳۶
- ۱- قلب ۲۳۶
- ۲- آثار بیماری قلب ۲۳۶
- ۳- آثار بیماری قلب منافقان ۲۳۹
- ۴- آثار پاکی قلب ۲۴۰
- ۵- آثار حجاب قلب ۲۴۱
- ۶- آثار حضور قلب ۲۴۱
- ۷- آثار ختم قلب ۲۴۲

- ۸- آثار ختم قلب مشرکان مکه ----- ۲۴۵
- ۹- آثار خشوع قلب ----- ۲۴۶
- ۱۰- آثار خضوع قلب ----- ۲۴۷
- ۱۱- آثار رقت قلب ----- ۲۴۷
- ۱۲- آثار سلامتی قلب ----- ۲۴۷
- ۱۳- آثار سیاهی قلب ----- ۲۴۹
- ۱۴- آثار قساوت قلب ----- ۲۴۹
- ۱۵- آثار قساوت قلب اصحاب اخدود ----- ۲۵۳
- ۱۶- آثار قلب سلیم ----- ۲۵۴
- ۱۷- آثار مسخ قلب ----- ۲۵۵
- ۱۸- آثار ناپاکی قلب ----- ۲۵۵
- ۱۹- آرامش قلب محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۲۵۵
- ۲۰- آرزوی پاکی قلب ----- ۲۵۵
- ۲۱- اجتناب از لغزش قلب ----- ۲۵۷
- ۲۲- احاطه بر قلب ها ----- ۲۵۷
- ۲۳- ارزش قلب ----- ۲۵۷
- ۲۴- ازدیاد بیماری قلب منافقان ----- ۲۵۷
- ۲۵- استفاده از قلب ----- ۲۵۹
- ۲۶- اضطراب قلب انسان ----- ۲۵۹
- ۲۷- اطمینان قلب ----- ۲۵۹
- ۲۸- اطمینان قلب علما ----- ۲۶۱
- ۲۹- اطمینان قلب مادر موسی(ع) ----- ۲۶۲
- ۳۰- اطمینان قلب مؤمنان ----- ۲۶۳
- ۳۱- اعتدال قلب ----- ۲۶۳
- ۳۲- القای قرآن بر قلب گناهکاران ----- ۲۶۳
- ۳۳- القای قرآن در قلب کافران ----- ۲۶۳

- ۳۴- اهمیت پاکی قلب ۲۶۵
- ۳۵- اهمیت حضور قلب ۲۶۵
- ۳۶- اهمیت سلامتی قلب ۲۶۷
- ۳۷- اهمیت طهارت قلب ۲۶۷
- ۳۸- اهمیت قلب ۲۶۹
- ۳۹- اهمیت محافظت از قلب ۲۶۹
- ۴۰- ایمان ختم قلب شدگان ۲۶۹
- ۴۱- بیماری قلب ۲۶۹
- ۴۲- بیماری قلب مشرکان ۲۷۱
- ۴۳- بیماری قلب منافقان ۲۷۱
- ۴۴- بیماری قلب منافقان صدراسلام ۲۷۳
- ۴۵- بیماری قلب منافقان مدینه ۲۷۴
- ۴۶- پاکی قلب ۲۷۵
- ۴۷- پاکی قلب بهشتیان ۲۷۵
- ۴۸- پرسش از قلب ۲۷۵
- ۴۹- تشبیه قلب غافلان ۲۷۷
- ۵۰- تشبیه قلب معرضان از قرآن ۲۷۷
- ۵۱- تنوع ادراک قلب ۲۷۷
- ۵۲- توطئه قلب بیمار ۲۷۷
- ۵۳- حاکم قلب ها ۲۷۹
- ۵۴- حاکمیت بر قلب ها ۲۷۹
- ۵۵- حجاب قلب دشمنان قرآن ۲۷۹
- ۵۶- حجاب قلب کافران ۲۸۱
- ۵۷- حضور قلب در عبادت ۲۸۱
- ۵۸- حضور قلب در نماز ۲۸۱
- ۵۹- خالق قلب ۲۸۳

- ۶۰- ختم قلب ۲۸۳
- ۶۱- ختم قلب اشراف فرعون ۲۸۳
- ۶۲- ختم قلب بنی اسرائیل ۲۸۵
- ۶۳- ختم قلب جاهلان به معاد ۲۸۵
- ۶۴- ختم قلب حق ناپذیران ۲۸۵
- ۶۵- ختم قلب دنیاطلبان ۲۸۷
- ۶۶- ختم قلب فرعون ۲۸۷
- ۶۷- ختم قلب کافران ۲۸۷
- ۶۸- ختم قلب گناهکاران ۲۹۱
- ۶۹- ختم قلب متجاوزان ۲۹۱
- ۷۰- ختم قلب متخلفان از جهاد ۲۹۲
- ۷۱- ختم قلب متکبران ۲۹۳
- ۷۲- ختم قلب مرتدان ۲۹۳
- ۷۳- ختم قلب مشرکان ۲۹۳
- ۷۴- ختم قلب مکذبان آخرت ۲۹۳
- ۷۵- ختم قلب مکذبان انبیا ۲۹۵
- ۷۶- ختم قلب مکذبان قرآن ۲۹۵
- ۷۷- ختم قلب منافقان ۲۹۷
- ۷۸- ختم قلب یهود ۲۹۷
- ۷۹- خشیت قلب ۲۹۹
- ۸۰- خضوع قلب ۲۹۹
- ۸۱- رقت قلب علما ۳۰۱
- ۸۲- رقت قلب مؤمنان ۳۰۱
- ۸۳- رگهای قلب ۳۰۱
- ۸۴- زمینه ازدیاد بیماری قلب ۳۰۱
- ۸۵- زمینه اطمینان قلب ۳۰۳

- ۳۰۳ ----- ۸۶- زمینه ختم قلب
- ۳۰۵ ----- ۸۷- زمینه ختم قلب منافقان
- ۳۰۵ ----- ۸۸- زمینه زنگار قلب کافران
- ۳۰۵ ----- ۸۹- زمینه سلامت قلب
- ۳۰۷ ----- ۹۰- زمینه سیاهی قلب
- ۳۰۷ ----- ۹۱- زمینه قساوت قلب
- ۳۰۷ ----- ۹۲- زمینه قساوت قلب اهل کتاب
- ۳۰۹ ----- ۹۳- زنگار قلب کافران
- ۳۰۹ ----- ۹۴- زنگار قلب مکذبان قرآن
- ۳۰۹ ----- ۹۵- زنگار قلب مکذبان قیامت
- ۳۱۱ ----- ۹۶- سرزنش قساوت قلب
- ۳۱۱ ----- ۹۷- سرزنش قلب بیمار
- ۳۱۱ ----- ۹۸- سلامتی قلب ابراهیم(ع)
- ۳۱۲ ----- ۹۹- سلامتی قلب پیروان انبیا
- ۳۱۳ ----- ۱۰۰- سیاهی قلب
- ۳۱۳ ----- ۱۰۱- شرایط پاکی قلب
- ۳۱۳ ----- ۱۰۲- شفای قلب مؤمنان
- ۳۱۵ ----- ۱۰۳- صفات قلب بیمار
- ۳۱۵ ----- ۱۰۴- طهارت قلب
- ۳۱۵ ----- ۱۰۵- ظلم قساوت قلب
- ۳۱۵ ----- ۱۰۶- عوامل ازدیاد بیماری قلب
- ۳۱۷ ----- ۱۰۷- عوامل اطمینان قلب
- ۳۱۷ ----- ۱۰۸- عوامل بیماری قلب
- ۳۱۹ ----- ۱۰۹- عوامل حجاب قلب
- ۳۱۹ ----- ۱۱۰- عوامل ختم قلب
- ۳۲۲ ----- ۱۱۱- عوامل سیاهی قلب

- ۱۱۲- عوامل شفای قلب مؤمنان ۳۲۳
- ۱۱۳- عوامل قساوت قلب ۳۲۳
- ۱۱۴- عوامل قساوت قلب مسیحیان ۳۲۷
- ۱۱۵- عوامل قساوت قلب یهود ۳۲۷
- ۱۱۶- عوامل مؤثر در قلب ۳۲۷
- ۱۱۷- عوامل نورانیت قلب ۳۲۹
- ۱۱۸- عهد شکنی قلب بیمار ۳۳۰
- ۱۱۹- فلسفه اطمینان قلب مادر موسی(ع) ۳۳۱
- ۱۲۰- فواید قلب ۳۳۱
- ۱۲۱- قساوت قلب ۳۳۱
- ۱۲۲- قساوت قلب اصحاب احدود ۳۳۳
- ۱۲۳- قساوت قلب اکثریت رهبران شرک صدراسلام ۳۳۳
- ۱۲۴- قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام ۳۳۳
- ۱۲۵- قساوت قلب بنی اسرائیل ۳۳۵
- ۱۲۶- قساوت قلب قارون ۳۳۷
- ۱۲۷- قساوت قلب کافران ۳۳۷
- ۱۲۸- قساوت قلب کافران صدراسلام ۳۳۹
- ۱۲۹- قساوت قلب مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۳۹
- ۱۳۰- قساوت قلب مسیحیان ۳۳۹
- ۱۳۱- قساوت قلب مشرکان ۳۴۱
- ۱۳۲- قساوت قلب یهود ۳۴۱
- ۱۳۳- قلب انسان ۳۴۲
- ۱۳۴- قلب انسان ها ۳۴۲
- ۱۳۵- قلب بیمار ۳۴۲
- ۱۳۶- قلب جنیان ۳۴۵
- ۱۳۷- قلب خاضع ۳۴۶

- ۱۳۸- قلب دروغگویان ۳۴۷
- ۱۳۹- قلب سلیم ۳۴۷
- ۱۴۰- قلب سلیم علما ۳۴۷
- ۱۴۱- قلب سلیم متقین ۳۴۷
- ۱۴۲- قلب فاسقان ۳۴۹
- ۱۴۳- قلب کافران ۳۴۹
- ۱۴۴- قلب گمراهان ۳۴۹
- ۱۴۵- قلب گناهکاران ۳۵۱
- ۱۴۶- قلب مجاهدان غزوه بدر ۳۵۱
- ۱۴۷- قلب محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۵۱
- ۱۴۸- قلب مضطرب ۳۵۲
- ۱۴۹- قلب مؤمنان ۳۵۳
- ۱۵۰- قلب مؤمنان راستین ۳۵۳
- ۱۵۱- قلب نوزاد ۳۵۳
- ۱۵۲- قلب و فساد ۳۵۵
- ۱۵۳- قلب های بیمار و صدای طنّازانه ۳۵۵
- ۱۵۴- قلب یهود ۳۵۵
- ۱۵۵- کفر قلب ۳۵۷
- ۱۵۶- گناه قلب ۳۵۷
- ۱۵۷- گواهی اخروی قلب ۳۵۷
- ۱۵۸- لغزش قلب ۳۵۸
- ۱۵۹- محرومیت قلب بیمار ۳۵۹
- ۱۶۰- مراتب قساوت قلب ۳۵۹
- ۱۶۱- مراد از اطمینان قلب ۳۵۹
- ۱۶۲- مراد از قلب ۳۵۹
- ۱۶۳- مراد از قلب سلیم ۳۶۱

- ۱۶۴- مسخ قلب ۳۶۱
- ۱۶۵- مسخ قلب کافران ۳۶۲
- ۱۶۶- مسؤل قلب ۳۶۳
- ۱۶۷- مقهوریت قلب انسان ۳۶۳
- ۱۶۸- مکان قلب ۳۶۳
- ۱۶۹- منشأ اطمینان قلب ۳۶۳
- ۱۷۰- منشأ اطمینان قلب اصحاب کهف ۳۶۵
- ۱۷۱- منشأ تسخیر قلب ۳۶۵
- ۱۷۲- موارد بیماری قلب ۳۶۵
- ۱۷۳- موانع پاکی قلب ۳۶۷
- ۱۷۴- موانع قساوت قلب ۳۶۷
- ۱۷۵- نشانه های بیماری قلب ۳۶۷
- ۱۷۶- نشانه های بیماری قلب کافران ۳۷۰
- ۱۷۷- نشانه های حضور قلب ۳۷۱
- ۱۷۸- نشانه های ختم قلب ۳۷۱
- ۱۷۹- نشانه های ختم قلب کافران ۳۷۲
- ۱۸۰- نشانه های رقت قلب ۳۷۳
- ۱۸۱- نشانه های سلامتی قلب ۳۷۳
- ۱۸۲- نشانه های قساوت قلب ۳۷۳
- ۱۸۳- نشانه های قلب سلیم ۳۷۳
- ۱۸۴- نعمت اطمینان قلب ۳۷۵
- ۱۸۵- نعمت قلب ۳۷۵
- ۱۸۶- نقش اخروی قلب سلیم ۳۷۷
- ۱۸۷- نقش قلب ۳۷۷
- ۱۸۸- نقش قلب سلیم ۳۸۹
- ۱۸۹- نقش قلب محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۸۹

- ۳۸۹ ۱۹۰- نگرانی قلب بیمار
- ۳۹۰ ۱۹۱- نورانیت قلب مؤمنان
- ۳۹۱ ۱۹۲- نیاز به اطمینان قلب
- ۳۹۱ ۱۹۳- واژگونی قلب مشرکان
- ۳۹۳ ۱۹۴- وحدت قلب انسان
- ۳۹۳ ۱۹۵- وحی به قلب محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۳۹۴ ۴- قلم
- ۳۹۴ ۱- اطلاع رسانی با قلم
- ۳۹۴ ۲- سوگند به قلم
- ۳۹۴ ۳- منشأ کتابت قلم
- ۳۹۵ ۴- نقش قلم
- ۳۹۵ ۵- آثار قمار
- ۳۹۵ ۶- اجتناب از قمار
- ۳۹۷ ۷- احکام قمار
- ۳۹۹ ۸- پرسش از قمار
- ۴۰۰ ۹- پلیدی قمار
- ۴۰۱ ۱۰- تحریم قمار
- ۴۰۱ ۱۱- ترک قمار
- ۴۰۱ ۱۲- حرمت قمار
- ۴۰۳ ۱۳- ضرر قمار
- ۴۰۳ ۱۴- فلسفه تحریم قمار
- ۴۰۴ ۱۵- فواید قمار
- ۴۰۵ ۱۶- قمار با اِزلام
- ۴۰۶ ۱۷- قمار در صدر اسلام
- ۴۰۷ ۱۸- قمار در قریش
- ۴۰۹ ۱۹- قمار در مسلمانان

- ۴۰۹ ۲۰- قمار قبل از تحریم
- ۴۱۱ ۲۱- گناه قمار
- ۴۱۱ ۲۲- مفسد قمار
- ۴۱۳ ۲۳- موارد قمار
- ۴۱۵ ۲۴- ناپسندی قمار
- ۴۱۵ ۲۵- نهی از قمار
- ۴۱۶ ۵- قوانین
- ۴۱۶ ۱- آثار اجرای قوانین کیفری
- ۴۱۶ ۲- آثار نقض قوانین بین المللی
- ۴۱۷ ۳- بی منطقی قوانین جاهلیت
- ۴۱۷ ۴- تبعیت از قوانین غیر دینی
- ۴۱۷ ۵- تبیین فلسفه قوانین
- ۴۱۹ ۶- جرم تخلف از قوانین جنگ
- ۴۱۹ ۷- سهولت قوانین ذوالقرنین
- ۴۱۹ ۸- شرایط نقض قوانین بین المللی
- ۴۱۹ ۹- عرف و قوانین
- ۴۲۱ ۱۰- عصیان از قوانین نظامی
- ۴۲۱ ۱۱- فلسفه قوانین اسلامی
- ۴۲۱ ۱۲- فلسفه قوانین کیفری
- ۴۲۱ ۱۳- قوانین ادیان
- ۴۲۳ ۱۴- قوانین انجیل
- ۴۲۳ ۱۵- قوانین بین المللی
- ۴۲۳ ۱۶- قوانین تورات
- ۴۲۳ ۱۷- قوانین جاهلانه دوران جاهلیت
- ۴۲۵ ۱۸- قوانین جزایی مصر باستان
- ۴۲۵ ۱۹- قوانین حاکم بر آفرینش

- ۲۰- قوانین عالمانه ۴۲۷
- ۲۱- قوانین کیفری در بنی اسرائیل ۴۲۷
- ۲۲- قوانین کیفری در دوران یوسف(ع) ۴۲۷
- ۲۳- قوانین کیفری در مصر باستان ۴۲۷
- ۲۴- کیفر اطاعت از قوانین ناپسند ۴۲۹
- ۲۵- کیفر عصیان از قوانین نظامی ۴۳۰
- ۲۶- مجازات تخلف از قوانین جنگ ۴۳۱
- ۲۷- مطالعه قوانین آسمان ها ۴۳۱
- ۲۸- ملاکهای قوانین لازم الاتباع ۴۳۱
- ۲۹- منشأ قوانین آفرینش ۴۳۱
- ۳۰- منشأ نسخ قوانین ۴۳۳
- ۳۱- منشأ وضع قوانین ۴۳۳
- ۳۲- نقض قوانین بشری ۴۳۳
- ۳۳- ویژگیهای قوانین بشری ۴۳۳
- ۳۴- ویژگیهای قوانین دینی ۴۳۵
- ۳۵- یوسف(ع) و قوانین مصر باستان ۴۳۵
- ۳۶- آثار نقض قوانین بین المللی ۴۳۵
- ۳۷- شرایط نقض قوانین بین المللی ۴۳۷
- ۳۸- قوانین بین المللی ۴۳۷
- ۶- قوای ادراکی ۴۳۸
- ۱- ابداع قوای ادراکی ۴۳۸
- ۲- ارزش قوای ادراکی ۴۳۸
- ۳- استفاده از قوای ادراکی ۴۳۸
- ۴- اهمیت قوای ادراکی ۴۳۹
- ۵- تأثیر جادو در قوای ادراکی ۴۳۹
- ۶- تأثیر پذیری قوای ادراکی ۴۳۹

- ۴۳۹ ۷- دقت در ضعف قوای ادراکی
- ۴۴۱ ۸- رشد قوای ادراکی
- ۴۴۱ ۹- زمینه ختم قوای ادراکی
- ۴۴۱ ۱۰- زمینه سلب قوای ادراکی
- ۴۴۱ ۱۱- ضعف قوای ادراکی
- ۴۴۳ ۱۲- عوامل سلب قوای ادراکی
- ۴۴۳ ۱۳- فلسفه قوای ادراکی
- ۴۴۳ ۱۴- قوای ادراکی انسان
- ۴۴۳ ۱۵- قوای ادراکی گمراهان
- ۴۴۵ ۱۶- قوای ادراکی موجودات زنده
- ۴۴۵ ۱۷- نعمت قوای ادراکی
- ۴۴۵ ۱۸- نقش قوای ادراکی
- ۴۴۸ ۷- قیاس
- ۴۴۸ ۱- آثار قیاس صالحان با مفسدان
- ۴۴۸ ۲- آثار قیاس متقین با گناهکاران
- ۴۴۸ ۳- ارزش قیاس
- ۴۴۹ ۴- استفاده از قیاس
- ۴۴۹ ۵- اولین قیاس کننده
- ۴۴۹ ۶- اهمیت رعایت قیاس
- ۴۴۹ ۷- تاریخ قیاس
- ۴۵۱ ۸- قیاس ابلیس
- ۴۵۱ ۹- قیاس انسان با آفرینش
- ۴۵۱ ۱۰- قیاس اهل تسلیم با گناهکاران
- ۴۵۲ ۱۱- قیاس باطل
- ۴۵۵ ۱۲- قیاس بت ها با عیسی(ع)
- ۴۵۷ ۱۳- قیاس بهشت و جهنم

- ۴۵۷ ۱۴- قیاس تولیت مسجد با جهاد
- ۴۵۷ ۱۵- قیاس خدا با موجودات
- ۴۵۷ ۱۶- قیاس خوبی با بدی
- ۴۵۹ ۱۷- قیاس دنیا با آخرت
- ۴۵۹ ۱۸- قیاس رباخوار
- ۴۵۹ ۱۹- قیاس زنده به مرده
- ۴۶۱ ۲۰- قیاس سقاییت حاجیان با جهاد
- ۴۶۱ ۲۱- قیاس صالحان با مفسدان
- ۴۶۱ ۲۲- قیاس کافران با مسلمانان
- ۴۶۲ ۲۳- قیاس کافران با مؤمنان
- ۴۶۳ ۲۴- قیاس گمراهان با مهتدین
- ۴۶۳ ۲۵- قیاس متقین با کافران
- ۴۶۳ ۲۶- قیاس متقین با گناهکاران
- ۴۶۵ ۲۷- قیاس مسلمانان با گناهکاران
- ۴۶۵ ۲۸- قیاس مشرک با مؤمن
- ۴۶۵ ۲۹- قیاس مشرکان مکه
- ۴۶۷ ۳۰- قیاس مشکلات با نعمتها
- ۴۶۷ ۳۱- قیاس ممنوع
- ۴۶۷ ۳۲- قیاس موجودات با خدا
- ۴۶۹ ۳۳- قیاس مؤمن با کافر
- ۴۶۹ ۳۴- قیاس مؤمنان با کافران
- ۴۶۹ ۳۵- قیاس مؤمنان با مفسدان
- ۴۶۹ ۳۶- قیاس مهتدین با گمراهان
- ۴۷۱ ۳۷- قیاس ناپسند
- ۴۷۱ ۳۸- قیاس نیکان با بدان
- ۴۷۳ ۳۹- قیاس نیکان و بدان

- ۴۰- قیاس ولید بن مغیره ۴۷۳
- ۴۱- ملاک قیاس ۴۷۳
- ۴۲- قیاس باطل ۴۷۳
- ۸- قیام ۴۷۸
- ۱- اخلاص در قیام ۴۷۸
- ۲- اعتدال در قیام نماز ۴۷۸
- ۳- ایمان به قیام امام مهدی(ع) ۴۷۸
- ۴- قیام امام مهدی(ع) ۴۷۹
- ۵- قیام در راه خدا ۴۷۹
- ۶- قیام در عبادت ۴۸۱
- ۷- قیام در نماز ۴۸۱
- ۸- قیام در نماز شب ۴۸۳
- ۹- قیام علیه رهبران حق ۴۸۳
- ۱۰- قیام هنگام خطبه نماز جمعه ۴۸۳
- ۱۱- مراد از قیام خدا ۴۸۳
- درباره مرکز ۴۸۶

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 79

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- قضا و قدر

1- قضا و قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 6,7

6 - خداوند ، بر پدید آوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

7 - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 17

17 - تقدیر امور به دست خداوند است .

ما کتب الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 216 - 21

21 - لزوم رضایت به مقدرات الهی ، علی رغم میل نفسانی خود

عسى ان تکرهوا شيئاً و هو خير لکم

رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ): .. ارض عن اللہ بما قدروا ان کان خلاف هواک ... فانہ مثبت فی کتاب اللہ ... قال: «وعسى ان تکرهوا شيئاً»

تفسیر طبری، ج 2، ص 201؛ الدر المنثور، ج 1، ص 587.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 1

7 - تأثیر نحوه روابط زناشویی ، در سرنوشت نیک یا بد انسان

فاتوا حرثکم انی شئتم و قدّموا لانفسکم

به نظر می رسد جمله «و قدّموا لانفسکم» به منزله تقییدی باشد برای اختیار و آزادی آدمی در آمیزش ؛ یعنی زندگی زناشویی در سرنوشت آدمی مؤثر است؛ پس آن روشی را برگزینید که فرجامی نیک داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - فرار از جنگ ، مانع از مرگِ مقدر شده الهی ، نیست .

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم . . . قاتلوا في سبيل الله

بنابراینکه داستان یادشده در این آیه، مقدمه ای برای آیه بعد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

28 - پذیرش دلایل روشن و هدایت یافتن آدمی ، منوط به تعلق اراده خداوندی است .

فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - تکوّن (پیدایش) موجودات ، در گرو دو مرحله متوالی قضای الهی و فرمان الهی

اذا قضی امرأ فانّما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سرنوشت آدمیان تنها به دست خداست ، نه حتّی رسول او .

لیس لك من الامر شیء

بنابر اینکه «ال» در «الامر» برای جنس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 10

10 - مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

ليقطع طرفاً من الذين كفروا .. لیس لك من الامر شیء ... والله ما فی السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 28,29,30,33

ص: 2

28 - مرگ آدمی و کیفیت آن ، برخاسته از تقدیر خداوند است .

قل لو كنتم فی بیوتكم لبرز الذین كتب علیهم القتل الی مضاجعهم

29 - شهادت در راه خدا ، از مقدرات الهی است .

قل لو كنتم فی بیوتكم لبرز الذین كتب علیهم القتل الی مضاجعهم

30 - فراز از میدان نبرد و رویارویی با سختی ها ، مانع مرگ مقدر آدمی نیست .

قل لو كنتم فی بیوتكم لبرز الذین كتب علیهم القتل الی مضاجعهم

33 - مرگ ، امری مقدر و فراتر از آن است که اندیشه های بشری به زمان آن راه یابد .

يقولون .. ما قتلنا ههنا قل لو كنتم فی بیوتكم لبرز الذین كتب علیهم القتل الی م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 11، 13، 7، 4، 2

2 - پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار ، مانع مرگ و کشته شدن است .

یا ایها الذین امنوا لا تكونوا کالذین كفروا وقالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا

4 - گمان حاکمیت عوامل مادی بر مقدرات الهی ، پنداری کفرآمیز

لا تكونوا کالذین كفروا وقالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

خداوند با کفرآمیز خواندن این اندیشه که جنگ و مسافرت (عوامل مادی) تعیین کننده مرگ آدمی است، به مؤمنان تعلیم می دهد که آن عوامل، تعیین کننده مرگ آدمی، که از مقدرات الهی است، نخواهد بود.

7 - حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تكونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه «لیجعل» متعلق به محذوف باشد؛ یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

11 - مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد ، تغییردهنده مسیر مقدر آن نیست .

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید «و الله يحيى و يميت» یعنی عوامل مادّی، تعیین کننده نیستند؛ هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

13 - اعتقاد به مقدر بودن مرگ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

جمله «و الله يحيى و يميت»، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 157 - 11

11 - ایمان به مقدر بودن مرگ و حیات، و شناخت ارزش والای شهادت، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و الله يحيى و يميت ... و لئن قتلتم فى سبيل الله او متمم لمغفره من الله و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: 1 - مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. 2 - جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاص خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا،

ص: 3

هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 165 - 9

9 - نقش آدمی در فرجام و سرنوشت خویش

قل هو من عند انفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 14، 15، 17، 18

14 - شرکت در جنگ و یا خانه نشینی ، هیچکدام نقش تعیین کننده در مرگ و یا زندگی آدمی ندارد .

قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

15 - انسان ، ناتوان از جلوگیری و دفع مرگ مقدر خویش

فادرؤا عن انفسکم الموت

17 - اعتقاد به مقدر بودن مرگ ، از میان برنده هراس و دلهره حضور در میدان نبرد

قالوا .. لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت

18 - ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 68 - 6

6 - تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از

سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب ... عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- زمان مرگ همه انسان ها مشخص و تحت حاکمیت قوانین معینی است .

و لو یعجل الله للناس الشر . . . لقضی إلیهم أجلهم

از این که کیفر دادن خدا، منجر به مرگ کافران می شود و همین، سبب شده که مجازات آنان به تأخیر بیفتد، استفاده می شود که خداوند برای پایان زندگی انسانها زمان خاصی را مقرر فرموده است؛ یعنی، آن را تحت ضابطه و قانونی قرار داده است که پس و پیش شدن در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 41 - 6

6- برخی از خدادها، از پیش تعیین شده و غیر قابل تغییر و تحول است .

ص: 4

قضی الامر الذی فیہ تستفتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 66 - 1

1- خداوند ، پیشاپیش حضرت لوط (ع) را از مقدر شدن عذاب بر قومش آگاه ساخت .

و قضینا إلیه ذلک الامر

متعدی شدن «قضینا» به «إلی» متضمن معنای «أوحینا» است. بنابراین معنای جمله «و قضینا إلیه ذلک الامر» چنین می شود: ما این امر (عذاب) را به او (لوط(ع)) وحی کردیم و آگاهش ساختیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 40 - 4

4- تکوّن و پیدایش موجودات پس از دو مرحله تصمیم (قضا) و فرمان خداوند است .

إنما قولنا لشیء إذا أردنه أن نقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 23 - 18

18- « عن ابن عباس قال : لما انصرف أمير المؤمنين من صفین قام إلیه شیخ . . . فقال : یا أمير المؤمنين أخبرنا عن مسیرنا هذا أبقضاء من الله و قدر ؟ . . . قال أمير المؤمنين : الأمر من الله و الحكم ثم تلا هذه الآية : « و قضی ربک ألا تعبدوا إلاّ إیّاه و بالوالدین إحساناً » . . . »

از ابن عباس روایت شده است: هنگامی که امیرالمؤمنین(ع) از صفین باز می گشت، پیرمردی به سوی او برخاست . . . و گفت: ای امیر مؤمنان! ما را خبر ده از سفری که رفتیم ، آیا به قضا و قدر الهی بود؟ ... امیر مؤمنان فرمود: فرمان و حکم از جانب خداوند بود؛ سپس آیه «و قضی ربک ألا تعبدوا إلاّ إیّاه و بالوالدین إحساناً» را تلاوت کرد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 8

8 - اتحاد و هم سانی قضا و تقدیر خداوند ، با قول و فعل او

فإذا قضی أمراً فإنّما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 3 - 9

9 - خداوند ، برای هر چیزی اندازه ای و برای هر امری در این عالم ، اسباب و عللی قرار داده است .

قد جعل الله لكلّ شيء قدرًا

ص: 5

2- قضاوت

1- آثار قبول قضاوت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 51 - 11

11 - اطاعت از خدا و رسول او و پذیرش داوری متکی بر احکام الهی ، موجب رستگاری و پیروزی است .

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا .. لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ

2- آثار قبول قضاوت رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 6

6 - پذیرش داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی ، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است .

و يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى .. وَ مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

3- آثار قبول قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 6

6 - پذیرش داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی ، نشانه ایمان راستین به خدا و رسول او و فرمان بری از ایشان و التزام عملی به دین است .

ص: 6

و يقولون ءامنّا بالله و بالرسول و أطعنا ثم يتولّى . . . و ما أولئك بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 52 - 3

3 - تسليم حكم پیامبر بودن و پذیرش داوری بر مبنای تعالیم دین ، نشانه خدا ترسی ، تقوای پیشگی و مطیع خدا و رسول بودن است .

إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و أطعنا . . . و من يطع الله

برداشت یاد شده، از ارتباط میان دو آیه فوق استفاده گردیده است.

4- آثار قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 109 - 8

8 - صدور حكم قاضی ، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم في الحيوه الدنيا فمن يجدل الله عنهم في يوم القيمه

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع نا حق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد، معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

5- آثار قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - جائیه - 45 - 17 - 9

9 - داوری پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إن ربك يقضى بينهم يوم القيمه

6- آثار قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 113 - 19

19 - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِیْمَا كَانُوْا فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ

ص: 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 17 - 10

10 - داوری پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

7- آثار قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 1

1 - ارجاع داوری به طاغوت ، موجب ابتلای مراجعه کنندگان به مصائب و مشکلات

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت . . . فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدّمت

با توجه به آیه پیش ، از مصادیق مورد نظر برای «ما قدمت ایدیهم» مراجعه به طاغوت برای داوری است.

8- آثار قضاوت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 20

20 - داوری ظالمانه و متکی بر هوا و هوس ، در پی دارنده عذاب شدید الهی

فاحکم بین الناس بالحقّ ولا تتبّع الهوی . . . إنّ الذین یضلّون عن سبیل اللّهِ لهم عذ

9- آثار قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 20

20 - داوری بر پایه عدل و داد ، مایه جلب محبت خداوند

فاحکم بینهم بالقسط إنّ اللّهِ یحبّ المقسطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - قضاوت به حق و عادلانه ، مانع ستم و تجاوز به حقوق دیگران است .

فاحکم بیننا بالحقّ و لا تشطط

تقدم توصیه به داوری عادلانه و به حق، بر توصیه به پرهیز از افراط و ستم روا داشتن در امر قضاوت، می تواند گویای برداشت یاد

ص: 8

شده باشد.

10- آداب قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 4

4- مشورت در امر قضاوت ، امری است پسندیده و شایسته .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . و کنا لحکمهم شهدین

11- آسیب شناسی قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 13، 11

11 - پیروی از هوای نفس ، مهم ترین خطر تهدید کننده قاضیان و داوران

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

13 - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

یداود إنّنا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

12- اهمیت قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 15، 12

12 - متصدیان امر قضا ، وظیفه دار فراگیری دانش قضا و علوم مربوط به آن

لتحکم بین الناس بما اریک الله

15 - قضاوت ، مسؤولیتی مهم و خطیر

إنّا انزلنا . . . لتحکم بین الناس بما اریک الله و لا تکن للخائنین خصیماً

چون قضاوت بین مردم از اهداف نزول قرآن دانسته شده است، حکایت از اهمیت والای آن دارد.

20 - جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همانند خود آن حضرت، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

امام صادق(ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج 1، ص 268، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 547، ح 547.

ص: 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 106 - 4

4 - لزوم توجه متصدیان قضاوت به نظارت الهی بر اعمال آنان

لتحكم بين الناس . . . و استغفر الله

فرمان خدا به «استغفار»، پس از بیان مبانی قضاوت، گویای این نکته است که در نظام قضایی اسلام توجه به خدا و ناظر دانستن وی از ضروریات و آمیخته با انجام وظیفه خطیر قضاوت است.

13- اِتقان قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 6

6- حکم و قضاوت خداوند، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

14- اِتقان قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 8 - 95 - 1

1 - قضاوت خداوند، از حکم تمامی داوران برتر، نافذتر و متقن تر است .

أليس الله بأحكم الحکمین

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق «أحکم»، ممکن است از ریشه «حَکَم» باشد که قاموس آن را به معنای اِتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

15- اِتقان قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 4

4- قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

ص: 10

16- اجتناب از قضاوت پنداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 10

10 - از داوری خیالی و دور از واقعیت ، باید پرهیز کرد .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

17- احکام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 5

5 - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

وتدلوا بها إلى الحکام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 47

47 - آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 5

5- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

ولا تتقف ما لیس لك به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

18- ارجاع قضاوت به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 14

ص: 11

14 - ارجاع داوری به غیر خداوند از سوی کسی که حقانیت و اعجاز قرآن را دریافته، کاری بس نکوهیده و نارواست.

أفغير الله أبتغي حكما . . . فلا تكونن من الممترین

19- استقلال قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 39 - 5

5- وحی و داوری خداوند، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لكم أيمن . . . إن لكم لما تحكمون

20- اعراض از قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 19, 26, 14

14 - رویگردانی از حکم و داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله)، زمینه ساز گرفتاری به عذاب دنیوی

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

برخی کلمه «بعض» را قرینه بر این دانسته اند که مراد از عذاب، عذابهای دنیوی است، زیرا تهدید به عذابهای آخرت نمی تواند اختصاص به برخی از گناهان داشته باشد.

19 - رویگردانی از حکم و داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نتیجه پیروی از هوای نفس

وإن احکم بینهم بما أنزل الله ولا تتبع اهواءهم . . . فان تولوا

26 - فاسقان، رویگردان از احکام الهی و بی اعتنا به داوری های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فان تولوا . . . وإن كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 3, 1

1 - دسته ای از منافقان صدر اسلام، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) میان آنان، از پذیرش آن خودداری می کردند .

وإذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

3- پذیرفتن داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

وإذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 49 - 2

ص: 12

2- اندیشه سودجویانه منافقان، مانع از مراجعه آنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای داوری به حق میان آنان بود.

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . وإن يكن لهم الح

از این که منافقان داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) را قبول نمی کردند و تنها در صورتی به آن تن می دادند که این داوری به نفع آنان بود، می توان به دست آورد که عدم پذیرش آنان در آغاز و قبول آنان به وقت سودمند دانستن آن برای خویش، ناشی از اندیشه سودجویانه آنان بود.

21- امارات قضایی در اثبات دعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 11

11- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 27 - 1

1- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

وإن كان ... و هو من الصادقين

22- امتحان با قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 16

16 - داوود (ع)، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك .. و ظنّ داود أنّما فتنّه

23- اهمیت عدالت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - ضرورت رعایت قسط و عدالت در داوری میان مردم

فاحکم بینهم بالقسط

ص: 13

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 47 - 10

10 - رعایت قسط در قضاوت و داوری ، لازم و ضروری است .

قضی بینهم بالقسط

24- اهمیت قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 54 - 11

11 - نبوت ، فهم ، منصب قضاوت و لزوم اطاعت مردم ، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمہ و اتیناهم ملکاً عظیماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره «الکتب» فرمود: التّبوّه، و درباره «الحکمہ» فرمود: الفهم و القضاء، و درباره «ملکاً عظیماً» فرمود: الطّاعه.

کافی، ج 1، ص 206، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 491، ح 303؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 248، ح 160.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 16

16 - خداوند ، شنوای احکام صادره از سوی قاضیان و حاکمان

و اذا حکمتم بین التّاس ان تحکموا بالعدل . . . انّ اللّٰه کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 49، 14، 13

13 - قضاوت ، مسؤولیت عالمان به کتب آسمانی

یحکم بها . . . و الرّبنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه

14 - احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون . . . و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه

«باء» در «بما استحفظوا» سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

49 - خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّٰه فأولئک هم الکفرون

جمله «و من لم یحکم . . .» دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

ص: 14

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 23

23 - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسئولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خرّ راکعاً و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن یک خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

25- اهمیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 8 - 3،6،1

1 - قضاوت خداوند، از حکم تمامی داوران برتر، نافذتر و متقن تر است .

أليس الله بأحكم الحكمين

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق «أحكم»، ممکن است از ریشه «حکم» باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

3 - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

أليس الله بأحكم الحكمين

همزه استفهام در «أليس»، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

6 - سرآمدبودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

26- اهمیت قضاوت داوود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 21 - 3

3 - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود(ع)، داستانی مهم، سازنده و مفید

و هل أتیک نبؤا الخصم

«نبأ» به خبر مهم و مفید و سازنده می گویند.

ص: 15

27- ایمان به قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 87 - 11، 7

7 - باور به داوری برتر خدا مایه صبر مؤمنان در برابر کفرپیشگان حق ستیز

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

هدف شعیب(ع) از بیان داوری برتر خدا پس از دعوت مؤمنان به صبر تا فرارسیدن قضاوت الهی، ایجاد زمینه صبر در آنان بود.

11 - کافران قوم شعیب، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در «فاصبروا» متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به «بالذی ارسلت به» پس از «ءامنوا» این معنا را تأیید می کند.

28- بصیرت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 7

7 - حق شنوی، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری، از شرایط داوری به حق

والله یقضی بالحقّ . . . إنّ الله هو السميع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

29- بی ارزشی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 36 - 2

2 - قضاوت کافران درباره اسلام و مسلمانان، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است .

ما لکم کیف تحکمون

30- بی نظیری قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 8 - 4.8

4 - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما یکذّٰبک بعد بالدين . أليس الله بأحکم الحکمین

ص: 16

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه «دین» آمده بود، راغب در «مفردات» می گوید: کلمه «دین» در مورد «طاعت» و «جزا» گفته می شود و در معنای «شریعت» نیز به صورت استعاره به کار می رود.

8- داوری بی نظیر خداوند ، پشتوانه اجر بی پایان مؤمنان شایسته کردار

فلهم أجر غیر ممنون .. أليس الله بأحكم الحكمين

31- تأخیر در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 17 - 8

8- تأخیر در داوری و کیفر و پاداش ، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است .

لا ظلم اليوم إنّ الله سریع الحساب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» در مقام تعلیل برای «لَا ظْلَمَ الْيَوْمَ» می باشد؛ یعنی، در محکمه عدل الهی به کسی ستم نمی شود؛ چون خداوند با سرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

32- ترس در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 23

23- ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها .. فلا تخشوا الناس

33- ترک عجله در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 32 - 6

6- لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذب بالصدق إذ جاءه

34- ترک قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 48

ص: 17

48 - کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 45 - 23، 21

21 - کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

23 - ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئك هم الظلمون

35- ترک قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 47 - 10، 12

10 - خودداری از قضاوت بر اساس احکام و قوانین الهی ، فسق است . *

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جمله «و من لم يحکم . . .» دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دیگری خودداری از حکم کردن و

قضاوت نمودن بر پایه مقررات الهی . برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

12 - کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

36- تسلیم به قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 49 - 20

20 - لزوم داوری بر اساس احکام الهی ، حتی با احتمال سربچی مردمان از پذیرش آن

وإن احکم . . . فان تولوا

37- تشویق به مطالعه قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 21 - 1

ص: 18

1 - تشویق پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند ، به مطالعه در ماجرای گروه متخاصم و شاکی در نزد داوود (ع)

و هل أتیک نبؤا الخصم

استفهام در «هل أتاک...» برای تحریض و تشویق مخاطب است.

38- تعقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 32 - 6

6 - لزوم تأمل و تفکر در سخنان ، به هنگام شنیدن آن و اجتناب از داوری شتابزده درباره آن

و کذب بالصدق إذ جاءه

39- توبه از قضاوت خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 24

24 - لزوم توبه و بازگشت سریع از خطا هنگام رخ دادن کمترین اشتباه در داوری

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب

40- حتمیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 4

4 - داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

والله علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 8

8 - حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

آمدن دو صفت «علیّ» و «کبیر» برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 29 - 2,3

2- تلاش محکومان دادگاه قیامت برای تغییر حکم الهی ، تلاشی بی فرجام

ما یبدّل القول لدیّ

در آیات پیشین، حکم مجرمان با فرمان «أَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ . . .» از سوی خداوند صادر می گردد. مجرمان با جدال و تخصص، درصدد تبرئه خویش بر می آیند تا مگر حکم الهی را در حق خود تغییر دهند؛ ولی «ما یبدّل القول...» بی فرجام بودن تلاش آنان را می رساند.

3- حکم خداوند در قیامت علیه مجریان ، حکمی قطعی و به دور از هر گونه بازنگری

ما یبدّل القول لدیّ

تعبیر «لدیّ» مشعر به این معنا است که چون حکم از سوی خداوندی صادر شده - که پیشینه خلق را به خوبی می داند و بر ایشان اتمام حجت کرده است و گواهان به گواهی نشسته اند - مجال خدشه در آن نخواهد بود.

41- حق در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 10

10 - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر الله قضی بالحقّ

42- حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 7

7 - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

والله یقضی بالحقّ . . . إنّ الله هو السّميع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

43- حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 112 - 2.4

2- داوری های خدا، بر اساس و محور حق است .

ص: 20

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید «بالحق» توضیحی باشد.

4- داوری عادلانه و برحق خداوند ، از شؤون ربوبیت او است .

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 6

6 - قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

با این که واژه «یقضی» معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید «بحکمه» نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 3,5

3 - داوری خداوند بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

5 - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 1

1 - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر الله قضي بالحق

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از «أمر الله» عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: «قال لا عاصم اليوم من أمر الله . . .»، (هود، آیه 43).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 8 - 2

2 - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم الحكمين

ص: 21

اسم تفضیل «أحکم»، ممکن است از «حُکم» به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، «أقضى» و نیز می تواند از «حکمه» گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه «حاکمین» بر معنای «قضاوت کنندگان» تطبیق یافته است.

44- حقایق قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 49 - 5

5 - داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم . . . وإن يكن لهم الحق

45- حکمت در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 8 - 3, 4, 5, 6

2 - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم الحكمين

اسم تفضیل «أحکم»، ممکن است از «حُکم» به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، «أقضى» و نیز می تواند از «حکمه» گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه «حاکمین» بر معنای «قضاوت کنندگان» تطبیق یافته است.

3 - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

أليس الله بأحكم الحكمين

همزه استفهام در «أليس»، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

5 - توجه به حکمت برتر خداوند ، زمینه ساز پذیرش معاد

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

4 - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه «دین» آمده بود، راغب در «مفردات» می گوید: کلمه «دین» در

مورد «طاعت» و «جزا» گفته می شود و در معنای «شریعت» نیز به صورت استعاره به کار می رود.

6 - سرآمد بودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن ، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما یکذّبک بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

ص: 22

46- دخالت در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 8

8 - عدم دخالت غیر خدا ، در قضاوت ها و داوری های او

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

قید «بحکمه» می تواند از نظر معنا تأکیدی بر عدم دخالت غیر خدا در قضاوت های او باشد.

47- درخواست قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 25

25 - شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفر پیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

از معانی کلمه «فتح» داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 112 - 1

1- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قُلْ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 118 - 1

1 - نوح (ع) خواستار داوری و فیصله دادن به نزاع میان خود و قوم تکذیب گرش از درگاه خداوند

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونُ... فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا

«فتح» (مصدر «افتح») معادل «فُتِّحَ» و به معنای حکم کردن و فیصله دادن است.

2- موسی (ع)، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد.

وقال موسی ربی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه روشد؛ چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و آنان بخواند.

ص: 23

48- درخواست قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 22 - 8

8 - توصیه شاکیان و نزاع کنندگان به داوران ، مبنی بر رعایت حق و عدل در داوری ، امری بایسته و سزاوار

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

49- دعوت به قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 1

1 - دسته ای از منافقان صدراسلام ، هنگام فراخوانده شدن برای داوری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) میان آنان ، از پذیرش آن خودداری می کردند .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

50- دلایل حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 6

6 - شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگان

والله يقضى بالحقّ .. إنّ الله هو السميع البصير

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»، در مقام تعلیل برای جمله « وَاللّٰهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ » می باشد.

51- ذکر قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 10

10- توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضى بينهم . . . إنّ كلاًّ لما ليوفيتّهم أعمالهم . . . فاستقم كما أمرت

ص: 24

52- رد قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 61 - 3,7

3 - پذیرفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان حاکم و داور، نشانه نفاق است.

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول رايت المنافقين يصدون عنك ص

7 - نفاق، ریشه پذیرفتن حاکمیت قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

تعالوا .. رايت المنافقين يصدون عنك صدوداً

کلمه «المنافقين» در آیه، اشاره به ریشه اعمال اعراض کنندگان دارد. یعنی نفاق منافقان، عامل گریز آنان از حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 65 - 1,13

1 - تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی که حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در اختلافات نپذیرند.

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم

13 - تسلیم نبودن در برابر احکام قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نشانه بی ایمانی است.

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك .. و يسلموا تسليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 43 - 8,10

8 - گروهی از یهودیان، بی اعتنا به حکم خدا در تورات و رویگردان از حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از مراجعه به آن حضرت

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فیها حکم الله ثم يتولون من بعد ذلك

10 - یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، مردمی بی ایمان

ثم يتولون من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمنين

برداشت فوق بر این مبناست که «ذلک» اشاره باشد به حکم رسول خدا که از «یحکمونک» به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، «یتولون» عطف بر «یحکمونک» می باشد.

53- روش قضاوت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 44 - 3

3- داوری مشرکان صدر اسلام، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود.

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

ص: 25

54- زمینه قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 5

5- اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی ، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است .

فاختلف فيه و لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 37 - 3

3- ربوبیت خدا ، مقتضی داوری میان پیامبران و تکذیبگران رسالت ایشان

وقال موسى ربّي أعلم بمن جاء بالهدى

55- زمینه قضاوت صحیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 6 - 7

7- لازمه علم و آگاهی ، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است .

و يرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو الحق

56- سرزنش قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 11

11 - داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوا لله .. ساء ما يحكمون

57- سرعت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 9

9 - سرعت در حسابرسی و قضاوت و حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

ص: 26

ألا له الحكم وهو أسرع الحسين

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

58- شرایط قبول قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 49 - 1

1 - منافقان صدر اسلام ، تنها در صورتی که داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نفع آنان بود ، به آن تن می دادند .

وإن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مذعنین

«اذعان» به معنای «انقیاد» و «مذعنین» به معنای «منقادین» (فرمان برداران و اطاعت کنندگان) است.

59- شرایط قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 19

19 - عدم صلاحیت دادگاههایی که در آن بر اساس قانونی غیر از قوانین اسلام (قرآن و سنت) حکم می شود .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 44 - 47، 45

45 - نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

47 - آگاهی به احکام و مقررات الهی ، معیار صلاحیت داوران و حاکمان

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

18 - نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 19:18

18 - لزوم پابندی به حق در حکم و داوری و پرهیز از تمایلات نفسانی افراد

فاحکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

19 - قضاوت بر اساس احکام الهی در گرو پرهیز از تمایلات و هواهای نفسانی منحرفان

فاحکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم

نهی «لا تتبع» پس از «فاحکم» برای تفهیم این معناست که در صورت تبعیت از خواسته دیگران، قضاوت بر اساس احکام الهی میسر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 5:6

5 - خداوند ، بر حذر دارنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پیروی تمایلات نفسانی اهل کتاب در قضاوت

و لا تتبع اهواءهم

6 - حرمت پیروی و تأثیرپذیری از تمایلات نفسانی دیگران در حکم و قضاوت

و إن احکم بینهم بما أنزل الله و لا تتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 47 - 10

10 - رعایت قسط در قضاوت و داوری ، لازم و ضروری است .

قضی بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 8

8 - توقف داوری صحیح و تعیین مراتب و درجات ، بر آگاهی کامل

ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولى بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 5

5- عهده دار شدن منصب قضا، نیازمند برخورداری از صلاحیت علمی است.

و کلاًّ آتینا حکماً و علماً

اعطای علم پس از منصب قضاوت، می تواند گویای این حقیقت باشد که قضاوت باید همراه با علم باشد؛ هر چند «علم» در آیه شریفه دارای معنای عام بوده و منحصر به علم قضا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 17 - 9

ص: 28

9- قضاوت و داوری، نیازمند به آگاهی و اطلاعات کافی است.

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ .. إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 9

9- قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي .. وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف «عزیز» و «علیم» را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 15

15 - لزوم پرهیز از داوری در مسائل، در صورت ابهام و فقدان برهان علمی برای انسان (در جهت رد یا اثبات آن) *

أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا .. أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ

تذکر خداوند به لزوم ساکن شدن انسان به هنگام تیرگی شب، پس از یادآوری محاکمه کافران به خاطر تکذیب جاهلانته آیات او، می تواند بیانگر ارتباطی باشد میان حرکت نکردن انسان در شب و لزوم توقف و داوری نکردن در مسائلی که دلیل روشنی برای آن ندارد. گفتنی است که نکته یاد شده برگرفته از تفسیر المیزان است.

60- شرایط قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 7

7- حق شنوی، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری، از شرایط داوری به حق

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ .. إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

61- شرایط قضاوت خدا

4 - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما یکذّٰبک بعد بالدين . أليس الله بأحکم الحکمین

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه «دین» آمده بود، راغب در «مفردات» می گوید: کلمه

«دین» در مورد «طاعت» و «جزا» گفته می شود و در معنای «شریعت» نیز به صورت استعاره به کار می رود.

62- شک در قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 5

5 - منافقان صدر اسلام ، نسبت به عادلانه بودن احکام الهی و داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در شک و تردید به سر می بردند .

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «بل» در «بل أولئک...» برای اضراب انتقالی باشد نه ابطالی .

63- شگفتی قضاوت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 154 - 1,2

1 - داوری و دیدگاه مشرکان درباره خداوند ، بی اساس و شگفت آور است .

أصطفى البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

استفهام در آیه شریفه، از نوع استفهام انکاری و تعجبی است.

2 - انتساب برگزیدن دختر به خداوند - به جای پسر - داوری ناشایست و شگفت آور

أصطفى البنات علی البنین . ما لکم کیف تحکمون

64- ظلم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 17,7

7 - یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین الناس ان تحکمو بالعدل

جمله «ان تحکمو بالعدل» می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب

نزدیکتر معرفی کردند.

17 - هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

إِنَّ اللَّهَ .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً

ص: 30

65- ظن در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 11

11 - داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

و جعلوا لله . . . ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 6

6 - کافی نبودن گمان، برای متهم ساختن انسان مؤمن و داوری علیه او

اجتنبوا كثيراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم

66- عادلانه ترین قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 6

6- حکم و قضاوت خداوند، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

67- عبرت از قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 21 - 2

2 - ماجرای گروه شکایت کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)، درس آموز برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و هل أتیک نبؤا الخصم

از تشویق شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مطالعه در این ماجرا، برداشت یاد شده استفاده می شود.

68- عدالت در قضاوت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 4، 5، 8، 9، 10، 11

4 - وجوب مراعات عدالت و قضاوت

انّ اللّٰه يأمركم . . . و اذا حكمتم بين النّاس ان تحكموا بالعدل

ص: 31

5 - اهمیت خاص عدل و داد در قضاوت ها و داوریهها

انّ الله يأمرکم . . . و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل

8 - مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل

9 - لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ الله يأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

10 - ادای امانت به صاحبان آن و رعایت عدالت در قضاوت ، از مصادیق اعمال صالح

و الذین امنوا و عملوا الصالحات . . . انّ الله يأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها

ظاهراً جمله «انّ الله» پس از جمله «عملوا الصالحات»، اشاره به برخی از مصادیق اعمال صالح دارد که همان ادای امانت و قضاوت عادلانه می باشد.

11 - فرمان به ادای امانت به اهل آن و قضاوت عادلانه ، از مواظب بسیار نیکوی الهی به مردم

انّ الله يأمرکم . . . انّ الله نعمًا يعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 8

8 - برقراری نظام قضایی عادلانه و برحق در جامعه بشری ، از اهداف نزول قرآن

إنا انزلنا الیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس

توصیف قرآن به حق بودن، بیانگر این است که قضاوت نیز، که از اهداف نزول قرآن است، همواره قرین حق و عادلانه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 13

13 - انسان باید به هنگام سخن گفتن (شهادت دادن، داوری کردن و . . .) به عدالت سخن گوید.

و إذا قلمت فاعدلوا

جمله «و لو كان ذاقربی» می تواند بیانگر این باشد که مراد از سخن در اینجا سخنی است که زمینه نفع و ضرر را برای خود و یا دیگران در بر داشته باشد؛ مانند شهادت، داوری و . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 181 - 5

5 - باید گروهی از انسان ها و جنیان عهده دار هدایت همنوعان خویش باشند و به عدالت در میان آنان داوری کنند .

و ممن خلقنا أمة يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله های «یهدون» و «یعدلون» به صورت انشا ایراد شده باشد. بر این مبنا آیه شریفه حاوی دستوری است به انسانها و جنیان که گروهی از آنان باید عهده دار هدایتگری و عدالت گستری باشند.

ص: 32

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 9

9- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، علی رغم خویشی او با زلیخا، بی طرفی کامل را رعایت کرد، و قضاوتی بر حق ارائه نمود.

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 76 - 6

6- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشان و پذیرش مسؤلیت عملکرد خود، از صفات ارزشمند و شایسته است.

إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى قد بلغت من لدنّي عذراً

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤلیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 9

9 - خدا و رسول او، در داوری و حکمشان به احدی، حتی منافقان، ستم روا نمی دارند.

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 14

14 - قدرت و علم همه جانبه خداوند، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل اللهم فاطر السموت... علم الغيب و الشاهده أنت تحکم

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 7

7- داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

وقضی بینهم بالحقّ

69- عدالت در قضاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 12

12 - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

وهم لایظلمون

ص: 33

70- عرصه قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 6,7

6- خداوند ، حیات دنیا را عرصه داوری خویش میان گروندگان به کتاب های آسمانی و منکران آنها ، قرار نداده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

مراد از «کلمه» امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای انسانها و سپری کردن حیات دنیوی است. آیاتی نظیر «و لکم فی الأرض مستقر و متاع الی حین؛ شما انسانها تا مدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مستقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/36.» گویای آن تقدیر و کلمه است.

7- امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

71- عقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 14

14 - برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

72- عقیده به قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 13

13- لاوی به خداوند و برتری او در حکم و قضاوت معتقد بود .

قال . . . أو یحکم الله لی و هو خیر الحکمین

73- علم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

ص: 34

و كان الله بما يعملون محيطاً .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون على

«وکیل» به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 5

5- عهده دار شدن منصب قضا، نیازمند برخورداری از صلاحیت علمی است .

و کلاًء اتینا حکماً و علماً

اعطای علم پس از منصب قضاوت، می تواند گویای این حقیقت باشد که قضاوت باید همراه با علم باشد؛ هر چند «علم» در آیه شریفه دارای معنای عام بوده و منحصر به علم قضا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 17 - 9

9- قضاوت و داوری، نیازمند به آگاهی و اطلاعات کافی است .

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ .. . إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 9

9- قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي .. . وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف «عزیز» و «علیم» را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 15

15- لزوم پرهیز از داوری در مسائل، در صورت ابهام و فقدان برهان علمی برای انسان (در جهت رد یا اثبات آن) *

أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا. .. أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ

تذکر خداوند به لزوم ساکن شدن انسان به هنگام تیرگی شب، پس از یادآوری محاکمه کافران به خاطر تکذیب جاهلانه آیات او، می تواند بیانگر ارتباطی باشد میان حرکت نکردن انسان در شب و لزوم توقف و داوری نکردن در مسائلی که دلیل روشنی برای آن ندارد. گفتنی است که نکته یاد شده برگرفته از تفسیر المیزان است.

74- فلسفه قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 35

14 - تسلیم در برابر احکام و داوری های حاکمان حق ، از علایم ایمان است . *

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك . . . و يسلموا تسليماً

چون امر قضاوت همیشگی و احکام قرآن جاودانی است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همه ادوار حضور ندارد، بنابراین آیه مزبور شامل همه رهبران الهی و جانشینان بحق آن حضرت خواهد بود.

ص: 36

78- قبول قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 17،21

17 - مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت وقد امروا ان يكفروا به

21 - ارجاع داوری به طاغوت ، نشانه دروغگویی در ادّعیای ایمان

الم تر الى الذّین یزعمون انّهم امنوا

امام صادق (ع) فرمود: .. اما علمت ان کل زعم فی القرآن کذبٌ.

کافی، ج 2، ص 342، ح 20؛ نورالثقلین، ج 1، ص 508، ح 362.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 12

12 - تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت ، از سر بی ایمانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است .

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

مفهوم جمله «ان اردنا» این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

79- قبول قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 65 - 8

8 - پذیرش حاکمیت قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مشاجرات و التزام قلبی به حکم آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا وربک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم ثمّ لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 66 - 12

12 - ارجاع داوری به پیامبر ، خشنودی از حکم وی و تسلیم کامل در برابر ایشان ، سعادت و ثبات ایمان را در پی خواهد داشت .

فلا وربک . . . و لو انهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تثیباً

بنابر اینکه «ما یوعظون» مطالب بیان شده در آیه قبل باشد و نه قتل و هجرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 37

1 - ارجاع داوری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا وربک . . . اذا لآئیناهم من لدنا اجرا عظیماً

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از «ما یوعظون» همان مسائلی باشد که در آیه 65 مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - ارجاع داوری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رضایت از حکم وی و تسلیم او بودن ، از عوامل هدایت و دستیابی به صراط مستقیم است .

حتى یحکموک . . . و لو ائهم فعلوا ما یوعظون به . . . و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه مراد از «ما یوعظون به . . .»، همان مسائلی باشد که در آیه 65 مطرح شده است؛ یعنی پذیرش حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - پذیرش احکام قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همسویی با مؤمنان ، شرط نجات از عذاب دوزخ

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین

با توجه به آیات قبل ، مخالفت و موافقت با احکام قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مصادیق مورد نظر در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رهایی از کیفر گناهان ، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فان تولوا فاعلم انما یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - « حرف شنوا و مطیع هستیم » ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

فَعَلْنَا مِطَاعًا وَقُومًا لِحُكْمِهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْبِرُّ الْأَعْلَى وَالْبِرُّ الْأَسْفَلُ - که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند - بر حصر دلالت می کند.

3 - مؤمنان راستین ، پذیرای بی چون و چرای داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند .

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

4 - لبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

9 - مؤمنان راستین در همه حال ، پذیرای داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی اند ، هر چند نتیجه این داوری بر ضرر آنان باشد .

وإن یکن لهم الحقّ یأتوا إلیه مذعنیننّما کان قول المؤمنین إذا دعوا... أن

آیات پیشین، درباره این مسأله بود که منافقان، تنها آن گاه به حکم خدا و رسول او تن در می دادند که این حکم، به نفع آنان باشد؛ ولی در آیه شریفه آمده است که: مؤمنان بی چون و چرا به این حکم گردن می نهادند. بنابراین از مقابله میان گروه منافقان و مؤمنان، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

80- قدرت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 9

9- قدرت اجرایی و آگاهی عمیق به جوانب امر ، دو پایه اصلی در کار قضاوت و داوری

إن ربّک یقضی . . . و هو العزیز العلیم

از این که خداوند پس از بیان قضاوت گری خویش، دو وصف «عزیز» و «علیم» را برای خود بیان کرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

81- قضاوت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 54 - 11

11 - نبوّت ، فهم ، منصب قضاوت و لزوم اطاعت مردم ، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره «الکتب» فرمود: النبوه، و درباره «الحکمه» فرمود: الفهم و القضاء، و درباره «ملکاً عظیماً» فرمود: الطّاعه.

کافی، ج 1، ص 206، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 491، ح 303؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 248، ح 160.

82- قضاوت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

ص: 39

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

83- قضاوت اخروی بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 69 - 1

1 - قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّٰه یحکم بینکم یوم القیمه

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. «حکم» (مصدر «یحکم») به معنای قضاوت و داوری کردن است؛ یعنی، «خدا در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...».

84- قضاوت اخروی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 69 - 1

1 - قیامت ، روز داوری میان مؤمنان و مشرکان

اللّٰه یحکم بینکم یوم القیمه

خطاب در آیه یاد شده از جانب خدا به عموم مؤمنان و مشرکان است. «حکم» (مصدر «یحکم») به معنای قضاوت و داوری کردن است؛ یعنی، «خدا در قیامت، میان شما مؤمنان و مشرکان داوری خواهد کرد...».

85- قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 113 - 17، 16

16 - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّٰه یحکم بینهم یوم القیمه

17 - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّٰه یحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیہ یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از «یحکم...» به کیفر رساندن متخلفان است.

19 - حقایق، در پرتو داوری خداوند در قیامت، بر همگان آشکار می شود.

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِیْمَا كَانُوْا فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ

ص: 40

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 14، 15، 13

13 - خداوند ، در قیامت نسبت به اختلافات بنی اسرائیل ، داوری خواهد کرد .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل . . . إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

14 - قیامت ، روز داوری خداوند است .

إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه

15 - ربوبیت الهی ، مقتضی داوری نسبت به اختلافات مردم در قیامت

إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 111 - 1

1 - خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . . . و إن کلاً لما لیوفینهم ربک أعملهم

مراد از «کلاً» - به قرینه «فاختلف فیه» در آیه قبل - مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه «لولا . . . لقضی بینهم» معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفرسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 92 - 13

13 - پیمان شکنان ، مورد مؤاخذه و داوری خداوند در قیامت ، قرار خواهند گرفت .

تتخذون أیمنکم دخلاً . . . و لیبیننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 124 - 65

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - داوری خداوند میان : مسلمانان ، یهودی ها ، نصارا ، صابئین ، مجوسی ها و مشرکان در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصِرَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ

«فصل» (مصدر «يفصل») به معنای جدا کردن دو یا چند چیز از یکدیگر است. جدا کردن فرقه های یاد شده از یکدیگر در قیامت، کنایه از داوری میان آنان است. گفتنی است که چون داوری میان دو یا چند گروه متخاصم منجر به جدا شدن آنان از یکدیگر می شود، به آن فصل خصومت و به قاضی فاصل می گویند.

4 - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

8 - داوری خدا میان مردم در قیامت ، مبتنی بر نظارت و آگاهی همه جانبه او بر افکار و اعمال آنان است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا .. إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ ع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 56 - 3,6

3 - خدا، حاكم و داور روز قيامت

الملك يومئذ لله يحكم بينهم

6 - ورود اهل ايمان به بهشت پس از پايان داوري خدا ميان آنان و كافران

يحكم بينهم فالذين ءامنوا .. في جنّات النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 69 - 2

2 - خدا، داور روز قيامت

الله يحكم بينكم يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 28 - 4

4 - داوري قطعي خدا در قيامت، عليه طرف تخلف كننده از قرارداد

والله على ما نقول وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 75 - 3

3 - خدای بزرگ، خود عهده دار محاکمه و بازجویی جوامع شرک پیشه در قيامت

فيقول اين شركاءى .. و نزعنا من كلّ اُمة شهيداً فقلنا هاتوا برهنكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 23 - 17

17 - کیفر و داوری خدا، در روز قیامت، متکی به علم خویش به نیت و مقاصد محاکمه شوندگان است.

فَنَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

«إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ...» به منزله تعلیل است برای مفاد «نَنْبِئُهُمْ...» که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 25 - 1

1 - خداوند، تنها داوری کننده در قیامت، در میان مذاهب گوناگون در مسائل مورد اختلاف آنان است.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

«فصل» (مصدر فعل «يفصل») به معنای جدا کردن دو چیز از هم است، به گونه ای که میان آنها فاصله بیفتد (مفردات راغب). و

ص: 42

مراد از آن داوری و حل اختلاف کردن است. لازم به ذکر است که ضمیر جمع «بینهم» و «کانوا فیه یختلفون» بر این دلالت می کند که داوری خداوند میان افراد و گروه های متعدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 2

2- ربوبیت خداوند، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربنا ثم یتفتح بیننا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 7

7- امکان گفت وگویی مجرمان با یکدیگر، در صحنه دادگاه الهی در قیامت

إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 16

16 - خداوند، به اختلافات میان مشرکان و مؤمنان در روز رستاخیز، داوری خواهد کرد.

إنّ الله یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مرجع ضمیر «هم»، دو گروه مؤمنان و مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 31 - 5,6

5- خداوند، بر جریان نزاع و مجادله مردمان در قیامت، ناظر بوده و میان آنان به داوری خواهد پرداخت.

ثم إنکم یوم القیمه عند ربکم تختصمون

تعبیر «عند ربکم» می تواند گویای این حقیقت باشد که خداوند، بر جریان نزاع مردم ناظر است و او تصمیم نهایی را خواهد گرفت و میان آنان داوری خواهد کرد.

6 - داوری خداوند در روز رستاخیز میان مردم ، مقتضای ربوبیت او است .

ثم إنكم يوم القيمة عند ربكم تختصمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 10

10 - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت .

وقضى بينهم بالحقّ وقيل الحمد لله ربّ العلمين

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

ص: 43

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 5

5 - همه داوری ها در قیامت ، از آن خدا است .

فالحکم لله

الف و لام در «الحکم» برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد؛ یعنی، «کلّ حکم لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 5

5 - قیامت ، روز داوری و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 9

9 - قیامت ، روز داوری خداوند میان خلائق است .

فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قَضَىٰ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 42 - 8

8 - داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ . . . يَوْمَ لَا يَغْنَىٰ . . . إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 17 - 7

7 - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 42 - 3

3 - خداوند ، مرجع نهایی داوری و قضاوت میان انسان ها در قیامت

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

در صورتی که آیه شریفه، ادامه آیات پیشین باشد - که در مورد جزای اخروی سخن می گفت - برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 9 - 10

10 - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

ص: 44

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 18 - 3، 2

2- داوری روز قیامت، در اختیار خداوند است.

یوم یبعثهم الله جميعاً فيحلفون له

ضمیر «له» به خداوند بازمی گردد. این نشان می دهد که محاکمه مردم در قیامت، در پیشگاه خداوند صورت می پذیرد و هم او حاکم و داور آن روز است.

3- خداوند، همه منافقان را بدون استثنا در روز رستاخیز، برای محاکمه برخواهد انگیزد.

یوم یبعثهم الله جميعاً فيحلفون له

کلمه «جميعاً» می تواند تأکید برای ضمیر «هم» در «یبعثهم» باشد و نیز می تواند حال برای آن باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 9

9- علم گسترده خداوند بر اعمال خلق، ملاک داوری میان آنان در قیامت *

یوم القیمه یفصل بینکم و الله بما تعملون بصیر

از ارتباط «یفصل بینکم» - در صورتی که «یفصل» به معنای «یحکم» (داوری خواهد کرد) باشد - و «والله بما تعملون بصیر» مطلب بالا استفاده می شود.

86- قضاوت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2- نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتاهم الكتب والحكم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبيای مذکور در آیات قبل است.

87- قضاوت اسماعيل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

ص: 45

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

88- قضاوت الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

89- قضاوت الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

90- قضاوت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 164 - 15

15 - روی انه أتى عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین(ع): هب لك سبیل علیها أى سبیل لك علی ما فی بطنها و الله تعالی یقول: «و لا تزر وازره وزر آخری . . .».

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیرالمؤمنین(ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد . . .

91- قضاوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 213 - 13، 14

13 - حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

14 - داوری پیامبران در محدوده قوانین الهی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

بنابراینکه ضمیر «لایحکم» به «الکتاب» برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 33

33 - پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون . . . فلا تخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 5، 6

5 - خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

6 - پیامبران(ع) دارای حق حکومت و قضاوت در میان مردم هستند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

از جمله معانی مذکور برای واژه «حکم» قضاوت و همچنین حکومت است، لازم به ذکر است این دو معنی در طول یکدیگر و با هم متقارنند.

92- قضاوت با رشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 5

5 - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالآثم

93- قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 47

11 - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا، مبتنی بر وهم و خیال و قضاوت ناشایست بود.

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

94- قضاوت برادران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و...) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخوانهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

95- قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 91 - 6

6 - هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 15، 11

11 - داوری میان مردم در قیامت، بر پایه حق خواهد بود.

و قضی بینهم بالحقّ

15 - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود.

و وضع الكتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- داوری میان مردم در قیامت، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود.

وقضی بینهم بالحقّ

10 - همه خلایق در قیامت، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت.

وقضی بینهم بالحقّ وقیل الحمد لله ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد.

ص: 48

از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 4، 3، 1

1 - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

و الله يقضى بالحقّ

3 - قضاوت به حق ، از شؤون الوهیت حقیقی است .

و الله يقضى بالحقّ و الذين يدعون من دونه لا يقضون بشيء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (الله) به دست می آید.

4 - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

يعلم خائنه الأعین . . . و الله يقضى بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند - پس از تذکر به علم همه جانبه او - می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

96- قضاوت بی اعتبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 5

5 - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالآثم

97- قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 7، 8

7- امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم

8- مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 49

2- ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحقّ

98- قضاوت بین کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 56 - 2,6

2- قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

6- ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا .. فی جنّات النعیم

99- قضاوت بین محمد(صلی الله علیه و آله) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 112 - 1

1- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

100- قضاوت بین محمد(صلی الله علیه و آله) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 112 - 1

1- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

101- قضاوت بین محمد(صلی الله علیه و آله) و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 112 - 1

1- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

ص: 50

قل رب احکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 3، 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل یجمع بیننا ربنا ثم ینفتح بیننا بالحقّ

«فتح» به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام - مراد از آن معنای سوم است.

3 - داوری خداوند بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثم ینفتح بیننا بالحقّ

102- قضاوت بین مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 30

30 - داوری نهایی میان مؤمنان و کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا کل شیء علماً .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 91 - 7

7 - نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 8

8- مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . . .) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 111 - 1

1- خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . . . و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

ص: 51

مراد از «کلاً» - به قرینه «فاختلف فیه» در آیه قبل - مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه «لولا . . . لقضی بینهم» معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفرسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 2

2- داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وإنه لهدی ورحمه للمؤمنین . إن ربک یقضی بینهم

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل - که درباره قرآن است - باشد عبارت «یقضی بینهم» به معنای «یقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به» خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

103- قضاوت بین یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 42 - 11، 12

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از جانب خداوند ، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم

12 - یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

وإن تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 43 - 1، 2، 3

1 - ارجاع داوری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی یهودیان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگیز

وکیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم الله

2 - گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای قضاوت

وکیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم الله

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مورد مراجعه مردم، حتی یهودیان، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

104- قضاوت پدران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 89 - 4

4- برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و...) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای

ص: 52

منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخوانهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب و الحكم و النبوه

105- قضاوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 181 - 4

4- عدالت پيشگان همواره حق را ميزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به يعدلون

«به» متعلق به «يعدلون» و «باء» در آن برای استعانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 26 - 3,5

3- داوری خداوند بين پیامبر (صلی الله عليه و آله) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثم يفتح بيننا بالحقّ

5- ملاک و معيار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثم يفتح بيننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 26 - 5,7

5- داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنّا جعلنک خليفه في الأرض فاحکم بين الناس بالحقّ

7- حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحکم بين الناس بالحقّ

106- قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 113 - 20

20 - اختلافات مذهبی جز به دست خدا و داوری او حل نخواهد شد . *

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِیْمَا كَانُوْا فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 53

11 - داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربّصون بکم . . . فالله یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 20

20 - خداوند در زمان مناسب بهترین داوری را در بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و منکران آن حضرت خواهد کرد.

یقص الحق و هو خیر الفصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 17

17 - خداوند حاکم و قضاوت کننده ای است که از حوادث و اعمال آگاهی دقیق دارد.

علم الغیب و الشهده و هو الحکیم الخبیر

از معانی ذکر شده برای «حکیم»، حاکم و قاضی است. (لسان العرب به نقل از ابن اثیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 1,2,3,6,7,8

1 - داوری تنها از آن خدا و شایسته اوست.

أفغیر الله أبتغی حکما

2 - خداوندی که قرآن را به تفصیل نازل کرده، شایسته داوری است.

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلاً

3 - قرآن، بیانگر داوری خداوند درباره حق و باطل است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلاً

«مفصّل» به معنای «مبین» است و به قرینه «حکماً» در صدر آیه موضوع مورد نظر آیه داوری بین حق و باطل در عرصه های مورد نیاز

است، یعنی اینکه قرآن بیانی شافی و کافی برای تشخیص حق از باطل در اینگونه موارد است.

6 - خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الأیت عند الله و ما یشعرکم أنها إذا جاءت لا یؤمنون .. أفعیر الله

7 - نزول معجزه ای روشن چون قرآن از سوی خدا، بهترین نشانه شایستگی او برای داوری است.

أفعیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

8 - داوری خداوند به اینکه برخی مشرکان ایمان نخواهند آورد سزاوار اعتماد است، نه ادعای مشرکان در مورد نیاز به معجزات دیگر.

ما کانوا لیؤمنوا .. أفعیر الله أبتغی حکما و هو الذی

آیات قبل درباره ادعای مشرکان بود که «لئن جاءتهم آیه لیؤمنن بها»، و خدا حکم فرمود که «ما کانوا لیؤمنوا». لذا با توجه به اینکه ممکن است مخاطب در «و ما یشعرکم» در آیات قبل مسلمانان باشند، این آیه می خواهد مؤمنان را قانع سازد که در برخی از مشرکان هیچ معجزه ای اثر نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 87 - 5,6,8,9,10

5 - خداوند ، برترین حکم کننده و بهترین داور است .

و هو خیر الحکمین

6 - اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتى یحکم الله بیننا

8 - شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

با توجه به ذیل آیه 89 (ربنا افتح . . .) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در «فاصبروا» خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

9 - شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

10 - شعیب (ع) از مؤمنان و کافران قوم خویش خواست با وانهادن داوری به خداوند از تعرض به یکدیگر پرهیز کنند .

إن کان طائفه منکم ءامنوا . . . و طائفه لم یؤمنوا . . . فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در «فاصبروا» علاوه بر مؤمنان متوجه کافران نیز باشد. در این صورت مراد از صبر در «فاصبروا» عدم تعرض به یکدیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 27,28,30,32

27 - داوری خداوند میان انسان ها ، جلوه ای از ربوبیت او نسبت به ایشان است .

ربنا افتح

28 - وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

على الله توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق

30 - داوری نهایی میان مؤمنان و کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا كل شيء علماً .. ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق

32 - خداوند برترین حاکم و فیصله دهنده درگیری ها و کشمکش های طرفداران حق و باطل

و أنت خير الفتحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 91 - 6,7

6 - هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفة

7 - نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ص: 55

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . . . فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 6

6 - قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جميعاً ثم نقول للذین أشركوا مکانکم أتمم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 109 - 8، 10

8 - خداوند ، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مردم کفرپیشه بود .

و اصبر حتی یحکم الله

10 - خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 7

7- نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق و أنت أحکم الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 8

8- مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . . .) در

راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 12

12- خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 1,3

1 - داوری حتمی خداوند میان بنی اسرائیل به خاطر اختلافات دینی دیرینشان

ص: 56

أكثر الذی هم فیہ یختلفون . . . إن ربک یقضی بینهم

ضمیر «بینهم» می تواند به «بنی اسرائیل» بازگردد. بنابراین آیه یاد شده مربوط به قضیه اختلافات عقیدتی و دینی آنان خواهد بود.

3- داوری میان حق پذیران و حق ناپذیران از شؤون ربوبیت خداوند

إن ربک یقضی بینهم

تکیه بر وصف ربوبیت خداوند - و نه هر اسم یا وصف دیگر - بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 84 - 4

4- خدا، حاکم و داور دادگاه کیفری کافران

قال اکذبتُم بایتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 85 - 9

9- ارجاع دادن قضاوت و داوری به خداوند، آخرین راه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در محاجه کافران و مشرکان بهانه جو

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ کلام خداوند به مشرکان درباره داوری نهایی خداوند بین آنان و آن حضرت

قل یجمع بیننا ربنا ثم ینفتح بیننا بالحق

«فتح» به معنای نصرت، پیروزی، حکم و داوری است (مفردات راغب). در این آیه - به قرینه مقام - مراد از آن معنای سوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 14، 12، 11

11 - تنها خداوند داور نهایی در حل اختلاف های بندگان است .

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

تقدیم مسندالیه (أنت)، بر خیر فعلی (تحکم) افاده حصر می کند.

12 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

جمله «أنت تحکم ..» برای انشای دعا است که در قالب جمله خبری آمده است.

14 - قدرت و علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری عادلانه او در میان بندگان

قل اللهم فاطر السموت .. علم الغیب و الشهده أنت تحکم

ذکر داوری خداوند، پس از یاد کردن از خالقیت و علم همه جانبه او، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

ص: 57

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 70 - 9

9- علم برتر و همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری و جزای عادلانه او است .

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون . . . و هو أعلم بما یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 6

6 - تنها خداوند ، شایسته حکم دادن و داوری است .

الحکم لله

لام در «الله» برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 10 - 8

8 - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فالله هو الولی . . . ذلکم الله ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 7

7 - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 10، 9

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مقام تنزیه خویش از اتهام افترا ، امیدوار و متکی به داوری خداوند

قل إن افتريتہ . . . کفی به شهیداً بینی و بینکم

10- خداوند ، شاهدهی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل . . . کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 27

27 - خداوند ، حاکم و داور میان خلق

یحکم بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58

6 - داوری مشرکان درباره مسائل دینی ، مخالف داوری خداوند و تعالیم کتاب های آسمانی است .

أم لکم ایمن . . . إن لکم لما تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 8 - 7

7 - حکم نافذ و قضاوت حکیمانه خداوند ، تهدیدی برای تکذیب کنندگان دین و منکران قیامت

فما یکذبک بعد بالدين . أليس الله بأحکم الحکمین

107- قضاوت خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 6

6 - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام « خلیفه الهی » است .

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام «خلیفه الهی»، گویای برداشت یاد شده است.

108- قضاوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

ومن ءابائهم و ذریتهم و إخوانهم . . . أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

109- قضاوت خویشاوندان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- مردی از خویشان زلیخا، در ماجرای وی و یوسف (ع) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت.

و شهد شاهد من أهلها

9- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، علی رغم خویشی او با زلیخا، بی طرفی کامل را رعایت کرد، و قضاوتی بر حق ارائه نمود.

ص: 59

و شهد شاهد من أهلها إن كان قميصه قد من قبل

110- قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2- نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 2،5،7،8،9،10

2- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

«نفث» به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

5- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که «فهمناها» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کنا لحکمهم شاهدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

7- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

8- «عن أبي جعفر (ع) فی قول الله تبارک و تعالی : « داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . » قال لم یحکما إنما کانا یتناظران ففهمها سلیمان . . . »

از امام باقر(ع) در باره قول خدای - تبارک و تعالی - «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث..» روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد».

9- «أحمد بن عمر الحلبي قال: سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عزّوجلّ: «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث» قال: کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم، و الذی فهم الله عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام کلّه؛

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث» سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کلّ آن سال برای او باشد».

10- «عن أبي عبد الله (ع) قال: كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفشت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء

صاحب الکریم الی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : اذهب الی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهب الیه فقال : سلیمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الکریم الغنم و ما فی بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها الی صاحب الکریم و كان هذا حکم داود . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند . . . صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 2

2- امتیاز سلیمان بر داوود (ع) ، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . ففهمنها سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 20 - 7

7 - خداوند به داوود (ع) ، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاعها و خصومتها اعطا کرد .

و آتینه . . . فصل الخطاب

«فصل» مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاعها و خصومتها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه «خطاب» به معنای سخن بوده و مقصود از «فصل خطاب» سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه «خطاب» به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از «فصل خطاب» رفع خصومتها و فیصله دادن به نزاعها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 25, 18, 16, 1

1 - حکم داوود (ع) ، به ظالمانه بودن کار صاحب 99 میش در طمع کردن به تنها میش برادرش

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک الی نعاجه

16 - داوود (ع) ، ماجرای دادخواهی برادران دارای میش و داوری میان آنان را ، یک آزمایش الهی دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك . . و ظنّ داود أنّما فتّنّه-

18 - استغفار داوود (ع) از پروردگار ، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتّنّه- فاستغفر ربّه

19 - داوود (ع) ، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك . . و ظنّ داود أنّما فتّنّه- فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با

ص: 61

آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج 4، ص 45).

25 - « عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزوجل إلى داود الملكين فتسورا المحراب فقالا - خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحق إن هذا أخى له تسع وتسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . ولم يسئل المدعى البيئه على ذلك ولم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزوجل دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که 99 میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بیینه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 25 - 2

2 - خداوند ، از لغزش داوود (ع) در امر داوری میان دو گروه متخاصم درگذشت و او را مورد آمرزش قرار داد .

فغفرنا له ذلك

«ذلك» اشاره به لغزش مربوط به داوری میان دو گروه متخاصم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 5

5 - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنّا جعلنك خليفة في الأرض فاحكم بين الناس بالحقّ

111- قضاوت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 47 - 3

3 - انجیل ، در بردارنده قوانین حکومتی و قضایی

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

112- قضاوت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 43 - 6

6 - تورات ، پاسخگوی نیاز یهود عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به احکام قضایی و حدود الهی

ص: 62

و كيف يحكمونك و عندهم التوریه فيها حکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 8,9

8 - تورات ، در بردارنده احکام قضایی و حکومتی

یحکم بها النبیین الذین اسلموا للذین هادوا

9 - تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها .. الربنیون و الاحبار

113- قضاوت در قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 27 - 2

2- پاره شدن پیراهن یوسف (ع) محور و تکیه گاه کشف حقیقت ، در نظر داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

و شهد شاهد .. و هو من الصدقین

114- قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 113 - 15,16,17

15 - قیامت ، صحنه داوری میان امتهاست .

فاللّٰه یحکم بینهم یوم القیمه

16 - خداوند ، داور و حاکم در صحنه قیامت است .

فاللّٰه یحکم بینهم یوم القیمه

17 - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّٰه یحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از «یحکم...» به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 7

7 - در دادگاه قیامت، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و جایی برای وکیل مدافع نیست .

و كان الله بما يعملون محيطاً .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون على

ص: 63

«وکیل» به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 11

11 - داوری خداوند در روز قیامت ، میان مؤمنان و منافقان

الذین یتربصون بکم . . . فالله یحکم بینکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 8

8 - قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا . . . ألا له الحکم وهو أسرع الحسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 9

9 - قیامت ، روز داوری میان موحدان و مشرکان

و لولا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم فیما فیہ یختلفون

از اینکه خداوند فرمود: دنیا جای داوری میان اهل شرک و توحید نیست، معلوم می شود محل داوری میان آنان، جهانی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 6

6 - قیامت ، عرصه داوری خدا میان انسانها

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشركوا مکانکم أنتم و شرکاؤکم فزیلنا بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 124 - 5,6

5- خداوند در قیامت ، نسبت به اختلافات و انحرافات یهود ، داوری خواهد کرد .

وإن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

6- قیامت ، روز داوری خداوند در زمینه اختلافات و انحرافات بشر

وإن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 17 - 4

4 - داوری میان مردم در روز بازپسین ، در اختیار خداوند است .

إن الله يفصل بينهم يوم القيمة

ص: 64

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 56 - 3, 6, 2

2 - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

3 - خدا ، حاکم و داور روز قیامت

الملك يومئذ لله يحكم بينهم

6 - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا .. فی جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 57 - 1

1 - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 69 - 3, 2

2 - خدا ، داور روز قیامت

الله يحكم بينكم يوم القيمة

3 - داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

الله أعلم بما تعملون . الله يحكم بينكم يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 13

13 - اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 23 - 20

20 - نیات و انگیزه های پنهان اعمال ، مدرک و میزان داوری در روز قیامت است .

إلینا مرجعهم فننبئهم بما عملوا إنَّ اللهَ علیم بذات الصدور

تعبیر «علیم بذات الصدور» در حقیقت، تأکیدی است بر این نکته که آنچه در اندرون سینه ها می گذرد، دارای نقشی اساسی در ارزش گذاری و بررسی اعمال آدمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 65

1 - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا يوم الفصل

«فصل» به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 14

14 - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبيين و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 5

5 - همه داوری ها در قیامت ، از آن خدا است .

فالحکم لله

الف و لام در «الحکم» برای جنس و مفید استغراق و شمول می باشد؛ یعنی، «کل حکم لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 42 - 8

8- داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنّ يوم الفصل . . . یوم لا یغنی . . . إنّهُ هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 17 - 10، 9، 7

7 - داوری حتمی خداوند در قیامت ، نسبت به اختلاف های ناروا و تجاوزگرانه بنی اسرائیل

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

9- داورى پروردگار در قیامت میان انسان ها ، پایانی بر همه خصومت ها و اختلاف های آنان خواهد بود .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

10 - داورى پروردگار میان انسان ها و فیصله دادن به همه خصومت های آنان ، جلوه ای از ربوبیت او است .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 9 - 10

10 - خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

ص: 66

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 13 - 1,2

1 - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

«فصل» به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت - چنان که مفسران گفته اند - از این رو «یوم الفصل» نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

2 - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به «یوم الفصل»، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 14 - 1

1 - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر «و ما أدراک ..» (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 38 - 1,2

1 - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

«فصل» به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو «یوم الفصل» نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

2 - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به «یوم الفصل» در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 17 - 6، 1

1 - قیامت روز داوری بین مردم و رفع اختلافات آنان

یوم الفصل

«فصل»؛ یعنی، جداسازی دو چیز از یکدیگر به گونه ای که میان آن دو فاصله افتد. اطلاق این کلمه بر روز قیامت، به اعتبار روشن

ص: 67

شدن حق از باطل و یا پایان دادن به اختلاف مردم و قضاوت در میان آنان است. (مفردات راغب)

6- صحنه داوری در قیامت ، تهدیدی گریزناپذیر برای منکران معاد و شبهه افکنان در حقانیت آن

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

115- قضاوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 10

10- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

وَأَتَيْنَهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

«حکم» بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

116- قضاوت درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 11

11 - داوری و سخن گفتن درباره خداوند، آنگاه که مبتنی بر حدس و گمان باشد، کاری نکوهیده است.

وَجَعَلُوا اللَّهَ ... سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 154 - 3

3 - داوری درباره خداوند و عقاید دینی ، بدون علم و دلیل و شاهد ، قضاوتی ناشایست و شگفت آور است .

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ . مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

117- قضاوت درباره دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 8

8- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

وقال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

ص: 68

118- قضاوت درباره ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 11

11 - قضاوت و داوری خداوند درباره ستمگران ، قضاوتی است بر پایه قسط و عدل .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . وأسروا الندامه لما رأوا العذاب وقضى بينهم بالقسط

119- قضاوت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 65 - 7

7 - قضاوت ، از شؤون پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی است .

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم

120- قضاوت زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

121- قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 2,5,7,8,9,10

2- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم

«نفس» به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یابی اطلاع وی است.

5- داوود و سلیمان (ع)، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، اختلاف نظر داشتند.

ص: 69

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیہ غنم القوم و کنا لحکمهم شہدین

نوع مفسران برآند که «فہمناھا» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کنا لحکمهم شہدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

7- داوود و سلیمان (ع) ، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

8- « عن أبی جعفر (ع) فی قول اللہ تبارک و تعالی : « داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . » قال لم یحکما إتما کانا یتناظران ففہمها سلیمان . . . »

از امام باقر(ع) در باره قول خدای - تبارک و تعالی - «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث. . .» روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد».

9- « أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل : « و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث » قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فہم اللہ عزوجل سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلہ ؛

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزوجل «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث» سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد».

10- « عن أبی عبد الله (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیہ غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : اذہبا إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذہبا إلیہ فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرم الغنم و ما فی بطنها و إن کانت ذہبت بالفرع و لم تذہب بالأصل فإتہ یدفع ولدھا إلی صاحب الکرم و کان هذا حکم داود . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند. . . صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- امتیاز سلیمان بر داوود (ع)، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . ففهمنها سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 1

1 - حضرت سلیمان (ع)، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعاهای وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به . . . قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

ص: 70

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 18، 14، 12، 11، 8، 3، 2، 1

1 - تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الى الذين يزعمون . . . يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت

1 - جمله «یریدون . . .» دلالت می کند که حتّی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست ; چه رسد به انجام آن. 2 - کلمه «طاغوت»، مصدر و به معنای اسم فاعل است ; یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبار.

2 - ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الى الذين يزعمون . . . يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت

3 - مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، علی رغم ادعای ایمان مایه شگفتی و تعجب

الم تر الى الذين يزعمون . . . ان يتحاكموا الى الطّاغوت

استفهام در جمله «الم تر»، برای تعجب ایراد شده است.

8 - دادگاه های طاغوتی ، دادگاههایی هستند که بر خلاف حکم خدا و رسول قضاوت می کنند . *

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت و قد امروا ان يكفروا به

در صورتی ارجاع داوری به دادگاهها ناسازگار با ایمان می شود که قضاوت در آن محاکم بر خلاف دستورات الهی باشد ; بنابراین مراد از طاغوت حاکمانی هستند که بر خلاف قرآن و سنت پیامبر حکم می کنند.

11 - خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت و قد امروا ان يكفروا به

12 - ارجاع داوری ها به طاغوت (کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشیطان ان یضللهم

14 - رجوع کنندگان به طاغوت ، تحت سیطره و نفوذ شیطان هستند .

یریدون ان یتحاکمو الی الطاغوت . . . و یرید الشیطان ان یضلّهم

18 - سقوط به ژرفنای گمراهی ، پیامد پذیرش دادگاه های طاغوتی

یریدون ان یتحاکمو . . . و یرید الشیطان ان یضلّهم ضلّالا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 6

6 - مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشتن است .

یریدون ان یتحاکمو . . . و لو أنّهم اذ ظلموا انفسهم

ص: 71

123- قضاوت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 51 - 12

12 - نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله «الم تر ..» دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 53

53 - داوری بر پایه جور - اگر چه در مورد مالی اندک - و اجبار دیگران به پذیرش آن ، کفر است .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده: من حکم فی درهمین بحکم جور ثم جبر علیه کان من اهل هذه الایه «و من لم يحکم بما انزل الله فأولئك هم الكفرون»

کافی، ج 7، ص 408، ح 3؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 323، ح 120.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 16

16 - کسانی که بر مبنای مقررات و قوانین الهی حکم نکنند ، ستمکارند .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

124- قضاوت عادلان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 159 - 5

5- عدالت پیشگان قوم موسی همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کردند .

و به یعدلون

«به» متعلق به «یعدلون» و «باء» در آن برای استعانت است.

125- قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 21

ص: 72

21 - توجه به خشنودی خداوند از عدالت پیشگان ، بر انگیزاننده داوران به رعایت قسط و عدل

فاحکم بینهم بالقسط إن الله يحب المقسطین

126- قضاوت عجولانه درباره اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 82 - 24

24- پرهیز از ناشکیبایی و قضاوت عجولانه در زمینه کار های شگفت اولیای الهی ، لازم است .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

از مجموعه داستان موسی و خضر(ع) استفاده می شود که نباید کار اولیای الهی را با کار خود قیاس کرد، بلکه باید شکیبایی ورزید و سخنی ناسنجیده بر زبان نراند؛ زیرا، آگاهی بر اسرار آن، مقدور همه نیست.

127- قضاوت عدالت پیشگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 181 - 4

4 - عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به یعدلون

«به» متعلق به «یعدلون» و «باء» در آن برای استعانت است.

128- قضاوت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 13

13- عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قمیصه . . . قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

129- قضاوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 51 - 10،12

10 - داوری ظالمانه علمای یهود نسبت به مسلمانان

ص: 73

الم تر الى الذين... و يقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلاً

12 - نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله «الم تر...» دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 33، 10، 9

9 - تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها... الرنبیون و الاحبار

10 - عالمان ربانی و احبار یهود ، ادامه دهندگان راه انبیا در مسند قضاوت

یحکم بها النبیون... و الرنبیون و الاحبار

33 - پیامبران ، ربانیون و احبار ، الگوهای خداترسی و بی پروایی از مردم برای قضاوت بر اساس احکام الهی

یحکم بها النبیون... فلا تخشوا الناس و اخشون

130- قضاوت علیه عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 4

4 - داوری قطعی خدا در قیامت ، علیه طرف تخلف کننده از قرارداد

و الله على ما نقول وكيل

131- قضاوت عمر (ابن خطاب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 164 - 15

15 - روی انه اتی عمر بحامل قد زنت فامر برجمها فقال له امیر المؤمنین (ع): هب لك سبیل علیها ائی سبیل لك علی ما فی بطنها و الله

تعالی یقول: «ولاتزر وازره وزر آخری . . .».

روایت شده: زن حامله ای را که مرتکب زنا شده بود نزد عمر آوردند، وی دستور داد زن را سنگسار کنند. امیرالمؤمنین (ع) به وی فرمود: بر فرض که حق سنگسار کردن زن را داشته باشی، ولی چه حقی بر طفل در شکم او داری؟ خداوند متعال می فرماید: کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد

ص: 74

132- قضاوت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

133- قضاوت فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 4

4 - برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم (ع)، اسحق و ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخوانهم .. أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه

134- قضاوت قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 8

8 - صدور حکم قاضی، موجب تغییر حق و واقع نخواهد شد.

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فى الحيوه الدنيا فمن يجدل الله عنهم فى يوم القيمه

از اینکه خداوند می فرماید: بر فرض که در دنیا با دفاع نا حق ظالم را تبرئه کردید، در قیامت چه خواهید کرد، معلوم می شود حکم قاضی ایجاد حق نمی کند و واقع را تغییر نمی دهد.

135- قضاوت گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 5

5 - حکم و قضاوتی که بر اثر گرفتن رشوه صادر شده باشد ، گناه و فاقد اعتبار است .

و تدلوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

ص: 75

136- قضاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

137- قضاوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 61 - 6

6 - تویخ منافقان به جهت رویگردانی آنان از حاکمیت قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

رایت المنافقین یصدون عنک صدوداً

در برداشت فوق «یصدون» فعل لازم گرفته شده است؛ بر این مبنا «صدّ» به معنی اعراض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 65 - 8، 11، 6، 7، 5

5 - مردم، وظیفه دار مراجعه به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای داوری و حلّ کلیه مشاجرات

فلا وربک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

6 - ربوبیت الهی، منشأ تربیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای تصدّی مقام قضاوت و حکومت

فلا وربک لا یؤمنون حتّی یحکّموک

برداشت فوق از کاربرد کلمه «ربّ» و اضافه آن به ضمیر خطاب استفاده شده است.

7 - قضاوت، از شوون پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی است.

فلا وربک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

8 - پذیرش حاکمیت قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مشاجرات و التزام قلبی به حکم آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا وربک لا يؤمنون حتی یحکموا فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مم

11 - تسلیم همه جانبه در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و احکام قضایی آن حضرت ، از علایم ایمان

فلا وربک لا يؤمنون حتی یحکموا .. . ویسلموا تسلیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 11، 7

7 - قضاوت ، از منصب های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لتحکم بین الناس

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او ، از سوی خداوند

ص: 76

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 3,6

3 - تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه دنیا .. لهتم طائفه منهم ان یصلوک

اگر چه ظاهر جمله شرطیه «لولا .. لهتم»، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلاً تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

6 - فضل و رحمت الهی ، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائنان در قضاوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لتحکم بین الناس .. ولولا فضل الله علیک ورحمته لهتم طائفه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 23

23 - تثبیت حکم تحریف شده به دست عالمان یهود ، هدف آنان از ارجاع داوری به رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

ان اوتیتم هذا فخذوه و ان لم تؤتوه فاحذروا

ارجاع داوری به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نپذیرفتن قضاوت آن حضرت در صورت مخالفت حکم وی با اظهارات عالمان یهود، می رساند که هدف آنان از این ارجاع تنها تلاش برای یافتن امضای حکم تحریف شده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 11,12,13,14,15

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از جانب خداوند ، اختیار دار داوری در میان یهودیان و یا خودداری از آن

فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم

12 - یهودیان ، در اندیشه آسیب رسانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

و ان تعرض عنهم فلن یضروک شیئاً

13 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نگران آسیب رسانی یهود به اسلام و مسلمانان در صورت اعراض آن حضرت از داوری بین آنان

وإن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

به نظر می رسد مراد از «یضروک» آسیب رسانی به اسلام و جامعه ایمانی باشد، زیرا رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نگران آسیب دیدن شخص خود نبوده است.

14 - نوید خداوند به مصونیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از توطئه های یهودیان به خاطر ترک داوری بین آنان

وإن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً

15 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور به قضاوت عادلانه بین یهودیان در صورت تصمیم بر داوری میان آنان

وإن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 43 - 1,2,3

ص: 77

1 - ارجاع داوری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی یهودیان ، علی رغم دسترسی آنان به حکم خدا در تورات ، شگفت آور و سؤال بر انگیز

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

2 - گریز از احکام تورات ، انگیزه مراجعه گروهی از یهودیان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای قضاوت

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مورد مراجعه مردم ، حتی یهودیان ، برای حکمیت و داوری

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 10،12،13

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، وظیفه دار قضاوت در بین اهل کتاب بر اساس احکام الهی

فاحکم بینهم بما أنزل اللّٰه

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در «بینهم» به اهل کتاب باز گردد.

12 - انتخاب قرآن از میان کتب آسمانی ، برای داوری بین اهل کتاب ، وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و انزلنا الیک الکتب .. مهیماً علیه فاحکم بینهم بما أنزل اللّٰه

«فاء» در «فاحکم» پس از ذکر مهیمن بودن قرآن، بیانگر این است که مراد از «ما انزل اللّٰه» قرآن است.

13 - قضاوت بین مردم بر اساس احکام الهی از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فاحکم بینهم بما أنزل اللّٰه

بنابر اینکه مراد از ضمیر «بینهم» همه مردم باشند، نه خصوص اهل کتاب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 1،2،8،13،15،17

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، وظیفه دار قضاوت در بین مردمان ، بر اساس احکام الهی

وإن احکم بینهم بما أنزل الله

2 - حکم و داوری در بین مردم ، از شؤون و مناصب پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وإن احکم بینهم بما أنزل الله

8 - هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره توطئه گروهی از مردم برای بازداشتن وی از داوری بر اساس تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل الله إلیک

13 - تلاش مودیانه و فریبکارانه اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل الله إلیک

چون «یفتنوک» به «عن» متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است ؛ یعنی مبدا تورا با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

15 - اراده خداوند بر عذاب گنهکاران ، مانع توفیق آنان به پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

17 - برخی گناهان ، مایه محرومیت از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

ص: 78

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از «ان یصیبهم» همان گرفتار ساختن گنهکاران به رویگردانی و نپذیرفتن احکام قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 50 - 1

1 - بسیاری از مردمان عصر بعثت، خواستار داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه بیغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 8

8 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، دارای کتاب و مقام حکم و قضاوت و نبوت از جانب خداوند است.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم والنبوه فإن يكفر بها هؤلاء

گر چه در این آیه نام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به صراحت نیامده، ولی یاد انبیای گذشته و اشاره به مقامات آنان و همچنین سخن از کفر مردم مکه، با لطافتی تمام، اشاره به این دارد که خداوند همان مقامات را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 5

5 - قضاوت میان مردم، از مسؤولیت ها و منصب های پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 7

7 - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - قضاوت میان مردم، از مسؤولیت ها و منصب های پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

7 - داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود.

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

138- قضاوت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 79

4 - احكام صادره از سوى قاضيان مسيحي ، در صورتي كه بر اساس انجيل باشد ، نافذ و داراي اعتبار است .

و ليحكم اهل الانجيل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجيل از امر و نهي قرآن پيروي نمي كنند، مي توان گفت مراد از (وليحكم) تنفيذ احكامي است كه عالمان مسيحي بر اساس انجيل صادر مي كنند.

5 - احكام قاضيان مسيحي تنها در بين همكيشان آنان داراي اعتبار است . *

و ليحكم اهل الانجيل بما أنزل الله فيه

عنوان «اهل الانجيل» مي تواند بيانگر محدوده اعتبار و نفوذ داوريهاي مستند به انجيل باشد.

139- قضاوت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 136 - 10

10 - داوري زشت و غلط مشركان جاهلي در مقايسه خدا با بتها و ترجيح بتها بر او

فما كان لشركائهم .. ساء ما يحكمون

140- قضاوت مشرعو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 47 - 4,8,9

4 - احكام صادره از سوى قاضيان مسيحي ، در صورتي كه بر اساس انجيل باشد ، نافذ و داراي اعتبار است .

و ليحكم اهل الانجيل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجيل از امر و نهي قرآن پيروي نمي كنند، مي توان گفت مراد از (وليحكم) تنفيذ احكامي است كه عالمان مسيحي بر اساس انجيل صادر مي كنند.

8 - قوانين حكومتي و قضاوت ها ، تنها در صورتي نافذ است كه بر اساس احكام الهي صادر شود .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

9- ضرورت پذیرش احکام و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 16 - 5

5- حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد آتینا .. و الحکم و النبوه

ص: 80

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، «حکم» دانسته شده است؛ آن هم در کنار «کتاب» و «نبوت» که اعطای آنها تنها از شؤن خداوند است.

141- قضاوت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 7

7 - دآوری غلط منافقان در مورد شکست و پیروزی مسلمانان

وإن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل ویتولوا و هم فرحون

142- قضاوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 1

1 - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإنّ لک فی الحیوه أن تقول لامسّاس

فا در «فاذهب» علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. «مسّاس» مصدر باب مفاعله است و «لامسّاس» به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

143- قضاوت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 19

19 - قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

ص: 81

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ . . . بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 9

9 - مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریهایی ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما كان لشركائهم . . . ساء ما يحكمون

مراد از فعلهای «یصل» و «لا یصل»، آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند، مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 9

9 - پندار امکان گریز از مجازات الهی ، پنداری ناشایست است .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 154 - 3

3 - دآوری درباره خداوند و عقاید دینی ، بدون علم و دلیل و شاهد ، قضاوتی ناشایست و شگفت آور است .

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ . مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

144- قضاوت ناپسند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 59 - 10، 9

9- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ، قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنات سبحة و لهم ما يشتهون . . . ألا ساء ما يحكمون

10- تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما یشتهون .. ألا ساء ما یحکمون

145- قضاوت ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 82

6 - آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه قوانین و مقررات الهی بنا نکنند ، فاسق هستند .

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 11

11 - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أم حسب . . . ساء ما يحکمون

146- قضاوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون(ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحکم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

147- قضاوت وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 7,8

7 - احواله انفاق کننده به داوری وجدان خویش ، در پرهیز از اموال نامرغوب

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

8 - به داوری گرفتن وجدان ، از روش های قرآن برای پرهیز از کار های ناروا و تربیت انسان ها و رعایت احکام و مقررات دینی

و لا تیمّموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 47 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور برانگیختن داوری وجدان مشرکان بر چگونگی فرجام آنان در صورت نزول عذاب الهی

قل أرءیتکم . . . هل یهلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 83

5 - انعام - 6 - 71 - 7

7 - برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 11

11 - برانگیختن عقل و وجدان مردم به داوری، روش حضرت ابراهیم (ع) در ارشاد و تبلیغ

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ... لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

148 - قضاوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

149 - قضاوت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 10

10- حضرت یحییٰ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًا

«حکم» بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کردن است (لسان العرب).

ص: 84

150- قضاوت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

151- قضاوت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 2

2 - نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، یوسف، موسی و هارون (ع) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الكتب والحکم والنبوه

«أولئك» اشاره به انبیای مذکور در آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 4

4- یوسف (ع) در سن جوانی، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود.

و لما بلغ أشده آتینه حکمًا و علمًا

برخی از مفسران، «حکم» را به دانش معارف الهی، احکام شریعت، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از «علم» را، دانش تعبیر رؤیاهای، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفاسد دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 5

5- محاکمه خطاکاران و قضاوت درباره آنان ، از اختیارات یوسف در زمان وزارتش در مصر

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

152- قضاوت یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 3

ص: 85

3 - زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بودند.

أولئك الذين آتینهم الکتب و الحکم و النبوه

153- قضاوت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 7

7 - یهود، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

يقولون... هؤلاء اهدى من الذين امنوا... اذا حکمتم بين الناس ان تحکموا بالعدل

جمله «ان تحکموا بالعدل» می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان؛ آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

154- گواهی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 15

15 - داورى بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود.

و وضع الکتب و جایء بالنیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون

155- مبانی قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 19، 20، 13، 11، 6

6 - قرآن، پایه و اساس برای قضاوت میان مردم

إنا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله

مراد از «تحکم»، قضاوت است و اگر مراد حکومت بود، می فرمود: «لتحکم علی الناس».

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن و شیوه های ارائه شده به او، از سوی خداوند

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

13 - فراگیری قرآن و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

ظاهراً مراد از «ما اریک»، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخته است. در

برداشت

ص: 86

فوق از آنها به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعبیر شده است.

19 - قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ .. . بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

20 - جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، همانند خود آن حضرت ، موظف به قضاوت در میان مردم بر پایه تعالیم قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىكَ اللَّهُ

امام صادق (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: و هی جاریه فی الاوصیاء.

کافی، ج 1، ص 268، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 547، ح 547.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 44 -

3،9،11،14،17،18،21،22،23،28،43،46،48،49

3 - تورات ، مرجع و پایه قضاوت های پیامبران در بین یهود

یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا

9 - تورات ، محور قضاوت های عالمان ربانی و احبار در بین یهود

یحکم بها .. . الربنیون و الاحبار

11 - قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون .. . و الربنیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

14 - احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون .. . و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله

«باء» در «بما استحفظوا» سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

17 - دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

چون جمله «کانوا . . .» عطف بر «استحفظوا» است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

18 - محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیین . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

21 - حراست از تورات و قضاوت بر اساس آن ، بدون هیچ ترسی از مردم ، فرمان خداوند به عالمان یهود معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه . . . فلاتخشوا الناس

22 - عالمان یهود در عصر بعثت ، بیمناک از مردم خویش در حکم و قضاوت بر اساس تورات

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه . . . فلاتخشوا الناس

23 - ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها . . . فلاتخشوا الناس

28 - خشیت از خداوند (ترس برخاسته از عظمت او) ، وادار کننده عالمان به داوری بر اساس کتاب های آسمانی و خودداری از کتمان احکام الهی

یحکم بها . . . و اخشون

43 - آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه مقررات و قوانین الهی بنا نکنند ، کافرند .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

با توجه به آیات گذشته که درباره قضاوت بود، معلوم می شود که جمله «و من لم یحکم . . .» ناظر به مسأله قضاوت و داوری است.

46 - ضرورت پذیرش قوانین و داوری های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

لازمه وجوب قضاوت بر اساس احکام الهی، ضرورت پذیرش آنها از سوی طرفین نزاع و مشاجره است.

48 - کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

49 - خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جمله «و من لم یحکم . . .» دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 16،17،18،19،21،23

16 - کسانی که بر مبنای مقررات و قوانین الهی حکم نکنند ، ستمکارند .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

17 - ضرورت پذیرش قوانین و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

لازمه فرمان به حکم و قضاوت بر اساس کتابهای آسمانی، الزام بندگان به پذیرش آن احکام و داوریهاست.

18 - نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گرو پی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظلمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

19 - خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، ظلم است . *

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظلمون

21 - کناره گیری از داوری بر پایه احکام الهی ، مهمل گذاردن فلسفه نزول آن احکام

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظلمون

23 - ستم پیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

فأولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 47 - 8،9،1

ص: 88

1 - مسیحیان وظیفه دار حکم و داوری بر اساس انجیل

و لیحکم اهل الانجیل بما أنزل الله فيه

4 - احکام صادره از سوی قاضیان مسیحی ، در صورتی که بر اساس انجیل باشد ، نافذ و دارای اعتبار است .

و لیحکم اهل الانجیل بما أنزل الله فيه

چون اهل انجیل از امر و نهی قرآن پیروی نمی کنند، می توان گفت مراد از (ولیحکم) تنفیذ احکامی است که عالمان مسیحی بر اساس انجیل صادر می کنند.

8 - قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

9 - ضرورت پذیرش احکام و قضاوت های مستند به احکام الهی

و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 14، 13، 10

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، وظیفه دار قضاوت در بین اهل کتاب بر اساس احکام الهی

فاحکم بینهم بما أنزل الله

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در «بینهم» به اهل کتاب باز گردد.

13 - قضاوت بین مردم بر اساس احکام الهی از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فاحکم بینهم بما أنزل الله

بنابر اینکه مراد از ضمیر «بینهم» همه مردم باشند، نه خصوص اهل کتاب.

14 - تنها احکام الهی باید اساس و معیار قضاوت ها قرار گیرد .

فاحکم بینهم بما أنزل الله

17 - خداوند بر حذر دارنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پیروی تمایلات اهل کتاب و عدول از حق (احکام قرآن) در قضاوت

فاحکم . . . ولا تتبع اهواءهم عما جاءك من الحق

کلمه «عن» در «عما جاءک» می رساند که معنای عدول در «لا تتبع» تضمین شده است. یعنی لاتعدل عن الحق متبعاً اهواءهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 13, 20, 8, 9, 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وظیفه دار قضاوت در بین مردمان، بر اساس احکام الهی

و این احکم بینهم بما أنزل الله

3 - تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد.

و این احکم بینهم بما أنزل الله

8 - هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره توطئه گروهی از مردم برای بازداشتن وی از داوری بر اساس تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل الله إلیک

9 - ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

ص: 89

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

13 - تلاش مودیانہ و فریبکارانہ اهل کتاب (یهود) ، برای بازداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حکم و داوری بر اساس قرآن

و احذرهم ان يفتنوك عن بعض ما أنزل الله إليك

چون «یفتنوک» به «عن» متعدی شده است علاوه بر بازداشتن و گمراه ساختن، معنای خدعه و نیرنگ نیز در آن اشراب شده است؛ یعنی مبادا تو را با نیرنگ از احکام الهی بازدارند و گمراه سازند.

20 - لزوم داوری بر اساس احکام الهی ، حتی با احتمال سرپیچی مردمان از پذیرش آن

و إن احکم . . . فان تولوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 50 - 5

5 - نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه بیغون و من احسن من الله حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 16 - 5

5 - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد آتینا . . . و الحکم و النبوه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، «حکم» دانسته شده است؛ آن هم در کنار «کتاب» و «نبوت» که اعطای آنها تنها از شؤون خداوند است.

156- مبانی قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 11

11- « عن أبي عبد الله (ع) (فی) قول الله عزوجلّ : « و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث » . . . قال : إله کان أوحى الله عزوجلّ إلى النبیین قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) (ع) أي غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت

به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزّوجلّ إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان « ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزّوجلّ «و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث» روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ به پیامبران قبل از داوود - تا زمانی که او را برانگیخت - وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزّوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...».

ص: 90

157- مبانی قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 11

11- « عن أبي عبد الله (ع) (في) قول الله عز وجل: « و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث » . . . قال : إنه كان أوحى الله عز وجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عز وجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنه بعد سليمان » ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجل « و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث » روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود - تا زمانی که او را برانگیخت - وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد . . . پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بیچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت . . .».

158- مبانی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 4 - 11

11 - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال و قضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

159- محرومیت از قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 21

21 - گناهان یهودیان و مسیحیان عصر بعثت - حتی برخی از آن - ، زمینه ساز محرومیت آنان از پذیرش احکام الهی و داوری های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فان تولوا فاعلم انما يريد الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

کلمه «بعض» می تواند اشاره به این باشد که تنها برخی از گناهان اهل کتاب اقتضای محرومیت از حق پذیری را دارد ؛ نه همه آنها و می

تواند به این معنا باشد که برخی از گناهان آنان در محرومیتشان از پذیرش احکام الهی کافی است گرچه بسیاری از گناهانشان چنین اقتضایی را دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

ص: 91

160- مشورت در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 4

4- مشورت در امر قضاوت ، امری است پسندیده و شایسته .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . و کنا لحکمهم شهدین

161- معبودان باطل و قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 2

2 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

162- مقام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 5

5 - خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

163- مقام قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 4

4- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاً ءاتینا حکماً و علماً

164- مقام قضاوت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 92

4- داوود و سلیمان (ع)، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاًء اتینا حکماً و علماً

165- ملاک قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 213 - 16,21

16 - کتاب های آسمانی ، معیار شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

21 - میسر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 5

5- حکم و عمل انسان ، بر اساس آنچه صرفاً شنیده ، یا دیده و یا به قلبش راه یافته ، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی ، ممنوع است .

و لا تقف ما ليس لك به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 7

7 - حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحکم بین الناس بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 15

15 - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الكتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 7

ص: 93

7- داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

وقضی بینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 7

7- علم عادی و دلایل ظاهری ، کافی در مقام داوری و تشخیص امور

فامتحنونهنّ الله أعلم بایمنهنّ

بیان «الله أعلم بایمنهنّ...» - پس از امر «امتحنونهنّ» - می رساند که شما انسان ها در مقام داوری و حکم، موظف به ملاک های ظاهری و بشری هستید؛ نه ملاک هایی که چه بسا از دسترس بشر خارج است.

166- ملاک قضاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 13

13 - اعمال آدمی ، تنها معیار ارزش و داوری در قیامت

هل تجزون إلاّ ما كنتم تعملون

167- ملاک قضاوت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 6

6- حکم و داوری خداوند میان انسان ها در قیامت ، بر اساس حجت و گواه شاهدان است .

و یوم نبعث فی کلّ اُمة شهیداً علیهم من انفسهم

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که برانگیختن شاهدان در راستای صدور حکم و داوری است و نیز به منظور اتمام حجت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 4

4- توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می رساند که ملاک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه های گوناگون مردم در قیامت، اصل «توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او» خواهد بود.

ص: 94

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 57 - 1

1 - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 11

11 - داوری خداوند در قیامت ، درباره هر امت ، براساس کتاب آسمانی آنان است . *

كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَىٰ كِتَابِهَا

در صورتی که مراد از «کتاب» در «کتابها» کتاب آسمانی ویژه هر امت باشد؛ از دعوت شدن آنان به سوی کتاب آسمانی شان برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 45 - 2

2 - علم خداوند به گفتار کافران ، ملاک داوری او علیه آنان در قیامت

نحن أعلم بما يقولون

از ارتباط «نحن أعلم ..» با آیات پیشین - که درباره حشر و معاد است - مطلب بالا استفاده می شود.

168- ملاک قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 112 - 2,5

2- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید «بالحق» توضیحی باشد.

5- قضاوت و داوری برحق خداوند ، برخاسته از علم و آگاهی همه جانبه او است .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ . . . قُلْ رَبِّ احْكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 69 - 3,5

3- داوری خدا در قیامت ، بر اساس علم کامل او به کردار آدمیان است .

اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ . اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

5- توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللَّهُ يَحْكُمُ . . . فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

ص: 95

با توجه به عبارت پیشین «ما» در «فیما کنتم» به معنای «الذی» است که به مسأله توحید و شرک - که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است - اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 3,5,9

3 - داوری خداوند بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثم یفتح بیننا بالحقّ

5 - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثم یفتح بیننا بالحقّ

9 - داوری خداوند ، بر اساس علم و آگاهی او است .

وهو الفتح العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 14

14 - داوری خداوند میان بندگان در قیامت ، بر پایه مستندات پرونده اعمال ، گواهی پیامبران و گواهانی چند خواهد بود .

ووضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 70 - 5

5 - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

ووفیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 4

4 - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

يعلم خائنه الأعين . . . و الله يقضى بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند - پس از تذکر به علم همه جانبه او - می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 10، 11

10 - داوری خداوند، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر الله قضي بالحقّ

11 - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر الله قضي بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از «أمر الله» عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به

ص: 96

همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: «قال لاعاصم الیوم من أمر اللّٰه . . .»، (هود، آیه 43).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 28 - 14

14 - داوری خداوند درباره امت ها ، براساس نامه عمل شان

تدعی الی کتبها الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از این که پس از فراخوانی انسان ها به نامه عمل خویش، مسأله جزای آنان مطرح شده است؛ به دست می آید که نامه عمل شان ملاک داوری حق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 12

12- شهادت و داوری خداوند میان حق و باطل ، متکی به علم برتر او

هو أعلم . . . کفی به شهیداً

از ارتباط «هو أعلم» با «کفی به . . .»، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 4

4- ایمان ، معیار داوری خداوند درباره انسان و پاداش به مردان و زنان

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

وصف «المؤمنین و المؤمنات»، مُشعر به علیّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 53 - 4

4- اعمال خود انسان ، ملاک داوری خداوند درباره او

و کلّ شیء فعلوه فی الزّیر . و کلّ صغیر و کبیر مستطر

تصریح خداوند به مضبوط بودن اعمال کوچک و بزرگ آدمی، می رساند که اعمال خود او نقش اساسی در مسؤولیت و مجازات و محاکمه وی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 6 - 7

7 - مبنای داوری و کیفر و پاداش الهی درباره انسان ، عملکرد خود آنان است .

فینبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 9

ص: 97

9 - علم گسترده خداوند بر اعمال خلق ، ملاک داوری میان آنان در قیامت *

یوم القیمه یفصل بینکم و اللّٰه بما تعملون بصیر

از ارتباط «یفصل بینکم» - در صورتی که «یفصل» به معنای «یحکم» (داوری خواهد کرد) باشد - و «واللّٰه بما تعملون بصیر» مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 29

29 - احکام و داوری های خداوند میان خلق ، متکی به علم و حکمت گسترده او است .

یحکم بینکم و اللّٰه علیم حکیم

169- ملاک قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 4

4 - توحید ربوبی و انقیاد در برابر خدا ، ملاک داوری خداوند میان انسان ها در قیامت

إِنَّ اللَّهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ

ارتباط این آیه با آیه پیشین، این معنا را می رساند که ملاک ارزیابی خداوند در داوری میان فرقه های گوناگون مردم در قیامت، اصل «توحید ربوبی و خضوع و انقیاد در برابر او» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 69 - 11، 12

11 - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

12 - داوری میان مردم در قیامت ، عادلانه بوده و به کسی ستم نخواهد شد .

و هم لایظلمون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

16 - شوری - 42 - 17 - 15

15 - قرآن و قانون الہی ، ابزار سنجش و داوری در قیامت

اللہ الذی . . . و ما یدریک لعلّ الساعہ قریب

ص: 98

170- ملاک قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 8

8- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

وقال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

171- ملاک قضاوت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 4

4- داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود .

و إذا دعوا إلی اللّٰه ورسوله لیحکم بینهم

آیه شریفه، پیش از آن که منافقان را موظف سازد که به داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) تن دهند، آنان را به پذیرش حکم خدا فرا خوانده است. این فراخوانی می تواند بیانگر این حقیقت باشد که حکم خدا، محور داوری ها است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم موظف بود براساس آن قضاوت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 49 - 5

5- داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلی اللّٰه ورسوله لیحکم بینهم .. و إن یکن لهم الحقّ

172- ملاک قضاوت مشرکان در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 44 - 3

3- داوری مشرکان صدراسلام، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود.

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمیعت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

ص: 99

173- ملاک قضاوت مشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 18

18 - نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها ، در گروهی ریزی آنها بر پایه مقررات الهی

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون

لازمه وجوب داوری و قانونگذاری بر اساس احکام الهی، بی اعتبار دانستن احکامی است که بر پایه احکامی غیر الهی بنا شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 16

16 - نفوذ و اعتبار قوانین و داوری ها در گروهی ریزی آنها بر اساس تعالیم قرآن است .

وانزلنا اليك الكتاب .. فاحكم بينهم بما أنزل الله

174- ملاکهای قضاوت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 8

8 - منافع شخصی منافقان ، ملاک داوری آنان درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عامل طعن و خرده گیری از آن حضرت

و منهم من يلمزك في الصدقات فإن أعطوا منها رضوا

175- منابع قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 51 - 7

7 - داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بر مبنای فرمان ها و دستورات خدا بود .

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم

176- منشأ قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 11

11- داوری وارونه و دور از حقیقت درباره عملکردها، از پی آمدهای ناپسامانی فکری و عقیدتی است.

الذین كانت أعینهم فی غطاء .. یحسبون أنهم یحسنون صنعاً

ص: 100

مجموع چند آیه، در آغاز، فقدان بینش را در کافران مطرح ساخت، آنگاه برگزیدن معبودانی جز خدا را به عنوان یکی از دستاوردهای آن مطرح کرد (أفحسب) و در این آیه، آنان را به عنوان (أخسرین) و کسانی که اعمال پوچ خود را کارهایی نیک می بینند، معرفی کرد. مقتضای ربط بین آیات مورد بحث، برداشت بالا، است.

177- منشأ قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 1

1- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، با الهام خداوند بود.

فَفَهَّمْنَهَا سَلِيمًا

«فا» در «فَفَهَّمْنَهَا» برای تعقیب است و ضمیر «ها» به حکومت (قضاوت) باز می گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

178- منشأ قضاوت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 2

2- حضرت لوط (ع) از جانب خداوند، از منصب قضاوت و داوری برخوردار بود.

و لوطًا آتینہ حکمًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حکم» به معنای «قضاوت» باشد (لسان العرب). گفتنی است کاربرد «حکم» به معنای «قضاوت»، بسیار شایع است.

179- منشأ قضاوت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 3

3- حضرت نوح (ع)، از جانب خداوند، از علم، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود.

و لوطًا آتینہ حکمًا و علمًا . . . و نوحًا إذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت «نوحاً» عطف بر «ولوطاً آتیناه» باشد؛ یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و... دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه «حکم» هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

ص: 101

180- موانع قضاوت عادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 39

39 - سودجویی و طمعورزی ، از عوامل نادیده گرفتن احکام الهی و حکم نکردن بر اساس آن

یحکم بها... و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

181- ناظر قضاوت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 78 - 6

6- قضاوت داوود و سليمان (ع) ، مورد نظارت و تأييد خداوند بود .

و کنا لحکمهم شهدين

ضمير «حکمهم» به داوود و سليمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأييد آن دارد.

182- ناظر قضاوت سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 78 - 6

6- قضاوت داوود و سليمان (ع) ، مورد نظارت و تأييد خداوند بود .

و کنا لحکمهم شهدين

ضمير «حکمهم» به داوود و سليمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأييد آن دارد.

183- نظام قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 9

9- سرعت در حسابرسی و قضاوت و حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

184- نقش امارات قضایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 11

11- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 27 - 1

1- داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

وإن كان... و هو من الصادقين

185- نقش علم در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 5

5- حکم و عمل انسان، بر اساس آنچه صرفاً شنیده، یا دیده و یا به قلبش راه یافته، قبل از رسیدن به مرحله علم و آگاهی، ممنوع است .

ولا تتقف ما لیس لك به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مستولاً

برداشت فوق بر این اساس است که معمولاً حرکتهای غیر علمی، نشأت یافته از شنیده ها، دیده ها و باورهای سطحی است و خداوند، برای دور کردن انسان از حرکت غیر علمی، به او هشدار داده است که دیده ها و .. تا زمانی که به مبنای علمی و یقینی منتهی نشود، قابل اعتماد نیست و در صورت اعتماد نمودن، محاکمه خواهد شد.

186- نقش مقام قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 13

13 - حکومت و منصب قضاوت، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

يداود إنا جعلناك خليفة في الأرض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى

ص: 103

187- وجدان در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 14

14 - برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

188- وضوح حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 8 - 95 - 3

3 - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

ألیس الله بأحکم الحکمین

همزه استفهام در «ألیس»، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

189- ویژگیهای قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 11

11 - قضاوت و داوری خداوند درباره ستمگران ، قضاوتی است بر پایه قسط و عدل .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب و قضی بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 6

6- حکم و قضاوت خداوند ، متقن ترین و عادلانه ترین حکم ها و قضاوتهاست .

و أنت أحکم الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- قضاوت و داوری برحق خداوند ، برخاسته از علم و آگاهی همه جانبه او است .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ . . . قُلْ رَبِّ احْكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 6,7,8

ص: 104

6 - قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

با این که واژه «یقضی» معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید «بحکمه» نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

7 - داوری های خداوند ، دارای پشتوانه قوی اجرایی و علمی

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي . . . وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

از ارتباط «عزیز و علیم» با «یقضی بینهم» مطلب فوق استفاده می شود.

8 - عدم دخالت غیر خدا ، در قضاوت ها و داوری های او

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

قید «بحکمه» می تواند از نظر معنا تأکیدی بر عدم دخالت غیر خدا در قضاوت های او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 8 - 95 - 1,2

1 - قضاوت خداوند ، از حکم تمامی داوران برتر ، نافذتر و متقن تر است .

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَكَمِينَ

قاضی، در صورتی از قضاوت کنندگان دیگر حاکم تر خواهد بود که حکم او نافذتر باشد و از آن جا که اشتقاق «أحکم»، ممکن است از ریشه «حُکْم» باشد که قاموس آن را به معنای اتقان می داند، خداوند در این آیه به متقن ترین داوران توصیف شده است.

2 - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَكَمِينَ

اسم تفضیل «أحکم»، ممکن است از «حُکْم» به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، «أقضى» و نیز می تواند از «حکمه» گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه «حاکمین» بر معنای «قضاوت کنندگان» تطبیق یافته است.

190- ویژگیهای قضاوت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- داوری میان حق و باطل در عرصه قیامت ، با حضور تمامی خلایق انجام خواهد پذیرفت .

هذا يوم الفصل جمعنکم و الأولین

191- ویژگیهای قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 105

4- قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

192- هواپرستی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 9

9 - هشدار خداوند به داوود (ع) ، برای پیروی نکردن از هوای نفس ، در داوری میان مردم

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبّع الهوی

ص: 106

3- قلب

1- قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 8 - 10

10 - قلب در اصطلاح قرآن ، جایگاه هدایت و گمراهی است .

فَمَا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ زَيْغٌ .. رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 29 - 1

1 - سینه آدمی ، خزانه افکار و اندیشه های او

ان تخفوا ما فی صدورکم

2- آثار بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 3,5

3 - نفاق ، خدعه گری و دروغ پردازی ، رذایلی هستند برخاسته از بیماری دل

و من الناس من یقول ءامنا .. یخدعون الله ... فی قلوبهم مرض

«فی قلوبهم مرض» بیانگر ریشه رذایلی است که در آیات قبل و فرازهای بعد، برای منافقان بیان شده است.

5 - سرایت بیماری دل و اندیشه آدمی به تمامی وجود او

فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً

جمله نخست حاکی است که دل و اندیشه منافقان، بیمار است و جمله بعد، دلالت می کند که بیماری وجود آنان را فرا می گیرد؛

زیرا فرمود «فزادها الله مرضاً». این اختلافِ تعبیر یا اشاره به این معنا دارد که تمام حقیقت آدمی، دل و اندیشه اوست؛ و یا حاکی از آن است که بیماری دل به همه وجود سرایت کرده و همه حرکات و سکنت آدمی را متأثر می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 7

7 - فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . . . وإذا قيل لهم لا تفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 12 - 5

5 - بیمار دلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . . . ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 4

4 - بیمار دلی اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . . . قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 3,5

3 - بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لا تتخذوا اليهود و النصری أولیاء . . . فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

5 - بیماری دل و سستی ایمان ، زمینه محرومیت از هدایت الهی

إنّ الله لایهدی القوم الظلمین . فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - بیمار دلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 2

2 - بیمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

لیجعل ما یلقى الشیطن فتنه . . . و القاسیه قلوبهم

ص: 108

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 2

2 - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 80 - 2

2 - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إتک علی الحقّ المبین . إتک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست؛ بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 10

10 - بیمار دلی ، باعث طمع ورزی در زنان نامحرم است .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 14

14 - بیمار دلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذین فی قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

3- آثار بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 5

5- منافقان بر اثر بیماریِ دل و اندیشه، فسادگری های خویش را اصلاح طلبی قلمداد می کنند.

فی قلوبهم مرض... قالوا إنما نحن مصلحون

4- آثار پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 39

ص: 109

39 - پاکی دل ها و جان ها ، زمینه پذیرش هدایت الهی

و من یرد الله فتنته .. أولئك الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

چنانچه «فتنه» به معنای ضلالت باشد، مفهوم جمله «من یرد الله فتنته» باضمیمه جمله «أولئك ..» این خواهد بود که خداوند تنها پاکدلان را هدایت می کند.

5- آثار حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 7

7- یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 57 - 16

16- هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان سنگینی نشسته (محرومان از درک و فهم آیات الهی) ، ناممکن است .

وإن تدعهم إلى الهدی فلن یهدوا إذاً أبداً

«لن» برای نفی همیشگی است که در آیه مورد بحث، با کلمه «أبداً» نیز بر آن تأکید مجدد شده است؛ یعنی، چنین افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

6- آثار حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 28 - 27

27- کسانی که یاد خداوند در قلب آنان حضور ندارد ، شایسته رهبری نیستند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

نهی از اطاعت غافلان، نفی شایستگی آن ها برای فرمان دادن و ارائه پیشنهاد است.

7- آثار ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - 7 - 2 - بقره - 1

ص: 110

1 - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

«ختم» به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و «علی سمعهم» می تواند عطف بر «علی قلوبهم» باشد و نیز می تواند خبر برای «غشاوه» باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 7

7 - افکنده شدن حجاب بر اندیشه و قلب آدمی، زمینه انکار هر گونه معجزه و آیت الهی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن یفقهوه . . . و إن یروا كل آیه لایؤمنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 10

10 - خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك یطبع الله علی قلوب الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 93 - 9

9 - مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 74 - 6

6 - اقوام تکذیب کننده پیامبران ، به خاطر مهر شدن دلهایشان و با وجود معجزات و براهین روشن ، توانایی پذیرش آنان را نداشتند .

فما كانوا لیؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به «فما کانوا لیؤمنوا» به جای «فما آمنوا بما کذبوا به» بیانگر وجود نوعی مانع است که آنان را از ایمان آوردن بازمی داشت. در جمله بعد، از آن مانع تعبیر به «طبع قلوب» شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 19، 15

15 - مردمی که خدا بر دل آنان مهر بزند ، توفیق ایمان و گرایش به پیامبران ، از آنان سلب خواهد شد .

و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«فاء» در جمله «فلا یؤمنوا» فای سببیه است و دلالت بر سببیت ماقبل برای مابعدش می کند؛ یعنی، طبع قلب سبب سلب توفیق ایمان می شود.

ص: 111

19 - سخت شدن دل و مهر شدن آن ، زمینه ساز وقوع عذاب استیصال است .

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام «العذاب» - که برای عهد ذهنی است - اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد. در این صورت روشن است که درخواست سخت شدن دل فرعون و اطرافیانش و مهر شدن آن، در واقع درخواست پیدایش زمینه عذاب استیصال بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 16 - 8

8- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذین طبع الله علی قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر «طبع الله علی قلوبهم» به عنوان علت «یستمع إلیک .. قالوا ... ماذا قال آنفاً» یاد شده باشد - و نه معلول آن - برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 8,9

8 - مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون

9 - منافقان ، بر اثر مهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون

8- آثار ختم قلب مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 2

2- مشرکان مکه ، در اثر مستوری قلب و سنگینی گوشه‌هایشان ، از ادراک صحیح آیات خدا ، محروم بودند .

و جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم أکن

9- آثار خشوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 2، 1

1 - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله

ص: 112

«خشوع» در مقابل «قساوت» (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب] است.

2- تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم... و ما نزل من الحقّ

مقصود از «ما نزل من الحقّ» قرآن کریم است.

10- آثار خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 3 - 6

6 - اقامه نماز و انفاق در راه خدا، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وجلت قلوبهم... زادتهم إيماناً... الذين يقيمون الصلوة و مما رزقنهم ينفقون

تکرار «الذین»، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

11- آثار رقت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 5

5- نرمی و سلامت دل، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن

ليجعل... للذين في قلوبهم مرض و القاسية قلوبهم... و ليعلم الذين أوتوا العلم أ

12- آثار سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 10

10 - سلامت دل و ایمان راسخ، زمینه پرهیز از ستمگری و عصیان و موجب برخورداری از هدایت خاص الهی

إنّ الله لا يهدي القوم الظالمين. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 5

5 - ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خداوند منوط به برخورداری انسان از قلب وینش سالم است.

و نقلب أفئدتهم .. كما لم يؤمنوا به أول مره

ص: 113

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 24 - 7

7- بهرهوری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم و زمینه ساز تدبیر

أفلا يتدبرون .. أم على قلوب أقفالها

در صورتی که «أم» به معنای «بل» باشد، مفاد آیه چنین می شود: اگر در قرآن تدبیر شود، حقیقت بر انسان آشکار می گردد؛ ولی حق گریزان در نتیجه اعمال خودشان، قلبی بسته و ناتوان از تدبیر دارند. در حالی که تدبیر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیر پذیر، میسر است.

13- آثار سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 14 - 8،12

8 - انکار قیامت ، برخاسته از قلب سیاه و درک ناتوان است .

الذین یکذبون بیوم الدین .. کلاً بل ران علی قلوبهم

12 - « عن أبي جعفر (ع) قال : [قال] ما من عبد إلا وفي قلبه نكته بيضاء فإذا أذنب ذنباً خرج في النكته نكته سوداء فإن تاب ذهب ذلك السواد فإن تمادى في الذنوب زاد ذلك السواد حتى يُغَطِّي البياض فإذا [ت-] غَطَّى البياض لم يرجع صاحبه إلى خير أبداً و هو قول الله عزَّوجلَّ : « كلاً بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون » ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هرگاه گناهی مرتکب شود، در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه دهد، آن سیاهی افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به سوی نیکی برنمی گردد و این سخن خدای عزَّوجلَّ است که فرمود: کلاً بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون».

14- آثار قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 4

4 - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم .. فهی کالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجاره

به مقتضای ارتباط «ثم قست . . .» با جمله «یریکم آیاته لعلکم تعقلون» سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله «إن من الحجاره ...» سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

ص: 114

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 75 - 4

4 - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم ... أفتطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف «فاء» در «أفتطمعون» قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 7

7 - سنگدلی و خشونت رهبران، موجب پراکندگی مردم از پیرامون آنان

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولک

«انفضوا» از «فضّ» به معنای تفرّق و پراکندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 12

12 - سنگدلی بنی اسرائیل، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه يحرفون الکلم عن مواضعه

جمله «يحرفون» جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 8

8 - استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تقيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و

مشركان) به دليل گردنفرآزی و استكبار در برابر حق، از پذيرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 43 - 12، 5، 4

4 - سنگدلي، مانع تضرع به درگاه خداوند، حتى در شدايد و سختيها

فلولا... و لكن قست قلوبهم

5 - سنگدلي، موجب هدايت ناپذيري و اجابت نكردن دعوت انبيا

و لقد ارسلنا... فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لكن قست قلوبهم

12 - قساوت دل زمينه ای مناسب برای القای تزينات شيطان

و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون

جمله «زين لهم» می تواند از قبيل عطف مسبب بر سبب باشد؛ يعنى تزين شيطان پس از قساوت دل حاصل می گردد.

ص: 115

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 2

2 - بیمار دلی و قساوت ، زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و اغواگری های شیطان

ليجعل ما يلقى الشيطان فتنه . . . و القاسيه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 17، 13

13 - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح الله صدره للإسلام . . . فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان - که از نور هدایت الهی برخوردارند - می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

17 - قساوت قلب و خدا فراموشی ، نشانه گمراهی سخت و آشکار

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله أولئك في ضلل مبين

15- آثار قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 3

3 - اصحاب اخدود ، به دلیل حضور بی رحمانه خود در مراسم سوزاندن مؤمنان و نشستن و نظاره کردن آن ، گرفتار نفرین خداوند و سزاوار قتل و نابودی شدند .

قتل أصحاب الأُخدود . . . إذ هم عليها قعود

کلمه «إذ»، ظرف برای «قتل» و بیانگر نقش آن لحظه در استحقاق نفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 11

11 - حضور بی رحمانه اصحاب اُحدود برای سوزاندن و تماشای سوختن مؤمنان ، موجب گرفتاری آنان به نفرین خداوند بود .

قتل أصحاب الأُحدود . . . إذ . . . و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

16- آثار قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 81 - 6

ص: 116

6 - تنها دل های سلیم و حق پذیر ، شایسته بهره مندی از پیام الهی انبیا

إن تسمع إلا من يؤمن بآيتنا

مراد از «من يؤمن» کسانی اند که در مقام پذیرش حق می باشند و دل هایشان گرفتار کوری و کوری نشده است.

17- آثار مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 6

6 - مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم وأبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

18- آثار ناپاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 44

44 - آلودگی دل و جان آدمی به ناپاکی ها ، موجب ذلت دنیا و عذاب آخرت

أولئك الذين لم يرد الله أن يطهر قلوبهم . . . و لهم في الآخرة عذاب عظيم

19- آرامش قلب محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 120 - 3

3- آرامش خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و استواری دل و قلب او ، هدف از بیان سرگذشت انبیا برای آن حضرت

و كلاً نقص علیك من أنباء الرسل ما نثبت به فؤادك

«تثبیت» (مصدر تثبت) به معنای مستقر کردن و استوار ساختن است و «فؤاد» به معنای قلب می باشد. استوار ساختن قلب، به ایجاد یقین و طمأنینه در آن و رفع اضطراب و تردید از آن است. عبارت «و ما نثبت ...» بدل برای «كلاً» می باشد و دلالت می کند که آن قسمتی از سرگذشت پیامبران بیان می شود که ایجاد یقین و اطمینان کند.

20- آرزوی پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 11

ص: 117

11 - مؤمنان ، آرزومند پاک بودن قلب هایشان از کینه و عداوت نسبت به اهل ایمان

يقولون ربنا .. و لا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا

21- اجتناب از لغزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 30

30 - قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

22- احاطه بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 7 - 1

1 - آتش جهنم ، بر قلب ها احاطه یافته ، آن را خواهد سوزاند .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

برخی از اهل لغت، اطلاع را به معنای بلوغ دانسته اند (لسان العرب). براین اساس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف «علی» بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

23- ارزش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 11 - 6

6 - ارزش والای قلب و ادراکات باطنی ، در مقایسه با دیگر منابع شناخت

ما کذب الفؤاد ما رأی

با توجه به این که در این آیه، رؤیت معارف والا به قلب نسبت داده شده است؛ ارزش بی مانند قلب در میان منابع شناخت استفاده می شود.

24- ازدیاد بیماری قلب منافقان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 10 - 2

ص: 118

2 - خداوند ، افزایش دهنده بیماری در دل و جان منافقان

فزادهم الله مرضاً

25- استفاده از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 7

7- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی ، بینایی و قلب برای شناخت حق ، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است .

و لاتقف . . . إن السمع ... کان عنه مستولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره‌گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

26- اضطراب قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 11 - 9

9 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ القلبَ ليرجج . . . حتَّى يعقدَ على الإيمانِ فإذا عقدَ على الإيمانِ قرَّ و ذلك قول الله عزَّوجلَّ : « و من يؤمن بالله يهد قلبه » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: قلب [انسان] در حال اضطراب است . . . تا این که با ایمان و باور پیوند خورد. پس زمانی که بر ایمان پیوند خورد، قرار و ثبات می یابد و این سخن خدای عزوجل است: و من يؤمن بالله يهد قلبه».

27- اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 126 - 10,3,2

2 - نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله الله الا بشري لكم و لتطمئن قلوبكم به

3 - دل آدمی ، کانون آرامش و اطمینان

و لتطمئن قلوبكم به

10 - تحقق اطمینان قلب ، با امداد های الهی

و لتطمئن قلوبكم به و ما التصر الا من عند الله العزيز الحكيم

ص: 119

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 8

8 - تنها دل های محکم و مطمئن ، قادر بر انجام کار های سخت و مخاطره آمیز

این کادت لتبدی به لولا آن ربطنا علی قلبها

اقدام مادر موسی به انداختن فرزند خویش در آب نیل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 11

11 - قلب ، کانون ایمان و آرامش خاطر

لیطمئن قلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 10

10 - اطمینان قلب مرتبه ای بالاتر از مرحله ایمان

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان ... تطمئن قلوبنا

28- اطمینان قلب علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 1

1 - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند ، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ الله ما یلقى الشیطن ... و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمیر در «أنّه الحق» به قرآن باز می گردد که در آیه 52 از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. «إخبات» (مصدر «تخبت») مشتق از «خَبْتُ» است. «خَبْتُ» به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. «قلب مخبت»؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله «فینسخ الله ما یلقى الشیطن...» است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات

وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

29- اطمینان قلب مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 9

ص: 120

9- راسخ شدن ایمان مادر موسی، هدف الهی در محکم ساختن دل وی و اطمینان بخشیدن به وی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

30- اطمینان قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 28 - 1

1- آنان که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد، از کسانی اند که خداوند آنها را به سوی خویش هدایت کرده است.

و یهدی إلیه من أناب. الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله

31- اعتدال قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 17

17 - اعتدال و سلامت قلب و اندیشه، زمینه فهم صحیح قرآن

فأما الذین فی قلوبهم زیغ... و ابتغاء تأویله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می‌شود؛ بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

32- القای قرآن بر قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 12 - 2

2- خداوند، قرآن کریم را در دل مجرمان هدایت‌ناپذیر القا می‌کند و آنان را با قرآن آشنا می‌سازد.

کذلک نسلک فی قلوب المجرمین

33- القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 13 - 2

2- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

ص: 121

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «لایؤمنون به» جمله حالیه برای «المجرمین» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 12 - 1

1- خداوند، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه راه داد و به آنان شناساند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر «نسلکه»، «الذکر» و الف و لام «المجرمین» عهد ذکری باشد که اشاره به «الذین کفروا» در آیات قبل می کند.

34- اهمیت پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 6

6 - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلا من أتى الله بقلب سليم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

35- اهمیت حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 28

28- زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب و از میان بردن زمینه های غفلت از آن ، لازم است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 4

4- لزوم روی آوری خالصانه به خدا و انقطاع کامل از غیر او به هنگام حضور در مساجد

وأقيموا وجوهكم عند كل مسجد

ص: 122

36- اهمیت سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 6

6 - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلا من أتى الله بقلب سليم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 84 - 4,5,6,7

4 - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت «قلب سلیم» اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

5 - نقش قلب سالم و پاک ، در موفقیت رهبران و مبلغان دینی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

6 - پاک سازی قلب و دل ، از هرگونه امراض روحی و اخلاقی ، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به درگاه او

إذ جاء ربّه بقلب سليم

7 - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

وإنّ من شيعته لإبرهيم . إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

37- اهمیت طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 28

28 - حفظ طهارت قلب ، امری لازم و بایسته است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

ص: 123

38- اهمیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 151 - 6

6 - قلب ، جایگاه شکل گیری حالات روحی و روانی آدمی

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 4

4- شنوایی ، بینایی و قلب (مرکز ادراک) مهم ترین ابزار شناخت

و الله أخرجكم . . . لاتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

39- اهمیت محافظت از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففين - 83 - 15 - 3

3- لزوم مراقبت از قلب و پرهیز از چرکین ساختن آن با گناه

ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون . كلاً

40- ایمان ختم قلب شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 16

16 - دل مهر خوردگان ، تنها هنگامی که با عذاب دردناک الهی رویاروی شوند ، به خود آمده و ایمان خواهند آورد .

و اشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

41- بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - امکان دارد که نوعی بیماری معنوی ، بر قلب انسان عارض شود .

والذین فی قلوبهم مرض

مراد از «مرض» بیماری جسمی و فیزیکی نیست و به قرینه مقام، بیمار دلی است که باعث می شود شخص بیمار دل، اقدام به

ص: 124

کارهایی خلاف اعتدال بکنند.

42- بیماری قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 4

4 - شرک ، نوعی از بیماری های قلبی است .

إذ جاء ربّه بقلب سليم . إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

43- بیماری قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 1,4,9

1 - دل و اندیشه منافقان ، مبتلا به مرضی سخت

فی قلوبهم مرض

سخت بودن بیماری از نکره آمدن «مرض» استفاده شده است.

4 - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماری دل و اندیشه ، در خویشان

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله «فی قلوبهم مرض» (در قلب منافقان بیماری است) و «فزادهم الله مرضاً» (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد) به دست می آید؛ زیرا در جمله دوم خداوند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد؛ یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

9 - دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً . .. بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که «بما كانوا ..» علاوه بر تعلقش به «لهم عذاب الیم»، متعلق به «فزادهم ...» نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 10,7

7- فسادگری و نصیحت ناپذیری منافقان ، برخاسته از بیمار دلی آنان است .

فی قلوبهم مرض . . . و إذا قیل لهم لا تقسدا فی الأرض

10- فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماری دل و اندیشه آنان

فزادهم الله مرضاً . . بما كانوا یكذبون. و إذا قیل لهم لا تقسدا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: 1- «إذا قیل . . .» عطف بر «یکذبون» باشد. 2- «بما كانوا یكذبون» علاوه بر تعلقش به «ولهم عذاب الیم» - متعلق به «فزادهم الله» نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: «فزادهم الله مرضاً . . بما كانوا اذا قیل لهم

ص: 125

... لهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 12 - 5

5- بیمار دلی منافقان ، مانع از درک فسادگری خویش

فی قلوبهم مرض . . . ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 4

4- بیمار دلی اهل نفاق ، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است .

فی قلوبهم مرض . . . قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 2

2 - منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذين فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 2

2 - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

44- بیماری قلب منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 1

1 - منافقان صدر اسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفی قلوبهم مرض

همزه در «أفی» برای استفهام است؛ ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

45- بیماری قلب منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 126

2 - منافقان مدینه ، شخصیت هایی با قلب های بیمار بودند .

و إذ يقول المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض

«و الذین فی قلوبهم مرض» می تواند عطف تفسیری از «المنافقون» باشد. در این صورت، معنای یاد شده به دست می آید.

46- پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 164 - 9

9 - طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانش کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم آیته و یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدم ذکر «تزکیه» بر «تعلیم کتاب»، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

47- پاکی قلب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 1,5

1 - خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

«غل» به معنای کینه است.

5 - وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

48- پریشی از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- چشم، گوش و قلب در قیامت، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت.

إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا - چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد - مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

ص: 127

11- « عن الحسن بن هارون قال : قال لي أبو عبد الله (ع) : « إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً » قال : يسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إليه و الفؤاد عمّا عقد عليه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: [مراد از آیه] «إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئولاً» [این است که گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود].

49- تشبیه قلب غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 17 - 2

2- دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها

50- تشبیه قلب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 17 - 2

2- دل های غافل از یاد خداوند و بیگانه با کلام او (قرآن) ، چونان زمین مرده است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها

51- تنوع ادراک قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 13

13- دریافت های ادراکی انسان ، از طریق گوش ، تنها به یک کیفیت است ، ولی از طریق چشم و قلب ، متنوع است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

مفرد آورده شدن «سمع» و جمع آورده شدن «أبصار» و «أفئدة» شاید به خاطر این واقعیت خارجی باشد که انسان از طریق گوش، تنها صدرا را می شنود در حالی که از طریق چشم، رنگ ها، جسم ها، سکون و حرکت و .. و نیز از طریق قلب، دریافت های گوناگونی دارد.

52- توطئه قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 128

2 - شتاب زدگی بیمار دلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق «یسرعون فیهم» - به قرینه آیه قبل - به معنای «یسارعون فی تولیهم» گرفته شده است.

53- حاکم قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 13

13 - دل های مردمان ، در اختیار خداوند است و او دل ها را رؤوف و مهربان می گرداند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 2 - 15

15 - قلب ها ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

وقذف فی قلوبهم الرعب

54- حاکمیت بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 63 - 14

14 - حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لکن الله ألفت بینهم إنه عزیز حکیم

55- حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 57 - 10

10- خداوند، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی، بر دل هایشان، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان، سنگینی، می افکند.

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

«آکنه» جمع «کنان» به معنای «پرده و پوشش» است. «وَقْر» به معنای «سنگینی» است. سنگینی در گوش، کنایه از دل

ص: 129

ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر «یفقهوه» به «آیات» بازمی‌گردد که چون مراد از «آیات»، واژه «قرآن» است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از «أن یفقهوه»، «لئلا یفقهوه» و یا «کراهه أن یفقهوه» است.

56- حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 101 - 2

2- محبوب بودن دل از یاد خدا، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 63 - 3

3 - قلب های کافران، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

57- حضور قلب در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 8

8 - احساس حضور در پیشگاه خداوند از آداب عبادت است .

ایاک نعبد

از جمله نکته های الثفات از غیبت به خطاب در سوره حمد، بیان ادب عبادت و دعاست؛ یعنی، شایسته است انسان به هنگام پرستش و دعا احساس کند که در پیشگاه خداوند حاضر است.

58- حضور قلب در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 8,9

8 - بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه . . . حتی تعلموا ما تقولون

جمله «حتی تعلموا . . .» بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

9- برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

ص: 130

حتى تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

59- خالق قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 10

10 - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

60- ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 100 - 7

7 - مهر شدن قلب ها و از دست دادن توان درک معارف دین ، از کیفر های الهی است .

و نطیع علی قلوبهم فهم لا یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 2

2 - خداوند ، بر قلب کسانی که به هنگام مواجهه با آیات الهی ، از روی لجابت ، آنها را عاری از حقیقت اعلام می کنند ، مهر می زند .

و لئن جنتهم بأیه ليقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون . کذلک یطیع اللّهُ

61- ختم قلب اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دعای خود ، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند ، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند .

ربنا . . . و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«شدت» به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون «اشدد» با «علی» استعمال شده در آن معنای

ص: 131

«طبع» و «ختم» تضمین و اشراب شده است.

62- ختم قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 3

3 - خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم وجعلنا قلوبهم قسية

63- ختم قلب جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 4

4 - بر قلب بی خبران از روز معاد ، مهر خورده و غیر قابل نفوذ است .

فهذا يوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون.. کذلک یطیع اللہ علی قلوب الذین لایعمل

احتمال دارد که مراد از «الذین لایعلمون» به قرینه آیه پنجاه و ششم، بی خبران از معاد و قیامت باشد.

64- ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 80 - 1

1 - تأثیر ناپذیری برخی از انسان ها در برابر پیام انبیا ، علی رغم روشنی و اصالت آن

إنک علی الحقّ المبین . إنک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه فوق بدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی - آن هم حقی بس روشن و انکار ناپذیر - اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنانت در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 24 - 6

6- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که «أم» به معنای «بل» و برای اضراب انتقالی باشد.

ص: 132

65- ختم قلب دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 108 - 1,4

1- خداوند، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است.

استحبّوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

4- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق)، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

66- ختم قلب فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دعای خود، برای اینکه فرعون و اطرافیانش موفق به ایمان نشوند، از خداوند درخواست کرد دل های آنان را سخت گردانیده و بر آن مهر بزند.

ربنا .. و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

«شدت» به معنای صلابت و سخت شدن است و نقیض نرمی می باشد و چون «اشدد» با «علی» استعمال شده در آن معنای «طبع» و «ختم» تضمین و اشراط شده است.

67- ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 3

3 - خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی آذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 3

3 - نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیة عند الله . . . وقلب ... وکذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: «نقلب أفئدتهم» و «ما كانوا لیؤمنوا» و «لکل نبی عدوا». لذا اگر مراد

ص: 133

از «کلمت»، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 100 - 6

6 - گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

آن لو نشاء أصبهنم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله «نطبع علی قلوبهم» عطف بر جمله «أصبهنم» است و فعل ماضی «أصبنا» به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف «لو» در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 10

10 - خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 108 - 1

1- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا . . . الكفرین . أولئك الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 22 - 7

7 - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

8- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر «طبع الله على قلوبهم» به عنوان علت «یستمع إلیک . . . قالوا ... ماذا قال آنفاً» یاد شده باشد - و نه معلول آن - برداشت بالا استفاده می شود.

68- ختم قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 100 - 6

6 - گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

آن لو نشاء أصبْنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله «نطبع علی قلوبهم» عطف بر جمله «أصبْنهم» است و فعل ماضی «أصبنا» به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف «لو» در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 200 - 3,4

3 - قلب مجرمان ، محروم از درک حقایق قرآن

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

4 - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف «المجرمین»، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، «سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان».

69- ختم قلب متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 10

10 - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوزگری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله علی كل قلب متكبر جبار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، «جبار» گویند. (قاموس المحيط).

70- ختم قلب متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 4

4 - منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر ، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

ص: 135

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 93 - 7

7 - جهادگريزان ذلت پذير ، داراي قلب هاي مهر شده و مسدود

رضوا بأن يكونوا مع الخوالم و طبع الله على قلوبهم

71- ختم قلب متكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 10

10 - خداوند ، بر قلب هر متكبر تجاوزگري ، مهر مي زند و او را از فهم درست حقايق الهي محروم مي سازد .

كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار

به هر متجاوزي كه از قانون بگذرد، «جبار» گویند. (قاموس المحيط).

72- ختم قلب مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 108 - 1

1- خداوند ، قلب و قواي شنوايي و بينايي كافران دنياگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درك حقايق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحيوه الدنيا .. الكفرين . أولئك الذين طبع الله على قلوبهم ... و أ

73- ختم قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 6

6 - برخي مشرکان با ديدن هر گونه معجزه و آيت الهي ايمان نخواهند آورد.

و إن يروا كل آية لا يؤمنوا بها

74- ختم قلب مكذبان آخرت

1- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن

ص: 136

نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره . . . و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

75- ختم قلب مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 10

10 - خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع الله علی قلوب الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 74 - 8,6

6 - اقوام تکذیب کننده پیامبران ، به خاطر مهر شدن دلهایشان و با وجود معجزات و براهین روشن ، توانایی پذیرش آنان را نداشتند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به «فما کانوا لیؤمنوا» به جای «فما آمنوا بما کذبوا به» بیانگر وجود نوعی مانع است که آنان را از ایمان آوردن باز می داشت. در جمله بعد، از آن مانع تعبیر به «طبع قلوب» شده است.

8 - خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

76- ختم قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 7 - 4,2,1

1 - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

«ختم» به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و «علی سمعهم» می تواند عطف بر «علی قلوبهم» باشد و نیز می تواند خبر برای «غشاوه» باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

2- بر گوش و چشم منکران آن، حجایی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین، ناتوان ساخته است.

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ص: 137

«غشاه» به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق «علی سمعهم» خبر برای «غشاه» گرفته شده است.

4- مؤثر نبودن انذار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کافران منکر قرآن، ناشی از مسدود بودن ابزار درک و فهم ایشان است.

سواء علیهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون. ختم الله علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 5 - 2

2- تصریح منکران قرآن، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

وقالوا قلوبنا فی أکنه... و فی ءاذاننا وقر

77- ختم قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 87 - 4

4- منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 127 - 9

9- حق ناپذیری قلب منافقان، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 9

9- منافقان، بر اثر مُهر شدن دل هایشان از درک معارف دین ناتوان اند.

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

78- ختم قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 6,7

6 - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفرهم فقليلًا

ص: 138

چنانچه گذشت «بل» نفی معنایی است که از «قلوبنا غلف» استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه «بل» معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله «لعنهم الله...» بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

7- یهودیان کافر، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان، معذور نیستند.

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 155 - 19, 20, 11, 12

11 - کفر یهود، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت.

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

12 - دل های یهود، دارای حجابی جلوگیری از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

19 - کفرورزی یهود، مایه تقدیر الهی، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

20 - دل های مهر خورده و در حجاب لجاج فرو رفته یهود، مانع گرایش آنان به اسلام

بل طبع الله علیها بکفرهم فلا يؤمنون إلا قليلا

79- خشیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 14

14 - دل و قلب آدمی، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید.

وإن منها لما يهبط من خشية الله

80- خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئك هم المؤمنون حقا

ص: 139

81- رقت قلب علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 4

4- اهل دانش و معرفت ، برخوردار از دلی سالم و قلبی نرم

ليجعل ... للذين في قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم ... و ليعلم الذين أوتوا العلم

82- رقت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 10

10 - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسيه قلوبهم

«من» در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن - به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم ..) - جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: «أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه». بنابراین می توان گفت: آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

83- رگهای قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 5

5- خداوند ، نزدیک تر از رگ های قلب ، به انسان

و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

«ورید» ممکن است به معنای رگ هایی باشد که خون را به قلب می رساند.

84- زمینه ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 10

10 - فسادگری منافقان ، زمینه ساز افزایش بیماری دل و اندیشه آنان

فزادهم الله مرضاً . . بما كانوا يكذبون. و إذا قيل لهم لا تفسدوا

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: 1- «إذا قيل . .» عطف بر «يكذبون» باشد. 2- «بما كانوا يكذبون» علاوه بر تعلقش به «و لهم عذاب أليم» - متعلق به «فزادهم الله» نیز باشد. بر این مبنا جمله چنین می شود: «فزادهم الله مرضاً . . بما كانوا اذا قيل لهم

ص: 140

... لهم».

85- زمینه اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 23 - 4

4 - نیکوکاری ، مایه رفع نگرانی و آسودگی خاطر در آخرت است .

علی الأرائک ينظرون

86- زمینه ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 100 - 9

9 - از دست دادن نیروی درک معارف و حقایق بیان شده از سوی سفیران الهی ، پیامدی برای مهرشدن قلبهاست .

و نطیع علی قلوبهم فهم لا یسمعون

برداشت فوق از «فاء» تفریح استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 5

5 - عملکرد نادرست و تخلف از فرمان های الهی ، زمینه ساز مهر شدن قلب انسان و دست نیافتن وی به درک عمیق حقایق

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 93 - 8,9

8 - گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع الله علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

9- مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 25 - 9

9- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

ص: 141

أم علی قلوب أفعالها .. الشیطن سؤل لهم و أملی لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که «إنّ الذین ارتدّوا..» در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم علی قلوب أفعالها). در این صورت وسوسه ها و آمال شیطانی منطبق بر «أفعالها» می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 5

5 - کفر و ارتداد ، زمینه ساز مُهر شدن دل است .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع علی قلوبهم

87- زمینه ختم قلب منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 6

6 - دل های منافقان ، بر اثر کفر و ارتداد مُهر شد .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع علی قلوبهم

88- زمینه زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 14 - 6

6 - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از «ما کانوا یکسبون»، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

89- زمینه سلامت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 6

6- علم ، مايه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بيماردلى

ليجعل .. . فتنه للذين فى قلوبهم مرض ... و ليعلم الذين أُوتوا العلم أنه الحق من

ص: 142

90- زمینه سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 14 - 9

9- طغیان گری و گناه ، سیاه کننده قلب و مسدودسازنده راه درک و اعتقاد است .

كلّ معتد أئيم . . . بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون

91- زمینه قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 9

9- استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

وانهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... تقيض من الدمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 11

11- ثروت فراوان و نخوت آفرین ، زمینه ساز سنگ دلی و بی رحمی است .

إذ قال له قومه لاتفرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 4

4- ترک رهنمود ها و قوانین الهی ، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه «تفسدوا»، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود؛ بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله «تقطّعوا أرحامکم» بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

92- زمینه قساوت قلب اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 21

21 - فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به قساوت قلب

فطال علیهم الأمد فقسست قلوبهم و کثیر منهم فسقون

ص: 143

93- زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 15 - 6

6 - قلب های تیره کافران، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او، ناتوان خواهند بود. *

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از «ربّ» - چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید - ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

94- زنگار قلب مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 14 - 4

4 - قلب منکران قرآن، زنگار گرفته و چرکین است و از درک مفاهیم آن ناتوان می باشد.

كَلَّا بَل رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم

«رَيْن» (مصدر «ران») به معنای زنگار و چرک است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 15 - 4

4 - قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد.

رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . كَلَّا إِنَّهُمْ ... محجوبون

جمله بعد از «كَلَّا»، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران مطرح کرده بود.

95- زنگار قلب مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 15 - 4

4- قلب تکذیب کنندگان قرآن و قیامت ، هرگز از آلودگی های گناه پاک نخواهد شد .

ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون . کلاً إنهم ... محجوبون

جمله بعد از «کلاً»، قرینه است بر این که آیه شریفه درصدد بیان تداوم یافتن نکته ای است که آیه قبل درباره قلب تکذیب گران

ص: 144

مطرح کرده بود.

96- سرزنش قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 8

8 - ترغیب به خوش خلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

97- سرزنش قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 18

18 - تخطئه پندار بیمار دلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَّ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

98- سلامتی قلب ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 84 - 1,2,3

1 - ابراهیم (ع) ، با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگار بار می یافت .

لِإِبْرَاهِيمَ . إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

2 - ابراهیم (ع) ، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت ها و امراض روحی ، اخلاقی و شخصیتی

إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

«سلیم» صفت مشبیه و مشتق از «سلامت» (پاکی از امراض دردها و آفت ها) است. توصیف قلب به «سلیم» بودن، اشاره به انواع امراض و آفت های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

3 - برخورداری از قلب سلیم ، برجسته ترین صفت ابراهیم (ع)

إذ جاء ربّه بقلب سليم

99- سلامتى قلب پيروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 145

7- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

وإن من شیعتہ لإبرہیم . إذ جاء ربّہ بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

100- سیاهی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 18

18 - عن أبي عبد الله(ع) قال: إن الله عز وجل إذا أراد بعبد خيرا نكت في قلبه نكته من نور وفتح مسامع قلبه و كل به ملكا يسدده و إذا أراد بعبد سوءا نكت في قلبه نكته سوداء و سد مسامع قلبه و وكل به شيطانا يضلّه ثم تلا هذه الآية: «فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضلّه یجعل صدره ضيقا حرجا».

امام صادق(ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بنخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشهای دلش را باز می گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بنخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشهای دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق(ع) آیه «فمن یرد الله ...» را تلاوت فرمود.

101- شرایط پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 37

37 - پاکی جان ها و دل ها از آلودگی در گرو توفیق الهی

أولئك الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

102- شفای قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 14 - 8

8- مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفاعت سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

يعذبهم الله بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم و يشف صدور قوم مؤمنين

ص: 146

103- صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 5

5 - وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اقسموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

104- طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 29

29 - اجتناب از مطالبه کردن چیزی از همسران پیامبر ، به صورت رو در رو ، به خاطر حفظ طهارت قلب مؤمنان و همسران پیامبر است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

105- ظلم قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 4

4 - سنگدلی و تضرع نکردن به درگاه خداوند، حتی در دشواریها، ظلم است.

فلولا... تضرعوا و لکن قست قلوبهم... فقطع دابر القوم الذین ظلموا

در آیه شریفه هدف از آمدن سختیها را تضرع و روی آوردن به خدا دانسته، و به دنبال آن گروهی را معرفی کرده که حتی در شدت و سختی منفعل نمی شوند، و سرانجام از این گروه با عنوان «ظالمان» یاد کرده است، بنابراین سنگدلی و تضرع نکردن آنان ظلم است.

106- عوامل ازدیاد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 9

9 - دروغ گویی مداوم منافقان ، موجب افزایش بیماری در دل و جان آنان

فزادهم الله مرضاً. .. بما كانوا يكذبون

برداشت فوق مبتنی بر این است که «بما كانوا ..» علاوه بر تعلقش به «لهم عذاب الیم»، متعلق به «فزادهم ...» نیز باشد.

ص: 147

107- عوامل اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 17

17 - عن أبي جعفر (ع): إن القلب ينقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم يصب الحق فاذا اصاب الحق قرء ... وقرء هذه الآية «فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام ...».

از امام باقر (ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه «فمن يرد الله ...» را تلاوت کرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 13

13 - خداوند به دلیل آگاهی بر عوامل اطمینان بخش قلب ها و علمش به زمینه های سستی آفرین ، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) اندک نمایان ساخت .

و لكن الله سلم إنه عليهم بذات الصدور

108- عوامل بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 10 - 4

4 - منافقان ، خود موجب پیدایش بیماری دل و اندیشه ، در خویشتن

فی قلوبهم مرض

برداشت فوق از مقایسه دو جمله «فی قلوبهم مرض» (در قلب منافقان بیماری است) و «فزادهم الله مرضاً» (پس خداوند بیماری آنان را افزون کرد) به دست می آید؛ زیرا در جمله دوم خداوند را افزایش دهنده بیماری می داند، ولی در جمله نخست بیمار شدن قلب منافقان را به خداوند نسبت نمی دهد؛ یعنی اصل پیدایش مرض را از خود آنان می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 12

12 - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از سیستم عادی خارج کرده و او را غیر

متعادل سازد .

إذ جاءوكم .. وبلغت القلوب الحناجر

ص: 148

109- عوامل حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 6

6 - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلاً

چنانچه گذشت «بل» نفی معنایی است که از «قلوبنا غلف» استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه «بل» معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله «لعنهم الله ...» بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

110- عوامل ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 18

18 - لجاجت و ناباوری ، عامل بسته شدن قلب انسان ، بر شناخت معارف الهی و تأثیر پذیری از هدایتهاست .

قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 3,2

2 - اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

«اصرار» و «حق ستیزی» از جملات دیگر آیه، مانند «كل ءایه . . .» و «یجادلونك ...»، استفاده شده است.

3 - خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی ، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است .

فما کانوا لیؤمنوا .. کذلک نطیع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 45 - 8

8- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به

ص: 149

آخرت است .

بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجاً مستوراً

تعبیر «الذين لا يؤمنون بالآخرة» - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای «الكافرين» می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 3

3 - خداوند ، بر قلب کسانی که تصمیم به باقی ماندن در نادانی و جهل گرفته اند ، مهر می زند .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

این که مراد از «الذين لا يعلمون» چه کسانی اند، دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه آیه پیش، این است که مراد، کافران اند. دیگر این که آیه، معنای عام دارد و شامل همه کسانی که خود می خواهند در جهل و نادانی باقی بمانند، می شود. لازم به ذکر است که چون، قطعاً سنت خداوند، چنین نیست که بر قلب هر ناآگاه و نادانی مهر بزند، مراد از «الذين لا يعلمون» کسانی اند که خود اصرار بر باقی ماندن در جهل و نادانی دارند، چنان که مفسران نیز بر این معنا تصریح کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 3

3 - دل مبتلا به لهو و باطل ، از آیات الهی هیچ تأثیری نمی پذیرد .

من يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ . . . وَإِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتِنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

از این که آیه گفته است برخی از مردم، در پی خرید حدیث لهنود، استفاده می شود که آنان، دل در گرو لهو دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 16 - 12

12 - قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحیات منفی او ، عامل جمود آن

طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم

از تعبیر «طبع الله على قلوبهم» استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است؛ ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

20 - مظفین - 83 - 14 - 12

12 - « عن أبي جعفر (ع) قال : [قال] ما من عبد إلا وفي قلبه نكته بيضاء فإذا أذنب ذنباً خرج في النكته نكته سوداء فإن تاب ذهب ذلك السواد فإن تمادى في الذنوب زاد ذلك السواد حتى يُغَطِّي البياض فإذا [ت-] غَطَّى البياض لم يرجع صاحبه إلى خير أبداً وهو قول الله عزوجلّ : « كلاً بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون » ;

ص: 150

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هیچ بنده ای نیست جز این که در قلبش نقطه سفیدی است، هرگاه گناهی مرتکب شود، در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می آید، پس اگر توبه کند آن سیاهی از بین می رود و اگر گناهان را ادامه دهد، آن سیاهی افزون می گردد تا تمام سفیدی قلب را فرامی گیرد و هنگامی که سفیدی قلب به سیاهی پوشیده شد، صاحب آن قلب هرگز به سوی نیکی بر نمی گردد و این سخن خدای عزوجل است که فرمود: کلاً بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون».

112- عوامل شفای قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 14 - 8

8 - مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام، شفاعت سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعدبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

113- عوامل قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 3

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل، نتیجه لجاجت ها، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود.

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 6، 13

6 - سنگدلی، از پیامد های لعن الهی *

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

تقدیم لعن بر قساوت، می تواند اشاره به تأثیر لعنت در قساوت قلب داشته باشد.

13 - قساوت قلب و نفهمیدن حق، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد، عذر نیست.

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد

مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 6

6 - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیمار دلی

ليجعل . . . فتنه للذين في قلوبهم مرض . . . وليعلم الذين أُوتوا العلم أنه الحقّ من

ص: 151

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 2 - 16

16- گناه ، مایه تیرگی قلب و رخت بستن صلاح از فکر و اندیشه انسان *

كُفِّرْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلِحْ بِالْهِمِّ

میان سیئات و عدم صلاح قلب، می تواند رابطه علی و سببی باشد. از تقدم سیئات استفاده می شود که عامل فساد فکر و اندیشه، گناهان است و با زدایش گناهان، اندیشه صلاح می یابد. این احتمال مبتنی است بر این که «بال» به معنای قلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 16 - 11

11- هواپرستی ، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبِعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

جمله «وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» می تواند بیانگر علت «طبع الله...» باشد؛ چه این که «طبع الله» می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 22, 16

16 - بی تفاوتی در برابر تذکارها و رهنمودهای قرآن در دراز مدت ، باعث قساوت قلب خواهد شد .

و لا یكونوا کالذین . . . فطال علیهم الأمد فقسست قلوبهم

خداوند، مسلمانان را از پیش گرفتن شیوه یهود و نصارا در مورد کتاب های آسمانی خود بر حذر داشته و تذکر می دهد که آنان با این کار به مرور زمان گرفتار قساوت قلب شدند؛ بنابراین مسلمانان نیز در خطر گرفتار شدن به آن خواهند شد.

22 - « عن أبي بصير عن أبي جعفر (ع) قال : لم يزل بنو إسماعيل ولاة البيت [و] يقيمون للناس حجهم و أمر دينهم . . . » فطال عليهم الأمد فقسست قلوبهم « و أفسدوا و أحدثوا في دينهم . . . » ;

ابوبصیر از امام باقر(ع) روایت نموده که فرزندان اسماعیل(ع) - بزرگی بعد از بزرگی دیگر - متولیان خانه خدا بودند و حج و امور دینی مردم را برپا می داشتند. . . پس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب های آنان قساوت پیدا کرد و به فساد آلوده شدند و در دینشان دست بردند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 3

3 - قلب های تأثیرناپذیر از آیات قرآن ، سخت تر و بی اساس از سنگ های کوه

لو أنزلنا هذا القرآن .. متصدعاً من خشية الله

ص: 152

114- عوامل قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 19

19 - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

115- عوامل قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 19

19 - قساوت قلب و سنگدلی یهود و نصارا، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان در برابر تعالیم و رهنمود های کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل)

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الأمد فقست قلوبهم

116- عوامل مؤثر در قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 2 - 4، 2

2 - یاد خدا از سوی هر کس ، دارای تأثیری عمیق در قلب و روح مؤمنان

إذا ذکر الله وجلت قلوبهم

مجهول آوردن فعل «ذکر» دلالت می کند که یاد خدا از سوی هر کسی که باشد آن اثر شگرف را برای مؤمنان واقعی در پی دارد.

4 - دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذکر الله وجلت قلوبهم وإذا تلیت علیهم آیتة زادتهم إیمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 4 - 1

1 - خشیت قلب از یاد خدا، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن، نشان ایمان حقیقی

أولئك هم المؤمنون حقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 2، 1

1 - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ص: 153

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله

«خشوع» در مقابل «قساوت» (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب] است.

2- تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم . . . و ما نزل من الحقّ

مقصود از «ما نزل من الحقّ» قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 4 - 6

6 - تأثیر رفتار انسان ها در قلب و روح آنان

فقد صغت قلوبكما

117- عوامل نورانیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 17 - 1

1 - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن)، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله . . . و اعلموا أنّ الله يحيى الأرض

جمله «اعلموا أنّ الله . . .» تعلیل برای جمله «ألم یأن... لذكر الله» است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند؛ یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 28 - 9

9 - ایمان و تقوا، سبب می شود که خداوند، در درون انسان نوری قرار دهد که با آن بتواند راه درست را تشخیص داده و مسیر زندگی را سالم طی کند .

و يجعل لكم نورًا تمشون به

جمله «يجعل لكم..» (نظير جمله پيشين) جواب برای شرط مقدر است. تقدير آن چنین می شود: «إِن تَتَّقُوا وَتُؤْمِنُوا بِرَسُولِهِ يُجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ».

118- عهد شکنی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 10

ص: 154

10 - نقض پیمان و شکستن سوگند ، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اهولاء الذین اقساموا بالله جهد ایمنهم

119- فلسفه اطمینان قلب مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 3

3- اقدام خداوند به محکم ساختن دل مادر موسی ، به منظور پیش گیری از فاش شدن راز نوزادش توسط خود وی

إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

«ربط» (مصدر «ربطنا») به معنای بستن و محکم کردن است.

120- فواید قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 7 - 3

3- قلب (دل و اندیشه) ، گوش و چشم از ابزار شناخت

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 6

6- قوای شنوایی و بینایی و قلب ، ابزار شناخت است .

ولا تقف . . . إن السمع و البصر و الفؤاد

121- قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 159 - 9

9- گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من اللّٰه لنت لهم ولو كنت فظًا غليظ القلب لانفضّوا من حولك

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 5

ص: 155

5- لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

122- قساوت قلب اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 6 - 2

2- اصحاب اخدود، از سوختن مؤمنان هیچ اضطرابی در خود احساس نکرده، خاطری آرام داشتند.

إذ هم علیها قعود

نشستن هنگام تماشای سوختن مؤمنان، نشانگر آن است که برای تماشاگران، این حادثه اهمیت چندانی نداشت و آنان را برآشفته نمی ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 7 - 4

4- اصحاب اخدود، مردمی سنگدل و بی عاطفه بودند.

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

حضور اصحاب اخدود در مراسم آدم سوزی برای شهود و نظاره آن صحنه، گویای قساوت قلب و بی رحمی آنان است.

123- قساوت قلب اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 10 - 1

1 - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام، به گونه ای بودند که انذار و اخطار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند.

لقد حقّ القول علی اکثرهم... و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

124- قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بیشتر سران شرک و کفر در صدر اسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

ص: 156

لقد حقّ القول على أكثرهم... و سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لايؤمنون

125- قساوت قلب بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 1,2,3,4,5,6,7

1 - قلب های بنی اسرائیل - علی رغم دریافت آیات و معجزه های فراوان - به سختی گرایید و از درک معارف و آیات الهی ناتوان شد .

لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلك

«قساوه» (مصدر قست) به معنای غلظت پیدا کردن و سخت شدن است. جمله «لعلکم تعقلون» بیان می دارد که: سخت شدن دل‌های بنی اسرائیل در برابر فهم و درک آیات و معارف الهی است. «ذلك» اشاره به نعمتها و معجزاتی است که خداوند به بنی اسرائیل ارائه کرد و در آیات پیشین مطرح شد.

2 - قلب ها و دل های بنی اسرائیل در سختی و نفوذناپذیری همانند سنگ و از آن سخت تر شد .

فهی كالحجاره أو أشد قسوه

«حجاره» جمع حجر و به معنای سنگها و صخره هاست.

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبکم

4 - قلب های بنی اسرائیل با سخت شدن ، از تراوش کمترین معرفتی ناتوان شد .

ثم قست قلوبکم .. فهی كالحجاره أو أشد قسوه و إن من الحجارة

به مقتضای ارتباط «ثم قست ..» با جمله «یریکم آیاته لعلکم تعقلون» سختی دل به نپذیرفتن معارف القاشده به آن، تفسیر شد و به مقتضای جمله «إن من الحجارة...» سختی دل به تراوش نکردن معارف و حقایق تفسیر می شود؛ یعنی، قلب قسی نه از خارج متأثر می شود و نه از درون تراوشی دارد.

5 - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه و إن من الحجارة لما یتفجر منه الأنهر

«تفجر» (مصدر یتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله «إن من الحجارة» به منزله دلیل برای «أشد قسوه» می باشد. «لما» مرکب از لام تأکید و «ما»ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین «إن من الحجارة لما...»؛

یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که

6- شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

وإن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

«تَشَقَّقُ» (مصدر يشقق = يشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که «شق» به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

7- سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

وإن منها لما يهبط من خشية الله

«من» در «من خشية الله» تعلیلیه است. «هبوط» (مصدر يهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله «إن منها

ص: 157

...»؛ یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 75 - 4

4 - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم ... أفتطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف «فاء» در «أفتطمعون» قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 12، 4

4 - گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم ميثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

12 - سنگدلی بنی اسرائیل، منشأ تحریف تورات

و جعلنا قلوبهم قسیه یحرفون الکلم عن مواضعه

جمله «یحرفون» جمله مفسره و بیانگر آثار قساوت قلب است.

126- قساوت قلب قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 10

10 - قارون، فردی سنگ دل و بی رحم بود.

إذ قال له قومه لاتفرح

از این که قارون علیه ملت و مردم هم نژاد خود دست به ظلم و تجاوز زد، می تواند به سنگ دلی و بی رحمی او پی برد.

127- قساوت قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 3

3 - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . . . للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 158

10 - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

«من» در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن - به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم..)- جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: «أفمن شرح الله صدره للإسلام... كمن قسا قلبه». بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

15 - کافران اسلام گریز ، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله

128- قساوت قلب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 11

11 - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

129- قساوت قلب مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 5

5 - مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صدراسلام ، مردمانی بودند بیمار دل ، قسی القلب و ستم پیشه .

ليجعل ما يلقي الشيطان... وإن الظلمين لفي شقاق بعيد

130- قساوت قلب مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 18

18 - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لا يكونوا كالذين أوتوا الكتب . . . فقسى قلوبهم

ص: 159

131- قساوت قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 8

8 - استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول تری اعينهم تقيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 3

3 - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلک من رسول . . . للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

132- قساوت قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 75 - 4

4 - قساوت و سخت دلی بنی اسرائیل و جامعه یهود، از میان برنده زمینه های ایمان و گرایش به اسلام در آنان

ثم قست قلوبکم . . . أفطمعون أن يؤمنوا لکم

حرف «فاء» در «أفطمعون» قطع امید از ایمان آوردن بنی اسرائیل را نتیجه قساوت قلب ایشان - که در آیه قبل مطرح شد - می شمرد؛ یعنی، با پیدایش قساوت در قلب بنی اسرائیل، جای امیدی به ایمان آوردن آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 83 - 8

8 - استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول تری اعينهم تقيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 18

18 - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . . . فقسست قلوبهم

ص: 160

133- قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 24 - 8،9،10،11

8 - خداوند ، حایل میان انسان و قلب وی

و اعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه

9 - خداوند از قلب انسان به وی نزدیکتر است .

و اعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه

10 - خداوند به قلب انسان از خود انسان نزدیکتر است .

و اعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه

از لوازم اینکه خداوند حایل بین انسان و قلب او باشد، همان است که در برداشت آورده شد.

11 - قلب انسان (اندیشه های او) در اختیار خداست .

و اعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه

چون خداوند حایل بین قلب و انسان است، پس در حقیقت هر اندیشه ای بخواهد وارد قلب شود باید از طریق خدا باشد و این بدین معناست که اندیشه های آدمی در اختیار خداوند است.

134- قلب انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 63 - 11

11 - انسان ها و قلب های ایشان در اختیار خداوند است .

و ألف بين قلوبهم . . . و لكن الله ألف بينهم

135- قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شاهد تلاش آشکار و شتابزده بیمار دلان سست ایمان برای پیوستن به یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

کلمه «فیهم»، می رساند که بیمار دلان علاوه بر طرح دوستی با یهود و نصارا، اراده پیوستن به آنها را در سر می پروراندند.

6 - شتاب بیمار دلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتري الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

ص: 161

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

9- گرایش بی حد و مرز گروهی از مسلمانان بیمار دل به سوی یهود و نصارا ، دلیلی روشن برای محرومیت ستمگران از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

تفریع جمله «فتری» بر جمله «ان الله...»، می رساند که گرایش عمیق بیمار دلان، بیان مصداقی برای جمله «ان الله لا يهدى...» است.

14 - مصلحت اندیشی و ترس از پیشامد های ناگوار ، بهانه بیمار دلان برای دوستی با یهود و نصارا

يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

«دائرة» از مصدر «دوران» (چرخیدن) است ؛ که در برداشت فوق به معنای حادثه های ناگوار گرفته شده ؛ چون چرخش روزگار احیاناً موجب کمبودهایی نظیر قحطی، خشکسالی و دیگر حوادث تلخ می شود.

22 - پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیمار دلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسى الله ان يأتى بالفتح او... فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «ما اسروا فى انفسهم»، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. «فى قلوبهم مرض»، این احتمال را تأیید می کند.

136- قلب جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 6,5

5 - جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم أعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها

6 - بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشان را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لا يفقهون بها

جمله «لهم قلوب» (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله «لا يفقهون بها» توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 2 - 4

4 - دل های بیمناک و لرزان از یاد خدا ، دارای زمینه ای مناسب برای تأثیرپذیری از تلاوت آیات قرآن

إذا ذكر الله وجلت قلوبهم وإذا تليت عليهم آياته زادتهم إيمانا

ص: 162

138- قلب دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 222 - 1

1 - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کل آفاک ائیم

«آفاک» از ریشه «إفک» (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین «آفاک» به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. «ائیم» نیز از ماده «إثم» (گناه) به معنای گنه پیشه است.

139- قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 17، 14

14 - سلامت تفکر و حرکت جامعه ، در گرو سلامت قلبها

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

17 - اعتدال و سلامت قلب و اندیشه ، زمینه فهم صحیح قرآن

فأما الذين في قلوبهم زيغ . . . و ابتغاء تأويله

انحراف قلب، منتهی به تأویل نادرست قرآن می شود؛ بنابراین سلامت قلب، فهم صحیح آیات قرآن را در پی دارد.

140- قلب سلیم علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 4

4 - اهل دانش و معرفت ، برخوردار از دلی سالم و قلبی نرم

ليجعل . . . للذين في قلوبهم مرض و القاسية قلوبهم . . . و ليعلم الذين أوتوا العلم

141- قلب سلیم متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 90 - 2

2 - تقوایشگان ، دارندگان قلب سلیم

ص: 163

من أتى الله بقلب سليم . وأزلفت الجنة للمتقين

142- قلب فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 16

16 - انسان های فاسق ، دارای قلب های منحرف

أزاح الله قلوبهم والله لا يهدي القوم الفسقين

143- قلب كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 38 - 13

13 - دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر و من يكن الشيطان له قريناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 12 - 5

5 - ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 31 - 6

6 - بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

و إذا تتلى عليهم آياتنا قالوا... إن هذا إلا أسطير الأولين

144- قلب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - عن أبي جعفر (ع): إن القلب ينقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم يصب الحق فاذا اصاب الحق قرّ . . . وقرء هذه الآية «فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام ...» .

ص: 164

از امام باقر(ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه «فمن یرد الله ...» را تلاوت کرد

145- قلب گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 222 - 1

1 - قلب هر انسان دروغ پرداز و گنه پیشه ، محل واقعی نزول شیاطین

تنزل علی کلّ آفاک ائیم

«آفاک» از ریشه «إفک» (قلب کردن حقیقت) مشتق شده است. بنابراین «آفاک» به کسی گفته می شود که دروغ پردازی کند. «ائیم» نیز از ماده «إثم» (گناه) به معنای گنه پیشه است.

146- قلب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 2

2 - قلب های مجاهدان بدر تا پیش از بشارت پیروزی ، آکنده از اضطراب و پریشانی بود .

لتطمئن به قلوبکم

واژه اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از اضطراب و پریشانی خاطر است. (مفردات راغب).

147- قلب محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 87 - 6، 2

2- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا . . . إلاّ رحمه من ربّک

6- امتنان خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

ولئن شئنا لنذهبنّ . . . إن فضله کان علیک کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 165

17 - عن أبي جعفر (ع): إن القلب ينقلب من لدن موضعه إلى حنجرته ما لم يصب الحق فاذا اصاب الحق قرء... وقرء هذه الآية «فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام...».

از امام باقر (ع) روایت شده است: قلب انسان تا حق را نیافته است، آنچنان مضطرب است که گویی از جای خود کنده شده و به حنجره رسیده، پس آنگاه که حق را یافت آرامش می یابد. سپس آن حضرت آیه «فمن يرد الله...» را تلاوت کرد... .

149- قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 2 - 2

2 - یاد خدا از سوی هر کس ، دارای تأثیری عمیق در قلب و روح مؤمنان

إذا ذكر الله وجلت قلوبهم

مجهول آوردن فعل «ذکر» دلالت می کند که یاد خدا از سوی هر کسی که باشد آن اثر شگرف را برای مؤمنان واقعی در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 11 - 3

3 - خداوند ، هدایت گر قلب انسان های مؤمن

و من يؤمن بالله يهد قلبه

150- قلب مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 2 - 1

1 - دل مؤمنان راستین ، لرزان و بیمناک به هنگام یاد خدا

إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم

151- قلب نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

ص: 166

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لاتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

152- قلب و فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 12

12 - قلب های منحرف ، منشأ فساد و فتنه هستند .

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

153- قلب های بیمار و صدای طنازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 4

4 - صدای نرم و طنازانه زنان ، موجب طمع قلب های بیمار در آنان است .

فلاتخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

154- قلب یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 14

14 - یهودیان ، مدعی دارا بودن قلب و اندیشه ای نفوذناپذیر در برابر افکار و عقاید نادرست

قالوا قلوبنا غلف

برداشت فوق بر این اساس است که مراد یهودیان از «حجاب داشتن قلبهایشان» متأثر نشدن از سخنان ناصحیح باشد؛ چنانچه هر غلافی مانع از آن است که چیز ناصوابی به آنچه در غلاف است در آید و بدان ضربه زند. گفتنی است که کلمه «بل» در این صورت نفی همین ادعاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - دل های یهودیان - بر خلاف ادعایشان - تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها

ص: 167

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله «قلوبنا غلف» ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

155- کفر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 17

17 - کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتبوا الشَّهاده و من یکتبها فانه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره «فانه اثم قلبه» فرمود: کافر قلبه

من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 35، ح 5؛ نورالثقلین، ج 1، ص 301، ح 1207.

156- گناه قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 12

12 - کتمان شهادت ، گناهی است قلبی .

و من یکتبها فانه اثم قلبه

157- گواهی اخروی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 8

8- شهادت خواهی از چشم ، گوش و قلب در قیامت ، درباره انسان

إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسؤلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که سؤال از گوش، چشم و قلب، حقیقی و در قیامت باشد. بنابراین، منظور از مورد سؤال قرار گرفتن اعضای یاد شده ممکن است برای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 30

ص: 168

30 - قلب آدمی ، محل لغزش است و باید از مقدمات لغزیدن آن ، جلوگیری کرد .

فسلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهنّ

159- محرومیت قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 32

32 - بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم . . . ذلک فضل الله

160- مراتب قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 13

13 - قساوت و سخت دلی ، دارای مراحل و مراتبی مختلف است .

فهی کالحجاره أو أشد قسوه

کلمه «أو» در جمله فوق، می تواند برای تقسیم و تنويع باشد. بر این مبنا جمله «فهی کالحجاره...» دلالت می کند که: برخی از قلبهای قسی همانند سنگ است و برخی سخت تر از سنگ.

161- مراد از اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 106 - 16

16 - « عن أبي عبدالله (ع) قال : . . . ما فرض على القلب من الإيمان فالأقرار والمعرفة . . . وهو قول الله عزّوجلّ « إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان . . . » . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آنچه که از ایمان بر قلب واجب شده، اقرار و معرفت است . . . و این است قول خدای عزّوجلّ « إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان...» . . .

162- مراد از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 37 - 7

ص: 169

7 - « عن هشام بن الحكم قال ، قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) يا هشام . . . إنَّ الله يقول في كتابه « إنَّ في ذلك لذكرى لمن كان له قلب » يعني عقل . . . » ;

هشام بن حکم می گوید: امام کاظم (ع) به من فرمود: ای هشام! خدای تعالی در کتاب خود فرموده «إنَّ في ذلك لذكرى لمن كان له قلب» و مراد [از قلب]، «عقل» است.

163- مراد از قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 7

7 - « عن سفیان بن عیینہ عن أبي عبد الله (ع) قال سألتہ عن قول الله عزوجل « إلا من أتى الله بقلب سليم » قال السليم الذي يلتقي ربّه و ليس فيه أحد سواه . . . » ;

سفیان بن عیینہ گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجل «إلا من أتى الله بقلب سليم» پرسیدم، فرمود: [قلب] سلیم، قلبی است که پروردگارش را ملاقات نماید در حالی که جز خدا هیچ کس در آن نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 84 - 8

8 - « في المجمع « بقلب سليم » من كل ما سوى الله تعالى لم يتعلق بشيء غيره ، عن أبي عبد الله (ع) ;

در «مجمع البيان» آمده است: قلب سلیم قلبی است که سالم از هر چیز غیر از خدای تعالی باشد و به چیزی غیر از او وابسته نباشد و این معنا از امام صادق (ع) روایت شده است.

164- مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 2

2 - قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آية .. لا يؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

«فؤاد» به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 170

6 - مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفندتهم و أبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

166- مسؤول قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 36 - 3

3- انسان، در قبال فعالیت چشم، گوش و قلب خویش، در پیشگاه خداوند مسؤول است.

إن السمع و البصر و الفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً

167- مقهوریت قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 30

30- قلب آدمی و توجهات و غفلت های آن، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است.

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

168- مکان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 10

10 - سینه، جایگاه قلب آدمیان

فتكون لهم قلوب . . . و لكن تعمي القلوب التي في الصدور

169- منشأ اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 11 - 9

9 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ القلبَ لِيُرَجَّجُ . . . حتَّى يَعْقِدَ على الإيمانِ فإذا عقدَ على الإيمانِ قرَّ و ذلك قول الله عزَّوجلَّ : « و من يؤمن بالله يهد قلبه » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: قلب [انسان] در حال اضطراب است . . تا این که با ایمان و باور پیوند خورد. پس زمانی که

ص: 171

بر ایمان پیوند خورد، قرار و ثبات می یابد و این سخن خدای عزوجل است: و من یؤمن باللّه یهد قلبه».

170- منشأ اطمینان قلب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 14 - 1

1- خداوند، در پی قیام و حرکت اصحاب کهف، قلب های آنان را استوار و سرشار از اطمینان ساخت.

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

جمله «ربطنا علی قلوبهم» - (بر قلب هایشان بند زدیم) - تمثیل است و مراد از آن، اطمینان بخشیدن و استوار ساختن قلب ها است.

171- منشأ تسخیر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 8

8 - قلب و دل انسان ها، در تسخیر اراده الهی است.

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 11

11 - قلب انسان ها، در احاطه علم الهی و مسخر اراده او

فعلّم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

نزول آرامش بر قلب مؤمنان، می رساند که قلب ها در برابر اراده الهی، تأثیرپذیر و مسخرند.

172- موارد بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 11

11 - رفتار جنسی خارج از اعتدال، مثل طمعورزی در زنان نامحرم، نوعی بیماری است.

فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

ص: 172

173- موانع پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 41 - 38

38 - پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر .. أولئک الذین لم یرد اللّٰه ان یطهر قلوبهم

174- موانع قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 32 - 6

6 - جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل .. فکانما قتل الناس جمیعاً

175- نشانه های بیماری قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 11 - 8

8 - فسادگری و نصیحت ناپذیری ، از نشانه های بیماری دل و اندیشه است .

فی قلوبهم مرض .. و إذا قیل لهم لا تقسدا فی الأرض قالوا إنما نحن مصلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 52 - 15

15 - گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض .. یقولون نخشی ان تصیینا دائره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 54 - 16,25

16 - تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیمار دلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ؛ است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیمار دلی آنان است.

ص: 173

25- گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . . یجهدون فی سبیل اللّٰه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 11

11 - ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیمار دلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . . . فإن اللّٰه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 3

3 - کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است .

الذین فی قلوبهم مرض . . . رجسهم . . . و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 8

8 - حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل «لایؤمنون» (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و «منکره» به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 7

7- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیمار دلی انسان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیّ علیه من الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- كینه و عداوت نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، نوعی بیمار دلی است .

أم حسب الذين في قلوبهم مرض أن لن يخرج الله أضغثهم

176- نشانه های بیماری قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 13

ص: 174

13 - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناشی از بیمار دلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

177- نشانه های حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 29

29- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي . . . و لاتطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا

178- نشانه های ختم قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 101 - 11

11 - بی تأثیری معجزات و دلایل روشن در قلب ها ، نشان مهرزدگی آن قلبهاست .

فما كانوا ليؤمنوا . . . كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 13

13 - پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و جدال در آیات الهی - باوجود دلایل روشن - نشانه مهر شدن قلب و وجود روح تکبر و تجاوزگری در آدمی

من هو مسرف مرتاب . الذين يجدلون في آيات الله . . . كذلك يطبع الله على كل قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 7

7- دروغ گویی ، استفاده ابزاری از مقدسات و عملکرد های ناپسند ، نشانه های مهر شدن دل است .

ذلك بأنهم ءامنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم

179- نشانه های ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 47 - 6

ص: 175

6- متهم کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سحرشدهگی، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است.

وجعلنا فی قلوبهم اكنه ان يفقهوه و فی اذانهم وقرا و... إذ يقول الظلمون إن

180- نشانه های رقت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 14

14 - یاد خدا، نشانه شرح صدر و نرم دلی و پاکی از قساوت قلب است.

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله

در این آیه از ویژگی های سنگدلان، غفلت و دوری از یاد خدا برشمرده شده است. بنابراین می توان استفاده کرد آنان که یاد خدا می کنند چنین نیستند؛ بلکه همواره با شرح صدر و نرم دلی به سر می برند.

181- نشانه های سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 3

3 - دوری از شرک، نشانه سلامت قلب و دل است.

إذ جاء ربّه بقلب سلیم . إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «إذ قال لأبیه..»، بدل اشتمال از «إذ جاء ربه بقلب سلیم» است؛ یعنی، چون ابراهیم(ع) دارای قلب سلیم بود، این سخن ضد شرک از او صادر شده است.

182- نشانه های قساوت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 12

12 - درک نکردن و نپذیرفتن حقایق دینی و معارف الهی، نشانه سخت شدن و قساوت پیدا کردن دلهاست.

یریکم ءایته لعلکم تعقلون. ثم قست قلوبکم من بعد ذلك

183- نشانه های قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 16:17

ص: 176

16 - صدور خیر ها و برکت ها و جوشش علم و حکمت ، نشانه منزه بودن قلب از قساوت و کدورت است .

ثم قست قلوبکم .. فهی كالحجاره أو أشد ... و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

17 - خشوع و خضوع در برابر خدا ، نشانه سلامت قلب از قساوت ها و کدورتهاست .

ثم قست قلوبکم .. فهی كالحجاره أو أشد ... و إن من منها لما یهبط من خشیه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 2

2 - اعتقاد به یگانگی خدا و بیزاری از شرک و بت پرستی ، نشانه بهره مندی از قلب سلیم

إلا من أتى الله بقلب سلیم

در آیات پیشین، سخن درباره مبارزه حضرت ابراهیم(ع) با شرک و بت پرستی است. با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که مراد آن حضرت از قلب سلیم، قلب خالی از شرک است.

184- نعمت اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 14 - 4

4- قدرت روحی و نیروی قلبی برای مبارزه در راه خدا ، موهبتی از جانب او برای قیام کنندگان یکتاپرست

ءامنوا بریهم .. و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

185- نعمت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 5

5- شنوایی ، بینایی و قلب (قدرت ادراک) ، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم .. و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

7- بهره نگرفتن صحیح از نعمت شنوایی، بینایی و قلب برای شناخت حق، باعث مسؤولیت انسان نزد خداوند است.

ولا تقف... إن السمع... کان عنه مسئولاً

خداوند، به منظور دور کردن انسانها از حرکت‌های غیر علمی، به آنان نعمت شنوایی، بینایی و قلب را یادآور شده است تا آنان، با بهره‌گیری صحیح از آن، به یقین دست یافته و بر اساس آن، حکم کرده و عمل نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 16

16 - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثم سوّيه و نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفنده قليلاً ما تشكرو

186- نقش اخروی قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 1

1 - قلب سلیم ، تنها سرمایه ثمربخش برای انسان در قیامت

یوم لا ینفع . . . إلا من أتى الله بقلب سلیم

187- نقش قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 15

15 - قلب و دل آدمی باید منشأ بروز حقایق و معارف الهی بوده و خاستگاه علم و حکمت باشد .

وإن من الحجارة لما يتفجر منه الأنهر وإن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 103 - 11

11 - قلب ، کانون روابط و پیوند های عاطفی (عداوت و محبت) ، میان افراد جامعه

اذ کنتم اعداء فالآف بین قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 15

15 - قلب (دل) ، از ابزار شناخت

وقولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 9

9 - قلب ، كانون ایمان و گرایش های اعتقادی انسان

ص: 178

و لم تؤمن قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 5

5 - گوش، ابزار شناخت و قلب و دل، جایگاه فهم

و منهم من يستمع اليك و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و في آذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 16

16 - استدلال ها و براهین، افاضاتی از ناحیه خدا بر قلب و اندیشه انسانها

ما نزل الله بها من سلطان

مراد از «تنزیل» می تواند «ایجاد کردن» باشد. بنابراین «ما نزل ...» یعنی خداوند هیچ دلیل و برهانی برای شرک نیافریده است. در این صورت مقصود از «سلطن» اعم از براهین عقلی و نقلی خواهد بود. و نیز می تواند مراد از «تنزیل» نازل کردن معارف دین و احکام الهی باشد. بر این مبنا مقصود از «سلطن» برهان نقلی خواهد بود. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 74 - 12

12 - قلب، کانون کفر و ایمان است .

فما كانوا ليؤمنوا .. كذلك نطبع على قلوب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 14

14 - دل، مرکز ایمان و کفر است .

و اشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 3

3- محل کینه و دشمنی انسان ، سینه و دل اوست .

ونزعنا ما فی صدورهم من غلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 7

7- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

ص: 179

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 108 - 5

5- قلب ، چشم و گوش ، از ابزار شناخت

طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 46 - 5

5- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و في آذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 57 - 15

15- گوش ، ابزار شناخت ، و قلب و دل ، جایگاه فهم است .

إنّا جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و في آذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 8 - 7

7- عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

يجدل في الله بغير علم ولا هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 32 - 7

7- قلب ، مرکز تقوا و خدا ترسی

فإنها من تقوى القلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 12، 7

7 - قلب و گوش ، ابزار شناخت و درک حقایق

فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو أذان یسمعون بها

12 - قلب ، مرکز آگاهی ، شنوایی و بینایی انسان

فانها لاتعمی الأبصر و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 194 - 3

3 - قلب ، از کانون های ادراک و شناخت در وجود انسان

ص: 180

نزل به الروح الأمين . علی قلبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 7

7- « دل » کانون عواطف و احساسات آدمی و مرکز بیم ، اندوه ، امید و شادمانی وی

و أصبح فؤاد أمّ موسى فرغاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 7

7- قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 7

7- روح انسانی ، حقیقتی شریف و والاتر از بُعد جسمانی وی است .

سّويه و نفخ فيه من روحه

از اضافه «روح» به ضمیری که مرجع آن «الله» است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 5

5- هر قلبی ، کارکرد خود را دارد و تصمیمی غیر از قلب دیگری می گیرد .

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه

این فراز، در صورتی که به آیات قبل و یا بعد ربط داشته باشد، در صدد بیان این نکته است که همان گونه که دو قلب، در درون یک شخص

قرار نمی‌گیرد، دو اعتقاد و یا دو پدری و یا دو مادری برای یک نفر ممکن نیست. و این، حکایت از آن دارد که کارکرد هر قلبی، انحصاری است و اگر نه، جایی برای این تمثیل باقی نمی‌ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 5 - 15

15 - قلب، دارای نقشی اساسی در تصمیم‌گیری انسان است.

و لکن ما تعمّدت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 10

ص: 181

10 - قلب ، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد .

و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 9

9 - جایگاه ترس ، قلب آدمی است .

وقذف فی قلوبهم الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 12

12 - تأثیرگذاری قرآن ، در گرو وجود زمینه های لازم و دل آماده است .

تقشعراً منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم إلی ذکر اللّٰه

این که خداوند فرمود: قرآن، لرزه به اندام اهل خشیت می اندازد و در خداترسان اثر عمیق می گذارد، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که قرآن در کسانی اثر می گذارد که زمینه آن را داشته باشند و دلشان آماده پذیرش سخن حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 23 - 15

15 - گوش ، چشم و قلب از مهم ترین ابزار شناخت و ادراک در انسان

و أضلّٰه اللّٰه علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 24 - 8

8- قلب ، از ابزار مهم شناخت و ژرف اندیشی در حقایق

أفلا یتدبّرون .. أم علی قلوب أقفالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 19

19 - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

وزینه فی قلوبکم و کره إلیکم الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 14 - 15

15 - قلب ، جایگاه ایمان

ولما یدخل الإیمن فی قلوبکم

ص: 182

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 37 - 5

5- «قلب» (در اصطلاح قرآنی)، کانون درک و خرد آدمی است.

لذکری لمن کان له قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 11 - 3

3- قلب، جایگاه رؤیت حقایق نامحسوس

ما کذب الفؤاد مارأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 11

11- دل، مرکز رأفت و مهربانی است.

و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 11، 9

9- قلب، مرکز ایمان است.

أولئک کتب فی قلوبهم الإیمن

11 - خداوند، ایمان را در دل ها ثابت و پایدار می سازد.

أولئک کتب فی قلوبهم الإیمن

ضمیر فاعل در «کتب»، به «الله» بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 10

10 - دل آدمی ، مرکز درک و فهم حقایق و معارف الهی است .

فطیح علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 14 - 5

5 - قلب ، مرکز دریافت حقایق و رهنمود های الهی و پیدایش گرایش ها و اعتقادات است .

ما یکذب . . . قال أسطیر الأولین . کلاب ران علی قلوبهم

ص: 183

188- نقش قلب سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 48 - 8

8 - خداوند ، حق را در قلب های شایسته قرار می دهد .

قل إن ربی یقذف بالحقّ

احتمال دارد مراد از «یقذف بالحقّ» انداختن حق در قلب ها باشد. گفتی است: ذکر صفت «علاّم الغیوب» برای خداوند - پس از یادآوری ارائه شدن حق از جانب خداوند - می تواند گویای این حقیقت باشد که چون خداوند به نهان های بشر آگاه است، می داند که چه کسی شایستگی آن را دارد تا حق را به قلب او القا کند.

189- نقش قلب محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 194 - 1

1 - قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمين . علی قلبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 6

6 - قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فإن یشأ الله یختم علی قلبک

190- نگرانی قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 12

12 - مسلمانان سست ایمان و بیمار دل عصر بعثت ، نگران از سرنوشت خویش به خاطر پندار بی ثباتی و شکست اسلام

یقولون نخشی ان تصیینا دائره

مراد از «دائره» می تواند چرخش وضع موجود و برگشت به حالت سابق باشد. یعنی شکست اسلام و برگشت کفر و شرک.

191- نورانیت قلب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 184

5 - شرح صدر نور الهی در قلب مؤمنان است. *

و جعلنا له نورا یمشی . . . فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره

«فاء» در «فمن یرد . . .» عطف و تفریع بر آیات قبل است. در آیه 122 (أو من كان میتا . . .) مردم به دو دسته تقسیم شدند: حیات یافتگان دارای نور و فروماندگان در ظلمت. در این آیه با نتیجه گیری از مجموع آیات، هدایت یافتگان دارای شرح صدر و گمراهان مبتلا به تنگی صدر شمرده شده اند. محتمل است شرح صدر همان نوری باشد که در آیه 122 مطرح شده است.

16 - لما نزلت هذه الآية سئل رسول الله (صلی الله علیه و آله) عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: نور یقذفه الله فی قلب المؤمن فینشرح له صدره و ینفسح . . .

آنگاه که آیه «فمن یرد الله . . .» نازل شد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال کردند، شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که خداوند در قلب مؤمن می افکند و با آن سینه اش را باز می گرداند . . .

18 - عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الله عز وجل إذا أراد بعبد خيرا نكت في قلبه نكتة من نور وفتح مسامع قلبه و كل به ملكا یسده و إذا أراد بعبد سوءا نكت في قلبه نكتة سوداء و سد مسامع قلبه و وكل به شیطانا یضله ثم تلا هذه الآية: «فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یضله یجعل صدره ضيقا حرجا».

امام صادق (ع) فرمود: هر گاه خداوند عز و جل برای بنده ای خیری بخواهد، در دلش نقطه ای از نور ایجاد می کند و گوشه های دلش را باز می گرداند و فرشته ای بر او می گمارد که وی را در کارهایش استوار نماید. و آنگاه که خدا برای بنده ای بدی بخواهد، در دلش نقطه ای سیاه ایجاد کرده و گوشه های دلش را می بندد و شیطانی را بر او می گمارد تا گمراهش کند، سپس امام صادق (ع) آیه «فمن یرد الله . . .» را تلاوت فرمود.

192- نیاز به اطمینان قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 14 - 3

3- قیام برای خدا و دفاع از ارزش ها ، نیازمند قدرت روحی و قلبی نیرومند است .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا

193- واژگونی قلب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إنّ القلوب أربعة : . . . و أمّا المنكوس فقلبُ المشرك ثمّ قرء هذه الآية : « أفمن يمشى مكبّاً على وجهه أهدى أمن يمشى سوياً على صراط مستقيم » . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: قلب ها چهارگونه اند .. اما قلب وارونه، قلب مشرک است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أفمن يمشى مكبّاً على وجهه أهدى أمن يمشى على صراط مستقيم»...».

ص: 185

194- وحدت قلب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 1

1 - خداوند ، برای هیچ کس ، دو قلب قرار نداده است .

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه

195- وحی به قلب محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 2

2 - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فإنه نزله على قلبك

ص: 186

4- قلم

1- اطلاع رسانی با قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 4 - 4

4 - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

2- سوگند به قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به قلم و ابزار نوشتن

و القلم

3- منشأ کتابت قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 4 - 4

4 - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

ص: 187

4- نقش قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 4 - 4، 2

2 - قلم ، وسیله ای کارآمد در آموزش

الذی علّم بالقلم

4 - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

قمار

5- آثار قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 6

6 - شراب و قمار ، موجب گُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

«الاثم»: اسم للافعال المُبطّنه عن الثواب (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 2، 9

2 - شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر

9 - قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

6- اجتناب از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 5،11

5 - اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

یا ایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . . . فاجتنبوه

11 - پرهیز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرک ، زمینه ساز نیل به فلاح و رستگاری *

ص: 188

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم . . . فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و الميسر . . . و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه فهل انتم متتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 92 - 6

6 - دوری جستن از پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم . . . و اطیعوا اللّٰه و اطیعوا الرسول

7- احکام قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 4

4 - حرمت شرابخواری و قمار بازی

یسئلونک عن الخمر و الميسر قل فیهما اثم کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 13، 14

13 - قمار ، حرم و ارتکاب آن ، موجب فسق است .

حرمت علیکم . . . و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

14 - حرمت تصرف در اموالی که به وسیله قمار به دست آید .

و إن تستقسموا بالازلم

به نظر می رسد نه تیرهای قمار خصوصیتی در تحریم داشته باشد و نه حیوان و گوشت آن دارای ویژگی خاص است. بنابراین اموال به دست آمده از هر نوع قمار حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 17، 18، 15

15 - بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر . . . رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنای «میسر» در آیه فوق روایت شده: کلماتی که به کعبه و الجوز . . .

ص: 189

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

17 - حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الا زلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنی «ازلام» در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یتقسمون بها.

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

18 - بازی با شطرنج و نرد ، قمار و حرام است .

و المیسر . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 341، ح 186؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 498، ح 9 و 10.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفساد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکرالله و عن الصلوه فهل انتم منتهون

8- پرسش از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 1

1 - پرسش مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، درباره شراب و قمار

9- پلیدی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 1

1 - شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلیم رجس

«انصاب» جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند «انصاب» سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می

ص: 190

شمردند. «ازلام» جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

10- تحریم قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 18

18 - بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

11- ترک قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 3

3 - تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

12- حرمت قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 19

19 - حرمت تصرف در اموال به دست آمده از راه ربا ، قمار ، کم فروشی و ظلم

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل

امام باقر(ع) در مورد «بالباطل» در آیه فوق فرمود: بالربا و القمار و البخس و الظلم.

تفسیر تبیان، ج 3، ص 178 ؛ مجمع البیان، ج 3، ص 59 ؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 363، ح 10 ؛ نورالثقلین، ج 1، ص 472، ح 198.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قمار، حرم و ارتكاب آن، موجب فسق است .

حرمت عليكم . . . و إن تستقسموا بالالزم ذلكم فسق

ص: 191

15 - بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

يايها الذين ءامنوا انما الخمر و الميسر . . . رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنای «میسر» در آیه فوق روایت شده: کلما تقومر به حتی الکعب و الجوز . . .

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

18 - بازی با شطرنج و نرد، قمار و حرام است .

و الميسر . . . رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

از امام باقر (ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 341، ح 186؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 498، ح 9 و 10.

13- ضرر قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 5

5 - شراب و قمار، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فيهما اثم كبير و منافع للناس

کلمه «اِثم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

14- فلسفه تحریم قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 4,10

4 - حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

10 - باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن . . . فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر اللّٰه و عن الصلوه

15- فواید قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 192

5 - شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه «اِثم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

8 - گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . اثمهما اکبر من نفعهما

16- قمار با اِزلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 7,8,9,12,37

7 - حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت . . . و إن تستقسموا بالازلم

«ازلام» تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله «ازلام»، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

8 - حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت . . . و إن تستقسموا بالازلم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

9 - خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

12 - قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم ذلکم فسق

37 - استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تیر های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم . . . فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

17- قمار در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 13

13 - رواج شرابخواری و قماربازی در عصر بعثت

ص: 193

يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس

فعل مضارع «يسئلونك»، دلالت بر تکرار سؤال دارد و تکرار سؤال، بیانگر رواج مورد سؤال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 10

10 - رواج شراب خورای، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

يايها الذين ءامنوا انما الخمر . . . رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 17

17 - شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تزییل آن با جمله ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 1

1 - برخی از مسلمانان عصر بعثت - تا پیش از نزول آیه « انما الخمر . . . » - به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا

فعل ماضی «طعموا» دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

18- قمار در قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - ابو عبیده حدّاء می گوید : « سألت أبا عبد الله عن قول الله عز و جل « و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل » فقال : كانت قریش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم الله عز و جل عن ذلك ;

از امام صادق(ع) از آیه «و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل» سؤال کردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود».

ص: 194

19- قمار در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 91 - 17

17 - شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تذییل آن با جمله ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 1,2

1 - برخی از مسلمانان عصر بعثت - تا پیش از نزول آیه « انما الخمر . . . » - به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی «طعموا» دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

2 - استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از «ما» در «ما طعموا» شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از «طعام» - که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود - میتواند از باب تغلیب باشد.

20- قمار قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 2,5

2 - استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از «ما» در «ما طعموا» شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از «طعام» - که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود - میتواند از باب تغلیب باشد.

5 - مؤمنان دارای عمل صالح که شراب نوشیدند و از درآمدهای قمار بهره جستند و زمان تحریم آن را درک نکردند - بر خلاف توهم گروهی از مسلمانان - اهل نجات و رستگاری هستند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

در برخی از شأن نزولهای آمده که آیه «لیس علی الذین . . .» رد پندار آن گروه از مسلمانان است که پس از تصریح به حرمت قمار و شراب و پلید شمردن آنها، نسبت به فرجام مؤمنان صالح حتی شهیدان راه خدا که شرابی نوشیدند و از عوائد قمار بهره جستند،

ص: 195

تشکیک می کردند و آنان را از زمره رستگاران نمی شمردند.

21- گناه قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 7،8

7 - میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر . . . و اثمهما اکبر

«اِثم» به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحيط)

8 - گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . . . اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 3

3 - شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و المیسر . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 3

3 - تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

22- مفاسد قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . . . و یصدکم عن ذکر اللہ و عن الصلوہ فهل انتم منتهون

ص: 196

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 7,8,9,12

7 - حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت . . . و إن تستقسموا بالازلّم

«ازلام» تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله «ازلام»، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

8 - حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت . . . و إن تستقسموا بالازلّم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

9 - خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم

12 - قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلّم ذلکم فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 15,17,18

15 - بازی دارای برد و باخت (حتی با چیزهایی مثل استخوان و گردو) ، قمار شمرده می شود و حرام است .

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنای «میسر» در آیه فوق روایت شده: کلما تقومر به حتی الکعب و الجوز . . .

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

17 - حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازللم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنی «ازلام» در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یتقسمون بها.

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

18 - بازی با شطرنج و نرد ، قمار و حرام است .

و المیسر . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) روایت شده: الشطرنج و النرد میسر.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 341، ح 186؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 498، ح 9 و 10.

24- ناپسندی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 2

2- شراب خواری، قمار بازی، گرایش به مظاهر شرک و تقال‌های مرسوم در جاهلیت، کرداری شیطانی است

انما الخمر .. من عمل الشیطن

25- نهی از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 14

14 - ابو عبیده حدّاء می گوید: « سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل « ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل » فقال: كانت قریش تقامر الرجل بأهله و ماله فنهاهم الله عز وجل عن ذلك ;

از امام صادق (ع) از آیه « و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل » سؤال کردم، امام فرمود: قریش خانواده و مال خود را به قمار می گذاشتند پس خداوند آنان را از این عمل نهی فرمود.».

ص: 198

5- قوانین

1- آثار اجرای قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 17

17 - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

2- آثار نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 5

5 - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

«حرمة» (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و...) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین «و الحرمات قصاص»؛ یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

ص: 199

3- بی منطقی قوانین جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 10

10 - قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانه بوده است.

وقالوا ما فی بطون . . . سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جمله «إنه حکیم علیم» به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

4- تبعیت از قوانین غیر دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 18،20

18 - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

20 - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 17

17 - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی - با وجود قوانین الهی - ظلم است .

لئن اتبعت أهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذا لمن الظلمین

5- تبیین فلسفه قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 183 - 9

9- بیان فلسفه قوانین از سوی قانون گذاران امری شایسته و نیکوست . *

کتب علیکم الصیام . . . لعلکم تتقون

ص: 200

6- جرم تخلف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 193 - 9

9- متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا على الظلمين

7- سهولت قوانین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 88 - 6

6- ذوالقرنین ، تصمیم گرفت که قوانین و مقررات اجتماعی سهل و قابل تحملی را برای مؤمنان وضع کند .

و سنقول له من أمرنا يسراً

«یسر» یعنی «آسانی» و «من أمرنا» یعنی: «از فرامینی که صادر می کنیم.» ، لذا مفاد جمله «و سنقول...» آن است که برای مؤمنان صالح، فرامینی صادر می کنیم که اجرای آن دشوار نباشد و شنیدن آن برای مؤمنان سنگین نیاید.

8- شرایط نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 5

5 - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

«حرمه» (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و...) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین «و الحرمات قصاص»؛ یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

9- عرف و قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 6

6 - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدين والأقربین بالمعروف

ص: 201

10- عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 3

3 - تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أم كان من الغائبين . لأعدبته ... أو لأذبحته

11- فلسفه قوانین اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 12

12 - بنای اسلام بر جذب هر چه بیشتر انسان ها و متمایل ساختن دل ها به دین حق است .

إنما الصدقات للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

12- فلسفه قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 17

17 - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

13- قوانین ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 88 - 2

2- معارف و قوانین ادیان آسمانی ، مظهر « سبیل الله » است .

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله

14- قوانین انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 48 - 5

5 - تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

15- قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 7، 2

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براءه من اللّٰه و رسوله إلی الذین عهدتم

7 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذین عهدتم من المشرکین

16- قوانین تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 48 - 5

5 - تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

17- قوانین جاهلانۀ دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- وضع مقررات جاهلانہ و انتساب بہ خدا، ویژگی مشرکان عصر جاهلی

و جعلوا لله... و حرموا ما رزقهم الله افتراء على الله

ص: 203

18- قوانین جزایی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 3

3- جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

جمله «فما جزؤه» که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 8،9،16

8- حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

9- قوانین جزایی مصر ، استرقاق سارقان را مجاز نمی شمرد .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

16- مجازات مجرمان بیگانه بر اساس مقررات خود آنان ، با قوانین و مقررات مصر در زمان وزارت یوسف (ع) مخالفی نداشت .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلا أن یشاء الله

19- قوانین حاکم بر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 2،6

2- زوجیت ، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

6- قوانین و پدیده های هستی ، هدفمند و حکیمانه

و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکّرون

«لعلکم تذکّرون» هدف برای «من کلّ شیء..» است. از این بیان الهی استفاده می شود که اصولاً قوانین و پدیده های جهان، هدفی را دنبال می کنند و این هدف ارزشی و حکیمانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 21 - 1

1 - قوانین طبیعی حاکم بر جریان آب های زمین ، نمودی از ربوبیت انکارناپذیر الهی و غیرقابل تکذیب

مرج البحرین .. فبأیء آلاء ربّکما تکذّبان

التقای آب های زمین و دریاها با یکدیگر و وجود حایل و مانع از هضم شدن آنها در یکدیگر، اشاره به نوعی قوانین حاکم بر آب

ص: 204

های (شور و شیرین) دارد خداوند متعال این قوانین را، نمودی از ربوبیت انکار ناپذیر خویش دانسته است.

20- قوانین عالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 18

18 - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظلمين

21- قوانین کیفری در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 75 - 7

7- « عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالى] : « جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه » : يعنون السنّة التي تجرى فيهم أن يحبسهم . . . » ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: «جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه» روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . . .».

22- قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 8

8- حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

23- قوانین کیفری در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 74 - 3

3- جواز عقوبت مجرمان بیگانه بر اساس قوانین کیفری خود آنان ، از مقررات جزایی مصر در عصر یوسف

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

جمله «فما جزؤه» که پرسش از تعیین کیفر سارق است، می تواند به این معنا باشد که متهمان خود کیفری را برای سارق

ص: 205

مشخص کنند. همچنین می تواند به این معنا باشد که بیان کنند در شریعت و آیین آنان برای سارق چه کیفری مقرر شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 7,8

7- نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت ، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر ، برای یوسف (ع) مجاز نبود .

ما کان لیاخذ أخاه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به «ملک» قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه «فما جزاؤه...» در آیه 74، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

8- حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیاخذ أخاه فی دین الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 79 - 3

3- قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . *

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد ؛ یعنی، یوسف(ع) با جمله «بازداشت نمی کنیم» به جای «بازداشت نمی کنم» اشاره به این معنا می کند که قوانین مصر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

24- کیفر اطاعت از قوانین ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 37 - 15

15- پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

ولئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالک من الله من ولیّ و لاواق

25- کيفر عصيان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 4، 2

ص: 206

2- شکنجه یا مرگ (بریدن سر) ، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أَمْ كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ . لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ

4- لزوم تعیین کیفر های سخت تا مرز مرگ ، برای متخلفان از مقررات ارتش

أَمْ كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ

26- مجازات تخلف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 193 - 9

9 - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا على الظلمين

27- مطالعه قوانین آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 18 - 2

2- بررسی قوانین حاکم بر آسمان و فضای بالا ، زمینه ساز باور به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلى السماء كيف رفعت

28- ملاکهای قوانین لازم الاتباع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 18

18 - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

ولئن اتبعت أهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمين

29- منشأ قوانین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اساس و ريشه تمام قوانين و مقررات عالم هستی نزد خداوند است و تنها او به آنها عالم است .

و عنده أمّ الكتب

ص: 207

30- منشأ نسخ قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 10

10 - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

31- منشأ وضع قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 10

10 - تشریح احکام دین و نسخ آنها به دست خداوند و در اختیار اوست .

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

32- نقض قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 23 - 19

19 - لزوم توجه به ناتوانی و نقص مکاتب و برنامه های بشری ، در مسیر اصلاح و هدایت بایسته انسان

فمن يهديه من بعد الله أفلا تذكرون

33- ویژگیهای قوانین بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 147 - 2

2 - قوانین بشری حق محض نبوده و همواره با اموری باطل ، آمیخته است .

الحق من ربك

برداشت فوق بر این مبناست که: «ال» در «الحق» همانند، زید الرجل برای استغراق خصایص افراد باشد؛ یعنی، آنچه تمام ویژگیهای حق

را داراست و به امری باطل آمیخته نیست، از ناحیه خداوند می باشد.

ص: 208

34- ویژگیهای قوانین دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 14

14 - انعطاف پذیری احکام و قوانین دین و ملاحظه ضرورت ها در تشریح آن قوانین

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 22

22 - انعطاف پذیری احکام الهی و تخفیف در تکالیف ، پرتوی از رحمت الهی است .

فمن عفی له من أخیه شیء . . . ذلک تخفیف من ربکم ورحمه

35- یوسف (ع) و قوانین مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 10

10- یوسف (ع) در زمان وزارتش ، نمی توانست با قوانین و مقررات حکومت مصر مخالفت کند .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

قوانین بین المللی

36- آثار نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 5

5 - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

« حرمة » (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و ..) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص،

مجازات‌اتی است که در مقابل جنایت اجرا می‌شود. بنابراین «و الحرمات قصاص»؛ یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می‌توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

ص: 209

37- شرایط نقض قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 194 - 5

5 - جواز نقض قوانین پذیرفته شده بین المللی ، در صورت نقض آن از سوی دشمن

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص

«حرمة» (مفرد حرمت) به چیزهایی (قوانین، مقررات و...) گفته می شود که مراقبت آنها لازم و نقض آنها ممنوع است. قصاص، مجازاتی است که در مقابل جنایت اجرا می شود. بنابراین «و الحرمات قصاص»؛ یعنی، آنچه از مقررات و قوانین - که باید مورد احترام باشد و نقض نگردد - اگر از سوی دشمن نقض شد و بدین وسیله بر شما ضربه وارد آمد شما نیز می توانید آن را نادیده گرفته و جنایت دشمن را پاسخ دهید.

38- قوانین بین المللی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 2،7

2 - لغو اعتبار پیمان عدم تعرض ، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده ، بلا مانع است .

براءة من الله ورسوله إلى الذين عاهدتم

7 - بستن پیمان عدم تعرض با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

الذين عاهدتم من المشركين

ص: 210

6- قوای ادراکی

1- ابداع قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 2

2 - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذی أنشأ لكم السمع والأبصر والأفئده

«إنشاء» (مصدر «أنشأ») به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

2- ارزش قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 171 - 8

8 - درک حقایق و معارف دین و پذیرش آنها ، تعیین کننده میزان ارزش قوای ادراکی است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

کر، لال و کور خواندن کفرپیشگان علی رغم اینکه آنان از ابزار شنوایی و .. برخوردار هستند، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که: اگر ابزار و قوای ادراکی وسیله فهم معارف دین قرار نگیرند، در حقیقت با نبودشان یکسانند و ارزشی ندارند.

3- استفاده از قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 68 - 9

ص: 211

9- لزوم بهره گیری از استعداد ها و قوای جسمی و عقلی ، به هنگام شکوفایی آن و در دوران پیری

و من نعمته ننگسه فی الخلق أفلا یعقلون

4- اهمیت قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 26 - 7

7- اهمیت ویژه بینایی ، شنوایی و نیروی ادراکی انسان ، در مقایسه با سایر نعمت های الهی

و لقد مکّنهم... و جعلنا لهم سمعاً و أبصراً و أفئده

از اختصاص به ذکر یافتن چشم، گوش و قلب، مطلب بالا استفاده می شود.

5- تأثیر جادو در قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 66 - 8

8 - سحر ، دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

یخیل إلیه من سحرهم

6- تأثیرپذیری قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 21

21- قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

و قطنن أیدیهنّ

7- دقت در ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 21

21- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

ص: 212

8- رشد قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 19

19- منحنی صعود، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است.

لتبلغوا أشدكم .. منكم من یردّ إلى أرذل العمر

9- زمینه ختم قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 108 - 9

9- ارتباط مستقیم مهر شدن راه های ادراکی، با غفلت کامل انسان

طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصرهم وأولئك هم الغفلون

10- زمینه سلب قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 5

5- موضع گیری و عمل خود آدمی، زمینه نابود شدن استعداد هدایت در وی است.

ولئن جنتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أتمم إلا مبطلون . كذلك يطبع الله

11- ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 19

19- منحنی صعود، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است.

لتبلغوا أشدكم .. منكم من یردّ إلى أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- منحنی صعود، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ص: 213

ثمّ لتبلغوا أشدكم ثمّ لتكونوا شيوخاً

12- عوامل سلب قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 59 - 8

8 - لجاجت کنندگان در برابر پذیرش آیات الهی ، در معرض از دست دادن قوای درک معارف الهی اند .

ولئن جتتهم بأیه ليقولنّ الذین كفروا إن أتم إلاّ مبطلون . كذلك يطبع الله علی ق

13- فلسفه قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 10

10- هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و . . .) به او ، شناخت خداوند و شکر اوست .

والله أخرجکم من بطون . . . و جعل لکم السمع ... لعلکم تشکرون

14- قوای ادراکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 16، 9، 6

6- قوای ادراکی (چشم و گوش و قلب انسان) از نشانه های خداوند است .

الله الذی أحسن . . . و بدأ خلق الإنسن ... و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

9- انسان ، واجد دو نوع قوه ادراکی (حسی و باطنی) است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

16 - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها ، به درگاه وی شکرگزاری شود .

ثمّ سوّیه و نفخ فيه من روحه و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشکرو

15- قوای ادراکی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 97 - 7

7- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

ص: 214

و نحشروهم يوم القيمة على وجوههم عمياً و بكمأ و صمأ

16- قوای ادراکی موجودات زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 4 - 3

3- اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما... آیت لقوم یوقنون

طرح خلقت انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد؛ چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

17- نعمت قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 5

5- شنوایی، بینایی و قلب (قدرت ادراک)، از مهم ترین نعمت های خداوند به انسان

و الله أخرجکم... و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

برداشت فوق، از آن جاست که آیه شریفه علاوه بر بیان آیات قدرت الهی، در صدد برشمردن نعمتهای الهی و در مقام امتنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 4

4- نیروی شنوایی، بینایی و ادراکی انسان، نعمت هایی الهی و در خور شکر و سپاس گذاری

و هو الذی أنشأ لکم... قليلاً ما تشكرون

18- نقش قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 6

6- ابزار حسی و تعقلی انسان ، وسیله راه یابی او به شناخت حق و صراط مستقیم

وإِنك لتدعوهم إلى صراط مستقیم . . . أنشأ لكم السمع والأبصر والأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 215

5- بینایی، شنوایی و نیروی ادراک، از پایه های مهم شناخت

و جعلنا لهم سمعاً و أبصاراً و أفئده فما أغنى عنهم

در آیه شریفه «سمع»، «أبصار» و «أفئده» عواملی کافی برای رهیابی انسان به حقایق معرفی شده است و قوم عاد به خاطر بهره نگرفتن از آنها، مورد سرزنش قرار گرفته اند.

ص: 216

7- قیاس

1- آثار قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 28 - 2

2- برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء... بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین

2- آثار قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 28 - 2

2- برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء... بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین

3- ارزش قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 2

2- ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قل لایستوی الخبیث و الطیب

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

ص: 217

4- استفاده از قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 50 - 16

16 - خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

5- اولین قیاس کننده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 12

12 - عن أبی عبدالله(ع): ... فإن أول من قاس إبلیس حین قال: « خلقتی من نار و خلقتہ من طین » فقیاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریہ آدم بنوریہ النار عرف فضل ما بین النورین

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: «مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل» و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت

6- اهمیت رعایت قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 100 - 15

15 - رعایت حلال ها و حرام های الهی ، تقواییشگی است .

لا یستوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبث و طیب - به قرینه آیات گذشته - حلالها و حرامهای الهی باشد.

7- تاریخ قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 12

12 - عن أبي عبدالله(ع): ... فإن أول من قاس إبليس حين قال: « خلقتني من نار و خلقتة من طين» فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين

ص: 218

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: «مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل» و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

8- قیاس ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 12

12 - عن أبي عبدالله(ع): .. فإن أول من قاس إبليس حين قال: « خلقتني من نار و خلقتة من طين » فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: «مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل» و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 8

8 - ابلیس ، در مقایسه میان شخصیت خود و آدم (ع) ، روح الهی موجود در آفرینش آدم را نادیده گرفت .

فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدین .. قال أنا خير منه خلقتني من نار

9- قیاس انسان با آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 2

2 - انسان ، در مقایسه با مجموعه عالم هستی ، موجودی کوچک و ناچیز است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

10- قیاس اهل تسلیم با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 35 - 2

2- فرمانبران و تسلیم شدگان فرمان های الهی ، در نگاه ارزشی اسلام با مجرمان و تبهکاران برابر نیستند ؛ بلکه آنان برتراند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

ص: 219

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «مسلمین» در معنای لغوی آن به کار رفته باشد؛ نه اصطلاحی

11- قیاس باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 17 - 3,4,8

3- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

4- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

8- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 75 - 11,12

11- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق، غیر قابل مقایسه با وابستگی، فقر و ناتوانی از انفاق است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً لا یقدر علی شیء و من رزقنه .. هل یستون

12- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً .. و من .. فهو ینفق منه سرّاً و جهراً هل یستون

پاسخ «هل یستون» به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 76 - 8

8- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل یستوی هو ..) - که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بدهت آن باشد - استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 98 - 2

2 - هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

ص: 220

إن كُنَّا لفي ضلال مبين . إذ نسوِّكم ربِّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 1

1 - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی) قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 4

4 - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 19

19- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنة التي وعد المتقون .. كمن هو خلد فی النار

12- قیاس بت ها با عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 6, 1

1 - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

وقالوا ألهتنا خیر أم هو

6- مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربه لك إلاّ جدلاً

در مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از الوهیت عیسی (ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

ص: 221

13- قیاس بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلاً أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

14- قیاس تولیت مسجد با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

15- قیاس خدا با موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 12

12- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوكاً . . . و من ... فهو ينفق منه سرّاً و جهراً هل يستون

پاسخ «هل يستون» به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

16- قیاس خوبی با بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 34 - 1

1 - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

ص: 222

17- قیاس دنیا با آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 21

21 - زندگانی دنیا ، در مقایسه با آخرت ، کالایی فریبنده بیش نیست .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

18- قیاس رباخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 275 - 7،8،17

7 - پندار نادرست رباخواران ، از همانندی بیع با ربا ، دلیل رباخواری آنان

الذین یأکلون الربوا .. ذلک بانّهم قالوا انّما البیع مثل الربوا

بنابراینکه «ذلک» اشاره به «اکل ربا» باشد که از «یأکلون الربوا» به دست می آید.

8 - پندار و باور غلط رباخواران از همگونی بیع و ربا ، نشانه عدم تعادل شخصیت آنان

الذین یأکلون .. ذلک بانّهم قالوا انّما البیع مثل الربوا

کلمه «ذلک» علاوه بر اینکه اشاره به «اکل ربا» است، می تواند اشاره به تخبّط و جنون زدگی باشد، البته در این صورت جمله «ذلک بانّهم» تعلیل در مقام اثبات است که در این برداشت به نشانه تعبیر شده است.

17 - اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن ، موجب جاودانگی در آتش

قالوا انّما البیع .. و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

در برداشت فوق متعلق «عاد»، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله «و من عاد ..» به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلّد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

19- قیاس زنده به مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 22 - 1

1 - زندگان با مردگان برابر نیستند .

و ما یستوی الأحياء و لا الأموت

ص: 223

20- قیاس سقایت حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

21- قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 28 - 4.5

4 - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين في الأرض

5 - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. كالفجّار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله «أم نجعل...» به دست می آید.

22- قیاس کافران با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 22 - 4,5

4 - زندگی و سرنوشت کافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نیست .

أفمن یمشی مکبّاً علی وجهه أهدى أمن یمشی سوياً علی صرط مستقیم

5 - قابل مقایسه نبودن کافران و مسلمانان ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام

أفمن یمشی مکبّاً علی وجهه أهدى أمن یمشی سوياً علی صرط مستقیم

برداشت یاد شده، از استفهام تقریری در (أفمن . . أمّن) استفاده می شود.

23- قیاس کافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 224

15 - فاطر - 35 - 19 - 4

4- برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 3

3- برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

24- قیاس گمراهان با مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 1

1- برابر نبودن انسان گمراه و فرورفته در تاریکی و سرگردانی ، با انسان راه یافته و حقیقت شناس

و لا الظلمت و لا النور

25- قیاس متقین با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 6

6- مقایسه فرجام نیک تقوایندگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است؛ مطلب بالا برداشت می شود.

26- قیاس متقین با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 28 - 5,7

5 - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. کالفجّار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله «أم نجعل ..» به دست می آید.

7 - تقواییشان در نظام ارزشی خدا با تبه کاران برابر نیستند ؛ بلکه آنان برتر می باشند .

ص: 225

أم نجعل الممتّين كالفجار

27- قیاس مسلمانان با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 35 - 1

1 - مسلمانان ، در نگاه نظام ارزشی اسلام ، با مجرمان برابر نیستند ؛ بلکه از آنان برتراند .

أفنجعل المسلمین كالمجرمین

استفهام در «أفنجعل...» ، انکاری و درصدد نفی برابری مسلمانان با مجرمان و اثبات برتری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 37 - 1

1 - در هیچ کتاب آسمانی ، مسلمانان و اطاعت کنندگان از خدا ، با مجرمان و تبهکاران یکسان تلقی نشده اند .

أفنجعل المسلمین كالمجرمین .. . أم لكم كتب فیه تدرسون

28- قیاس مشرک با مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 2

2 - همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجد الحرام کمن ءامن بالله و الیوم الآخر و جهد فی

29- قیاس مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 6

6 - مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لك إلا جدلاً

در مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از الوهیت عیسی (ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

ص: 226

30- قیاس مشکلات با نعمتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 49 - 7

7 - برخورداری انسان از نعمت های الهی در دنیا بیش از ابتلای وی به شرور و سختی ها است .

لايسئم الإنسان من دعاء الخير وإن مسه الشرّ

«إن» شرطیه در مواردی به کار رود که تحقق شیء در آن موارد نادر و کم می باشد به کارگیری آن در مورد «شر» بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 12

12 - مشکلات و تنگنا های زندگی انسان ، در مقابل نعمت های اعطا شده از سوی خداوند به او اندک است .

و إذا أنعمنا .. و إذا مسه الشرّ

به کار رفتن واژه «مسّه» در مورد شرور - و نه مورد نعمت ها - بیانگر مطلب یاد شده است.

31- قیاس ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 74 - 2

2- مقایسه کردن خداوند با مخلوقات و تشبیه نمودن صفات او به صفات خلق ، ممنوع است .

فلا تضربوا لله الأمثال

32- قیاس موجودات با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 17

17- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لا يعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 76 - 1،8

1- خلق در مقایسه با خدا، به مثابه لالهایی ناتوان و نیازمند سرپرستند.

ص: 227

و ضرب الله مثلاً رجلين أحدهما أبكم لا يقدر على شيء وهو كَلٌّ على موله

8- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند، امری روشن، بدیهی و به دور از ابهام است.

و ضرب الله مثلاً رجلين أحدهما أبكم لا يقدر على شيء... هل يستوى هو و من يأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل يستوى هو...) - که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بدهاقت آن باشد - استفاده گردیده است.

33- قیاس مؤمن با کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 2

2 - همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است.

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

34- قیاس مؤمنان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 21 - 2

2 - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران، از نظر شخصیت و سرنوشت.

و لا الظلّ و لا الحرور

35- قیاس مؤمنان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 28 - 4

4 - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند، بلکه آنان برترند.

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين في الأرض

36- قیاس مهتدین با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 1

1 - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی)

ص: 228

قیاسی نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع ورزیدند.

37- قیاس ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 2, 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

2 - همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

38- قیاس نیکان با بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 7

7 - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أمن هو قنت ءاناء الیل .. و یرجوا رحمة ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 11

11 - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 12

12 - مقایسه میان نیکان و بدان ، از روش های هدایتی و تربیتی قرآن

ضرب الله مثلاً رجلاً .. هل یستویان مثلاً

ص: 229

39- قیاس نیکان و بدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 24 - 4

4 - مقایسه کردن میان نیکان و بدان ، از روش های تربیتی قرآن

أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

40- قیاس ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 18 - 2

2 - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، با اندیشه شیطنانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنه کان لأیتنا عنیداً .. إنه فکّر و قدر

41- ملاک قیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 3

3 - پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیا

لا یتوی الخبیث و الطیب

قیاس باطل

42- قیاس باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 17 - 3،4،8

3- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

4- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

8- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

ص: 230

أفمن يخلق كمن لا يخلق أفلاتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 11، 12

11- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق، غیر قابل مقایسه با وابستگی، فقر و ناتوانی از انفاق است.

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً لایقدر علی شیء و من رزقنه .. هل یستون

12- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند، امری روشن و به دور از ابهام است.

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً .. و من ... فهو ینفق منه سرّاً و جهراً هل یستون

پاسخ «هل یستون» به جهت بداهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 76 - 8

8- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند، امری روشن، بدیهی و به دور از ابهام است.

و ضرب الله مثلاً رجلین أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل یستوی هو ..) - که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بداهت آن باشد - استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 98 - 2

2- هیچ چیز، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست.

إن کنا لفی ضلل مبین . إذ نسوؤکم ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 1

1 - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی) قیاسی
نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند
و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع
ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 4

ص: 231

4- برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما ىستوى الأعمى و البصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 19

19- فرجام نيك متقين بهشتى ، غيرقابل قياس با فرجام سخت دوزخيان

مثل الجنة التي وعد المتقون .. كمن هو خلد فى النار

ص: 232

8- قیام

1- اخلاص در قیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 1

1 - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، پیام بسیار مهمی برای مردم داشت و آن قیام مخلصانه برای خدا است.

قل إنّما أعظکم بوحده أن تقوموا لله

«واحد» به صورت نکره آمده و دلالت بر اهمیت و عظمت موعظه می کند.

2- اعتدال در قیام نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 22

22 - «عن حریز عن رجل عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له «فصل لربک و انحر» قال: النحر الإعتدال فی القیام أن یقیم صلبه و نحره»

حریز از مردی نقل کرده که گفت: به امام باقر (ع) گفتم: [معنای «فصل لربک و انحر» چیست؟] فرمود: «نحر» اعتدال در حال قیام است؛ [به این که] ستون فقرات و سینه خود را راست نگه دارد».

3- ایمان به قیام امام مهدی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 3 - 16

ص: 233

16 - « عن ابى عبدالله (ع) فى قول الله عز و جل « الذين يؤمنون بالغيب » قال : من أقر بقيام القائم انه حق ؛

از امام صادق (ع) درباره «الذين يؤمنون بالغيب» روایت شده که فرمود: آنان کسانی هستند که به حقانیت قیام قائم اقرار دارند».

4- قیام امام مهدی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 33 - 11

11 - « عن محمد بن الفضيل عن ابى الحسن الماضى (ع) قال : قلت : « هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دين الحق » قال : . . . الولاية

هى دين الحق قلت : « ليظهره على الدين كله » قال : يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم . . . ؛

محمد بن فضيل گوید: از امام کاظم (ع) درباره «هو الذى ارسل رسوله . . .» سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و

درباره «ليظهره على الدين كله» فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ...».

5- قیام در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 8 - 23، 21، 18، 1

1 - مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

يأيها الذين ءامنوا كونوا قومين لله شهداء بالقسط

«قوم» صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و «قسط» به معنای عدل و حق است.

18 - قیام برای خدا ، شهادت به حق و برپا داشتن قسط ، نشانه و جلوه ای از تقوا

كونوا قومين لله شهداء بالقسط . . . و اتقوا الله

21 - هشدار و تهدید خداوند نسبت به کسانی که به حق شهادت ندهند و برای خدا قیام نکنند .

كونوا قومين لله شهداء بالقسط . . . و اتقوا الله إنّ الله خبير بما تعملون

23 - اعتقاد به آگاهی خدا از اعمال انسان ، زمینه قیام برای خدا ، شهادت به قسط ، اجرای عدالت و تحصیل تقواست .

كونوا قومين لله شهداء بالقسط . . . و اتقوا الله إنّ الله خبير بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - قيام برای خدا، شهادت به قسط و اجرای عدالت، از مصادیق عمل صالح

كونوا قومين لله شهداء بالقسط . . . و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 46 - 1

ص: 234

1- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، پیام بسیار مهمی برای مردم داشت و آن قیام مخلصانه برای خدا است.

قل إنّما أعظکم بوحده أن تقوموا لله

«واحد» به صورت نکره آمده و دلالت بر اهمیت و عظمت موعظه می کند.

6- قیام در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 4

4 - سجده و قیام، دورکن عبادت

أمن هو قنت ءاناء الیل ساجداً وقائماً

اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر اجزا و ارکان عبادت، برداشت بالا به دست می آید.

7- قیام در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 16

16 - قیام، رکوع و سجود، از ارکان نماز

و القائمین و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 3

3 - سجده و قیام، دورکن اساسی نماز است.

و الذین یتنون لربّهم سجداً و قیماً

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 4

4- قیام و قرائت ، اساسی ترین ارکان عبادت و نماز

هی اشدّ وطاً و أقوم قیلاً

اختصاص به ذکر یافتن دو رکن قیام (أشدّ وطاً) و قرائت (أقوم قیلاً) از میان ارکان پنجگانه نماز، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 235

8- قیام در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 6 - 2

2 - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشدّ وطءاً و أقوم قیلاً

ضمیر «هی» به «ناشئه» باز می گردد. «أشدّ» معادل «أثبت» (با ثبات تر، استوارتر) و «وطیء» مرادف «قیام» (ایستادن) است (لسان العرب). «أقوم» نیز به معنای «أسدّ» (محکم تر) و «قیلاً» همتای «مقال» (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

9- قیام علیه رهبران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 19

19 - «عن ابی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عز و جل : «فمن اضطر غیر باغ و لاعاد» قال : الباغی الذی یخرج علی الأمام و العادی : الذی یقطع الطریق لایحلّ لهما المیتة . . .» ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: «فمن اضطر غیر باغ و لاعاد» روایت شده است: مراد از باغی کسی است که علیه امام [حق] خروج کرده و مراد از عادی کسی است که راهزنی می کند که در [حال اضطرار هم] خوردن مردار بر آنان حلال نیست . . .».

10- قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 11 - 5

5 - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

11- مراد از قیام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21- « عن أبي الحسن الرضا (ع) قال : أعلم . . . ان الله تبارك و تعالی . . . قائم لیس علی معنا انتصاب و قیام علی ساق فی کبد

ص: 236

كما قامت الأشياء ولكن « قائم » يخبر أنه حافظ والله هو القائم على كل نفس بما كسبت . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: بدان که خداوند - تبارک و تعالی - . . . قائم است نه به معنای ایستادن و در میان آسمان بر روی پا قرار گرفتن آن گونه که اشیا قیام دارند و ایستاده اند؛ بلکه [خداوند] قائم است، به این معنا می باشد که او حافظ است و تنها خداوند است که حافظ هر فردی می باشد با آنچه کسب کرده است».

ص: 237

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

